

نیرو و سرمایه



نیرو سرمایه

نشریه سندیکای شرکت‌های تولیدکننده برق
شماره ۲۸/تابستان/۱۳۹۸/ ۸۰ صفحه

صاحب امتیاز: سندیکای شرکت‌های تولیدکننده برق اعضای شورای سیاست‌گذاری:

محمدعلی وحدتی، سیداحمد مطهری، ابراهیم خوش‌گفتار، اسدالله صبوری، حسنعلی تقی‌زاده لنده، امیر انوری، مجید غمامی، علیرضا اسلامی، سیدحسین عبدالخالق‌زاده، سمیه کاظم‌زاده

مدیر مسئول: پرویز غیاث‌الدین

زیر نظر شورای سردبیری

دبیر تحریریه: زهرا شریفی

تحریریه: بهار عبادی، طیبه مشایخی، ساراخالقی، علیرضا حسینی

مدیر هنری: بهشید مرکزی

گرافیک و صفحه آرا: بهزاد مرکزی

طرح روی جلد: میراندا انصاری

عکس: سعید کیومرثی

توزیع: سعید کیومرثی

چاپ: همراذ



نیرو سرمایه

نشریه سندیکای شرکت‌های تولیدکننده برق

نشانی: تهران سعادت آباد، خیابان سرو غربی، بین چهارراه

سرو و میدان کتاب، پلاک ۱۱۴، طبقه ۱، واحد ۲

کدپستی: ۱۹۹۸۹۹۴۱۹۴

تلفن: ۰۲۲۳۸ ۰۰۱۵-۱۷

نمابر: ۰۲۲۱۴ ۸۱۳۸

www.pgcsyndicate.ir info@pgcsyndicate.ir

مطالب نشریه «نیرو و سرمایه» لزوماً بیانگر دیدگاه‌ها و نظرات
سندیکای شرکت‌های تولیدکننده برق نیست.

سرمقاله

۲ اتلاف وقت در تعیین قیمت

پرونده

۴ واکاوی پرونده وزارت نیرو در دیوان عدالت اداری
۸ راه بی‌بازگشت وزارت نیرو در کسر درآمد نیروگاه‌ها
۹ دود قانون‌گریزی وزارت نیرو در چشم صنعت برق
۱۰ گریزی از تمکین به قانون نیست
۱۲ اجرای گزینشی قوانین بالادستی و تاثیر آن بر تولید برق
رصد عملکرد وزارت نیرو در اجرای قوانین

۱۵ بند ت ماده ۴۸ قانون برنامه ششم توسعه؛ به نام تولید به کام انتقال
۱۸ فرصت‌ها و تهدیدها در دستورالعمل تعیین نرخ خرید تضمینی برق
۲۰ وزارت نیرو از پرداخت خسارت دیرکرد شانه خالی می‌کند!
۲۲ تکلیف قیمت خرید برق از نیروگاه اتمی روشن شد نیروگاه‌های خصوصی...

نگاه ویژه

۲۵ سه گفت‌وگو بر محور یک بحران
۲۶ در جستجوی اعتماد از دست رفته
۲۸ نگذارید تولید برق به بن‌بست برسد
۳۱ همه راه‌ها به کمبود نقدینگی ختم می‌شود!
۳۳ متمم بودجه آخرین شانس تسویه بدهی‌های ارزی
۳۴ در هم‌تنیدگی مطالبات معوق و بدهی‌های ارزی
۳۶ افق غبارآلود بازپرداخت وام‌های ارزی
۴۰ چالش بدهی ارزی تولیدکنندگان برق از نگاه رسانه‌ها

تریبون آزاد

۴۸ «استقلال» حلقه مفقوده نهادی برای رگولاتوری برق
۵۳ امید به پایان بازی نابرابر در زمین «دولتی» بازار برق
۵۸ پشت درهای بسته تصمیم نگیریم

گزارش

۶۴ اقدام و عمل اتاق‌های فکر سندیکا
۶۸ کسب تکلیف در مورد یک اقدام جمعی
۷۰ سمیناری برای ارتقاء فرهنگ سازمانی
۷۶ نیروگاهی با قابلیت حضور در عرصه صادرات برق

بلا تکلیفی قیمت خرید برق از نیروگاه‌های خصوصی اتلاف وقت در تعیین قیمت

چالش جدی برای فعالان این حوزه محسوب می‌شود، اما واقعیت این است که در نهایت نتایج این تعلل و قانون‌گریزی گریبانگیر وزارت نیرو خواهد شد. ادامه روند فعلی بدون در نظر گرفتن میزان فشاری که به دلیل تعیین نشدن نرخ منطقی برای خرید برق از نیروگاه‌های خصوصی به آن‌ها وارد می‌شود، در نهایت می‌تواند به توقف فعالیت برخی از این نیروگاه‌ها منجر شود. آسیب جدی زمانی مشخص خواهد شد که وزارت نیرو بخش اعظم بار تامین برق مورد نیاز مشترکین را بر دوش همین نیروگاه‌هایی می‌گذارد که قریب به ۵ سال است قیمت خرید برق از آن‌ها را افزایش نداد و همچنان حاضر نیست که با وجود پیشنهاد های منطقی طرح شده از سوی سندیکا، نسبت به تغییر نرخ اقدام کند.

البته به نظر می‌رسد این موضوع بیش از هر چیز از اراده و رویکرد این وزارتخانه نشأت می‌گیرد، در غیر این صورت تعیین قیمت خرید برق از نیروگاه اتمی نمی‌توانست و نمی‌بایست در یک ضرب‌الاجل چند روزه و با وجود مخالفت‌های بسیار انجام شود. پس اگر وزارت نیرو با وجود ابلاغ دستورالعمل بند «ت» ماده (۴۸) قانون برنامه ششم توسعه، هنوز هم نسبت به تعیین نرخ خرید برق از نیروگاه‌ها اقدام نکرده و نرخ آمادگی و سقف بازار برق را بلا تکلیف باقی گذاشته، حاکی از نبود یک اراده مشخص برای حفظ توانایی و پتانسیل قابل توجهی است که تابستان‌های بحرانی را با اتکا به آن‌ها سپری کرده است.

همه آنچه که امروز می‌تواند ایران را همچنان در رتبه شانزدهم تولید برق جهان نگه دارد تا وزارت نیرو همواره بر این توانایی بی‌بالد، حفظ توان بخش خصوصی است که تولید نزدیک به ۶۰ درصد برق مورد نیاز کشور را بر عهده دارد. این‌که هنوز هم در این وزارتخانه برای استفاده از ظرفیت قابل توجه برق تولید شده توسط بخش خصوصی در ماه‌های کم‌مصرف سال چاره‌ای اندیشیده نشده، گواه کم توجهی این وزارتخانه است و بی‌شک دلیل درستی برای بی‌تفاوتی نسبت به این سرمایه عظیم، استراتژیک و زیرساختی نیست.

زمان توقف نمی‌کند و دوباره این چرخ گردون صنعت برق را به بحرانی به نام خاموشی می‌رساند، آن وقت وزارت نیرو باید پاسخگوی بی تفاوتی‌ها و تعلل‌های چند ساله‌اش برای حفظ، تقویت و توانمندسازی تولیدکنندگان برق خصوصی باشد.

شش ماه ابتدایی سال ۹۸ به پایان رسید تا وزارت نیرو بیش از هر نهاد و ارگان دیگری، یک نفس آسوده بکشد. برعکس سال گذشته، تابستان ۹۸، ماه‌های کم‌چالشی برای صنعت برق داشت. نه این‌که اتفاق خاصی در بطن این صنعت رخ داده و یا شتاب ویژه‌ای در تولید و عرضه کالای برق ایجاد شده باشد، در حقیقت بخش قابل توجهی از این آرامش حاصل دست‌گشاده آسمان و بارش بی‌دریغ رحمت الهی بود که به بازگشت نیروگاه‌های برقابی به مدار منجر شد. تمام شدن تابستان و ورود به ماه‌های کم‌مصرف و سرد سال، یعنی فراموشی بحرانی که می‌تواند دوباره در بستر یک سال آبی کم‌بارش بازگردد.

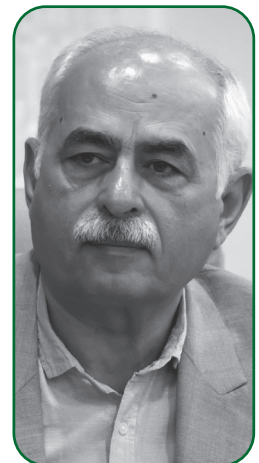
در شش ماه گذشته، اگرچه وزارت نیرو فرصت‌های بسیار مناسبی برای ایجاد بسترهای لازم به منظور توانمندسازی نیروگاه‌های خصوصی فعال داشت، اما به سادگی با تعلل و بی‌تفاوتی نسبت به الزامات قانونی، این فرصت‌ها را از دست داد.

در واقع بر اساس ماده ۶ دستورالعمل بند «ت» ماده (۴۸) قانون برنامه ششم توسعه، وزارت نیرو مکلف بود به فاصله دو ماه از ابلاغ، نسبت به تعیین نرخ آمادگی و سقف بازار برق اقدام کند، اما آنقدر در این خصوص تعلل کرد تا از بحران بگذرد.

حالا اگر وزارت نیرو در کمال آرامش در ماه‌های کم‌مصرف، نرخ آمادگی نیروگاه‌ها را تعیین و یا بهای سقف بازار را اعلام کند، دردی از نیروگاه‌های خصوصی که عمدتاً در فصول سرد از مدار خارج شده و کنار گذاشته می‌شوند، دوا نمی‌کند.

نرخ آمادگی نیروگاه‌ها از سال ۱۳۹۴ تا امروز ثابت مانده است. تثبیت قیمت، هم زمان با افزایش چند برابری هزینه‌های تعمیر و نگهداری نیروگاه‌ها اعم از ریالی و ارزی و نیز هزینه‌های جاری، این پرسش را مطرح می‌کند که: آیا تولید و فروش برق برای سرمایه گذار توجیه دارد؟ پاسخ آن را می‌توان در روند سرمایه گذاری بخش خصوصی از سال ۱۳۹۴ تا کنون دید.

البته نرخ خرید برق از نیروگاه‌های خصوصی و همچنین سقف تعیین و تثبیت شده بازار برق هم موضوع قابل بحثی است که نتیجه بررسی آن به درستی نشان می‌دهد که در برخی از روزهای چهار ماه ابتدایی سال، روند قیمت برق نزولی و کاهشی نیز بوده است. به‌روز نشدن نرخ خرید برق از نیروگاه‌های خصوصی یک



پرویز غیاث‌الدین
مدیر مسئول

پرونده پرونده پرونده

تمکین نکردن وزارت نیرو به قوانین و آرای حقوقی

واکاوی پرونده وزارت نیرو در دیوان عدالت اداری

اهمیت و جایگاه صنعت برق به عنوان زیرساختی‌ترین صنایع، در توسعه فراگیر کشورها از جمله ایران، بر کسی پوشیده نیست. در این میان نقش پررنگ بخش خصوصی را نیز در صنعت برق ایران، به‌ویژه در تولید برق، نباید نادیده گرفت چرا که این بخش حدود ۶۰ درصد از برق مصرفی کشور را تامین می‌کند. با این حال نیروگاه‌های غیر دولتی با مشکلاتی جدی روبرو هستند که باید برای حل آنها راهکاری مناسب پیدا کرد. بخشی از این مشکلات که ناشی از مصوبات دوره قبلی هیات تنظیم بازار برق بوده است، از جمله ثابت ماندن سقف نرخ انرژی بازار برق و نرخ پایه آمادگی این نیروگاه‌ها و نیز تعیین جرایمی در رابطه با پروانه‌های بهره‌برداری، تعدادی از نیروگاه‌ها را بر آن داشت که برای احقاق حقوق خود به دیوان عدالت اداری شکایت برند.

در میزگردی که با حضور «محمدرضا وزوائی، عضو هیات‌مدیره شرکت تولید نیروی برق دماوند»، «مجید غمامی، حقوقدان عضو هیات‌مدیره سندیکای شرکت‌های تولیدکننده برق» و «اسدالله بوجارپور، مشاور حقوقی شرکت مینا و از قضات بازنشسته دیوان عدالت اداری» برگزار شد، به بررسی روند و مفاد این شکایات پرداخته‌ایم و در خصوص گام‌های بعدی مورد نظر صاحبان این نیروگاه‌ها برای واداشتن وزارت نیرو به تمکین از آرای دیوان عدالت اداری پرسیده‌ایم:

ایران را مبنی بر ثابت نگهداشتن تعرفه خرید برق از نیروگاه‌های غیردولتی، در تاریخ ۱۸ اردیبهشت ۹۷ باطل کرد. رای دیوان در لغو مصوبه هیات تنظیم بازار نشان بر حقانیت ما بود چرا که این قانون از سال ۹۱ در برنامه توسعه تصویب شده بود و نرخ خرید برق از نیروگاه‌های خصوصی باید با توجه به شرایط کشور افزایش می‌یافت و یا تعدیل می‌شد.

نیرو و سرمایه: وزارت نیرو بعد از ابلاغ آرای هیات عمومی دیوان عدالت اداری چه اقداماتی انجام داد؟ آیا تاکنون موردی از رای دیوان و هیات عمومی آن اجرایی شده است؟

وزوائی: در این مرحله مسئولان وزارت نیرو مقاومت کردند. آن‌ها نه زیر بار پذیرش رای دیوان رفتند و نه اقدام موثری انجام دادند. در قانون بودجه سال ۹۸ مجدداً هیات تنظیم بازار برق این بار با عنوان نهاد تنظیم‌گر و به عنوان زیرمجموعه شورای رقابت، مسئول تعیین نرخ برق شد، اما تا این لحظه خبری از این نهاد نشده است و ما منتظر هستیم شورای رقابت در این باره تصمیم‌گیری کند. نکته قابل توجه این است که وزارت نیرو در سال جاری نرخ برق را برای مصرف‌کنندگان ۷ درصد افزایش داده است اما تاکنون هیچ تغییری در نرخ خرید برق از تولیدکنندگان صورت نگرفته و با توجه به شرایط اقتصادی کشور، بار سنگینی بر دوش تولیدکنندگان برق گذاشته است. باید در نظر داشت که تولید برق آنلاین است و

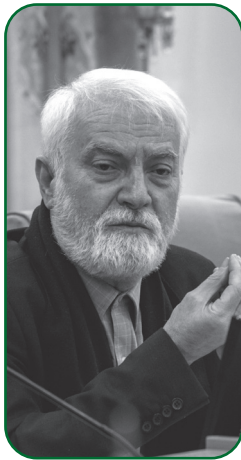
نیرو و سرمایه: سال گذشته تعدادی از نیروگاه‌های بخش خصوصی از جمله شرکت تولید نیروی برق دماوند از وزارت نیرو به دیوان عدالت اداری شکایت کردند، علت این شکایت چه بوده و تا امروز به چه نتیجه‌ای رسیده است؟

وزوائی: نرخ برق در کشور با توجه به روند تورمی و سایر پارامترهای موثر، توسط هیات تنظیم بازار برق ایران تعیین و سیاست‌ها و رویه‌های آن تصویب و به اجرا گذاشته می‌شود. بر مبنای بند «و» ماده ۱۳۳ قانون برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران، «وزارت نیرو مکلف است در صورت نیاز، با حفظ مسئولیت تامین برق به منظور ترغیب سایر موسسات داخلی به تولید هر چه بیشتر نیروی برق از نیروگاه‌های خارج از مدیریت آن وزارتخانه، بر اساس دستورالعملی که به تایید شورای اقتصاد می‌رسد، نسبت به خرید برق این نیروگاه‌ها اقدام نماید». علی‌رغم تاکید قانون برنامه پنجم توسعه و بند ۳ ماده ۶ دستورالعمل شورای اقتصاد، متأسفانه از سال ۹۱ این اقدام انجام نشده، به طوری که صنعت برق و تولیدکنندگان برق را با مشکل جدی مواجه کرده است. هیات تنظیم بازار در سال ۹۳ طی مصوبه‌ای بند ۳ ماده ۶ را لغو کرده و منکر اصل مساله می‌شود. در واقع با این مصوبه کورسوی امید تولیدکنندگان برق از بین رفته و آن‌ها برای احقاق حق خود و با توسل به قانون، از هیات تنظیم بازار به دیوان عدالت اداری شکایت می‌کنند. خوشبختانه با اقدامات انجام‌شده، هیات عمومی دیوان عدالت اداری بخشی از مصوبه ۲۶۳ هیات تنظیم بازار برق

میزگرد

تمکین نکردن وزارت نیرو
به قوانین و آرای حقوقی





وزوایی:

رای دیوان در لغو مصوبه هیات تنظیم بازار نشان بر حقانیت ما بود نرخ خرید برق از نیروگاه‌های خصوصی باید با توجه به شرایط کشور افزایش می‌یافت و یا تعدیل می‌شد.

یعنی صنعتی که ورودی و خروجی متعادلی داشته باشد. نیروگاهی که قیمت تمام‌شده‌اش برای هر کیلووات ساعت برق تولیدی ۳۵ تومان باشد ولی مجبور باشد ۳۰ تومان بفروشد، با بدهی سنگین محکوم به فنا است.

نیرو و سرمایه: آیا از نظر حقوقی حکم هیات عمومی دیوان عدالت اداری جنبه اجرایی دارد؟ چه مهلتی برای اجرای حکم در نظر گرفته شده است؟

غمامی: دیوان عدالت اداری در نظام حقوقی ما به عنوان عالی‌ترین دادگاه اداری، مرجع تضمین حقوق اشخاص از اقدامات خلاف قانون دولت است. یکی از صلاحیت‌های این دیوان ابطال مصوباتی است که دولت در مقام اجرای قانون وضع کرده ولی خلاف قانون است که مصداق بارز آن، شکایت شرکت تولید نیروی برق دماوند از وزارت نیرو به خاطر اجرا نکردن قانون برنامه پنجم توسعه است.

البته آرای هیات عمومی دیوان عدالت اداری به ندرت جنبه اجرایی دارد یعنی مثل آرای شعب نیست. در رای صادرشده در هیات عمومی دیوان عدالت اداری، مصوبه هیات تنظیم بازار ابطال شده که بعد از این ابطال باز هم دستگاه دولتی از اجرای آن استنکاف کرده است. با استناد به رای هیات عمومی باید دعوی دیگری علیه وزارت نیرو در خصوص این مصوبه در شعب دیوان عدالت اداری مبنی بر الزام به اجرای قانون برنامه پنجم از ابتدای تصویب تاکنون طرح شود تا در شعبه دیوان مورد بررسی قرار گیرد. در این صورت رای صادره حالت سلبی نخواهد داشت و دستگاه اجرایی ملزم به اجرای آن است. با این حکم، الزامی بر دوش وزات نیرو است که براساس حکم ماده ۱۳۳ قانون برنامه پنجم توسعه، تعرفه خرید برق را با معیارهای قانون و مقررات پایین‌دستی بازنگری کند. این دعاوی باید از سوی شرکت‌های متعدد مطرح شود تا با صدور رای، وزارت نیرو با اجرای قانون خسارات وارد شده بر نیروگاه‌های خصوصی را جبران کند.

وزوایی: در تمام این مدت ما با وزارت نیرو در حال مذاکره و تعامل بودیم و هیچ خصومت شخصی در کار نبوده است. ما می‌دانستیم که رای هیات عمومی دیوان عدالت اداری شرط لازم است اما کافی نیست. لذا مجموعه تولیدکنندگان با محوریت شرکت تولید برق دماوند به اتفاق شکایتی تنظیم کردند. تاکنون رای اولیه صادرشده و منتظر اعلام رای بعدی از سوی شعبه دیوان عدالت هستیم که جنبه اجرایی داشته باشد.

به صورت آنلاین نیز وارد شبکه انحصاری وزارت نیرو می‌شود. لذا تولیدکنندگان چاره‌ای جز فروش برق به وزارت نیرو ندارند، نرخ مصوب هیات تنظیم بازار در سال ۹۱، به ازای هر کیلووات ساعت ۶۰ تومان است که با توجه به مزایده گذاشتن برق، این قیمت نیز در حد فاجعه بوده و ظلم مضاعفی در حق تولیدکنندگان برق است.

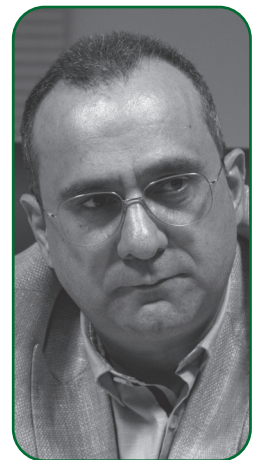
بار مالی یک مصوبه خلاف قانون

نیرو و سرمایه: در فاصله بین تصویب قانون برنامه پنجم توسعه در سال ۹۱ و لغو مصوبه از سوی هیات تنظیم بازار در سال ۹۳ چه اقداماتی از سوی نیروگاه‌های بخش خصوصی انجام شد؟

وزوایی: تولیدکنندگان برق در فاصله سال‌های ۹۱ تا ۹۳ به خاطر اشراف بر طولانی بودن فرایند بروکراسی در کشور، همچنان امیدوار به اجرای قانون بودند. اما وقتی مشخص شد که وزارت نیرو اراده‌ای برای انجام این کار ندارد، تولیدکنندگان برق از پی‌گیری امر با رویه قبلی ناامید شدند و در اردیبهشت ۹۷ دادنامه‌ای تهیه کردند. هنوز هم این مذاکرات برقرار است اما نتیجه‌ای حاصل نشده است.

علت اصلی اجرا نشدن این مصوبه بار مالی سنگینی است که وزارت نیرو باید متحمل شود اما مشخصاً زیر این بار نمی‌رود. مساله تأمین منبع مالی بزرگترین چالش وزارت نیرو در این خصوص است. از سال ۹۱ تا امروز برق، تولید شده و به فروش رفته است اما خبری از اجرای این مصوبه نبوده است. لذا ما امروز باید به وزارت نیرو کمک کنیم تا برای حل مشکل راهی منطقی و کارشناسی پیدا کند.

به اعتقاد بنده دولت مسئول اصلی این پرونده بوده و وزارت نیرو در جایگاه نماینده دولت در صنعت برق، همه امور را تحت پوشش و مالکیت خود دارد. بهترین پیشنهاد برای رفع مشکل، خصوصی‌سازی است که باید به طور کامل انجام شود. به عنوان مثال چرا وزارت نیرو باید صادرات برق را انجام دهد و این بخش را به صورت انحصاری در دست داشته باشد؟ شبکه‌های توزیع تا چه زمان باید در انحصار دولت باشند؟ بورس انرژی هم که عملاً انحصاری است. لذا برای حل این مشکل باید تمهیداتی اندیشید که واگذاری‌ها منطقی‌تر و متعادل‌تر انجام شود. امروز صنعت برق با ظرفیت تولید بیش از ۸۰ هزار مگاوات از افتخارات کشور ما است، نیروگاه‌ها حیات ملت و مملکت هستند لذا باید کاری کنیم که تولید برق پایدار باشد. صنعت برق پایدار



غمامی:

قابل پذیرش نیست
که وزارت نیرو به علت
نداشتن منبع مالی از
اجرای حکم استتکاف
کند

نیروگاه کارخانه نیست!

نیرو و سرمایه: به جز موضوع قیمت خرید برق از نیروگاه‌ها، چه مواردی دیگری برای شکایت وجود داشته است، و آیا برآوردی از مجموع میزان خسارت وارد شده به نیروگاه‌ها دارید؟ در صورت اجرای رای دیوان عدالت اداری چه مبلغی به نیروگاه‌ها پرداخت خواهد شد؟

غمامی: شکایت شرکت صبا به تصمیم خلاف قانون هیات تنظیم بازار در جریمه کردن نیروگاه‌ها برای اخذ یا تمدید نکردن پروانه بهره‌برداری بوده، در حالی که قانونا چنین الزامی وجود نداشته است. این مورد، یکی دیگر از موضوعات مورد شکایت توسط شرکت‌های تولیدکننده برق بوده است. وقتی نیروگاهی توسط بخش خصوصی احداث می‌شود قرارداد خرید تضمینی دارد که به نوعی مجوز بهره‌برداری حساب می‌شود. نیروگاه کارخانه نیست که از وزارت صنایع مجوز دریافت کند. اگر نیروگاهی هم در فرایند خصوصی‌سازی واگذار شده باشد، پرونده واگذاری خود حکم مجوز آن را دارد. دیوان عدالت اداری در این مورد به نفع شرکت صبا رای صادر کرده است. بنده آمار دقیقی از میزان مبالغ خسارت ندارم، اما با حکم صادرشده وزارت نیرو موظف است مبالغ دریافتی بابت جریمه را استرداد و خسارات تاخیر را نیز پرداخت کند. اینکه وزارت نیرو به علت نداشتن منبع مالی از اجرای حکم استتکاف کند، قابل پذیرش نیست و باید از ابزارها و ظرفیت‌های قانونی دیگری برای پرداخت خسارات استفاده کند. اگر وزارت نیرو بپذیرد و اینها را جزء مطالبات قطعی نیروگاه‌ها به حساب بیاورد، می‌تواند از ظرفیت تهاثر با مالیات‌های قطعی شده استفاده کند که امتیاز درخور توجهی برای نیروگاه‌ها است. نیروگاه‌ها ارقام نجومی به دارایی بدهکارند که به خاطر متعادل نبودن درآمدها و هزینه‌ها قادر به پرداخت آن نیستند. لذا تهاثر خسارات با مالیات گام بزرگی است. در این صورت دولت پولی پرداخت نمی‌کند اما وزارت اقتصاد و دارایی درآمدهای از دست می‌دهد که مبنای قانونی دارد.

نیرو و سرمایه: آیا آراییی که در دیوان عدالت اداری و هیات عمومی آن صادر شده قابل تعمیم به همه شرکت‌ها است؟ این آرا از چه ضمانت اجرایی برخوردار هستند و اگر اجرایی شوند چه پیامدهایی برای وزارت نیرو دارد؟

بوجارپور: طبق نظر شورای اقتصاد، قیمت خرید انرژی برق باید از سال ۹۱ افزایش می‌داشت در حالی که این اتفاق نیفتاده است. لذا بند ۱ مصوبه ۲۶۳ هیات تنظیم بازار برق ایران، طبق رای هیات عمومی دیوان عدالت اداری ابطال شده است.

در مورد تعمیم آرای صادرشده در هیات عمومی نیرو و سرمایه / نشریه سندیکای شرکت‌های تولیدکننده برق

دیوان عدالت اداری، طبق ماده ۹۳ قانون این دیوان تمامی ذی‌نفعان در این خصوص می‌توانند تقاضای اجرای رای هیات عمومی دیوان عدالت اداری را داشته باشند و اگر در اجرای آن استتکافی صوت گیرد، رییس دیوان موضوع را به شعب تجدید نظر ارجاع می‌دهد. سپس طی بررسی در شعب اگر احراز شد که استتکافی شده است مقام مسئولی که از اجرای قانون استتکاف کرده است از سه ماه تا یک سال به انفسال از خدمات دولتی محکوم خواهد شد و رییس دیوان انفسال از خدمات دولتی را به دستگاه مربوطه اعلام می‌کند. البته در ماده ۱۱۴ قانون دیوان، پیش‌بینی توافق برای طرفین دعوی نیز صورت گرفته اما اگر توافقی حاصل نشد می‌توانند درخواست کنند که رای دیوان اجرایی شود. با توجه به رای صادره و وجود قانون در این مورد، در موارد مشابه نیازی به تقدیم دادخواست از سوی سایر نیست و ماده ۹۳ شامل تمامی ذی‌نفعان خواهد بود.

رویکرد تعاملی سندیکا؛ حق قانونی شرکت‌ها برای شکایت

نیرو و سرمایه: آیا اگر شرکت‌های تولیدکننده برق به صورت جدی لغو مصوبه هیات تنظیم بازار برق ایران را پی‌گیری کنند، نتیجه‌ای حاصل خواهد شد؟ بوجارپور: اگر وزارت نیرو برای اجرای شدن مصوبه افزایش قیمت خرید برق از نیروگاه‌ها تامین اعتبار شده باشد، باید مطالبات آن‌ها را پرداخت کند. اگر تامین اعتبار هم نشده باشد خود دولت باید راهکارهای دیگری را برای پرداخت مبالغ به شرکت‌ها پیش‌بینی کند. مجلس شورای اسلامی نیز باید در زمان تصویب قانون، منابع لازم برای تامین اعتبار را در نظر بگیرد.

غمامی: قانونی در مورد نحوه اجرای محکومیت دولتی پیش‌بینی کرده که اگر دولت به پرداخت مبلغ مشخصی محکومیت قضایی پیدا کند، تا یک سال و نیم بعد از صدور رای قطعی فرصت دارد بار مالی آن را در بودجه سال بعد پیش‌بینی و تامین کند و اگر تامین نکرد، قانون تمهیداتی در نظر گرفته است که طبق آن می‌توان از دارایی دستگاه دولتی محکوم توقیف کرد.

مجموعه این نیروگاه‌ها و وزارت نیرو با هم در تعامل هستند و یک صنعت را تشکیل می‌دهند لذا تقابل و تلاش برای محکومیت وزارت نیرو، چندان در رابطه تجاری بین طرفین شایسته نیست و مغایر اخلاق حرفه‌ای است. اگر بتوان وزارت نیرو را قانع کرد که قانون را تمکین و اجرا کند و منابع آن را پیش‌بینی و برای نیروگاه‌های خصوصی چشم‌اندازی تعریف کند می‌تواند کار را ادامه دهند ولی اگر کاملاً در موضع مخالف باشند و نخواهند قانون را اجرایی کنند، پیگیری برای اجرا



بوجارپور:

**اگر احراز شد که
استنکافی شده است
مقام مسئولی که از
اجرای قانون استنکاف
کرده است از سه ماه تا
یک سال به انفصال از
خدمات دولتی محکوم
خواهد شد**

مورد آرای هیات عمومی و تصمیم‌گیری درباره آن باشد. اگر ترکیب جدید مطابق قول‌هایی که در جلسات داده شده، باشد می‌توان به پیگیری این موضوع امیدوار بود اما چون فعلا ترکیب مشخص نیست نمی‌توان چیزی گفت.

وزرائی: معتقدم سندیکا باید بیش از پیش فعال باشد و اهمیت این چالش را به سمع و نظر وزیر نیرو و برساند و برای مسئولان وزارت نیرو توجیه کند که ادامه این روند خطری بزرگ برای صنعت برق است. ما هم حاضریم هر گونه کمکی برای حل این مسئله بکنیم تا با مصالحه تمام شود که سندیکا با کمک به حل آن برای خود نیز افتخارآفرینی خواهد کرد. از طرف دیگر سندیکا باید حضور و فعالیت پررنگ‌تری در اتاق بازرگانی داشته باشد تا این مشکل با روند صلح و به صورت منطقی حل و فصل شود.

نیرو و سرمایه: در جمع‌بندی این میزگرد شاید بتوان مجموعه بخش دولتی و خصوصی صنعت برق را به مثابه مسافران یک کشتی دانست که در طوفان بحران‌های متعدد اقتصادی گرفتار شده است. اما در چنین شرایطی بنا نیست بخش خصوصی از حق خود بگذرد چرا که اگر این روند ادامه پیدا کند آسیب آن متوجه هر دو بخش خصوصی و دولتی خواهد شد. امروز حدود ۶۰ درصد تولید برق کشور با بخش خصوصی است و اگر با رویه فعلی برق تولیدی خود را به فروش برسانند، زمین‌گیر می‌شوند و مجموعه صنعت برق کشور دچار خسران خواهد شد. لذا مسئولان در بخش دولتی باید توجیه باشند که اگر قرار است چرخ این صنعت بچرخد و برنامه‌های توسعه کشور در بخش‌های مختلف دچار خلل نشود، باید نیروگاه‌های بخش خصوصی توان ادامه حیات داشته باشند. بنابراین، رویکرد اصلی بخش خصوصی تولیدکننده برق بر مبنای تعامل با وزارت نیرو است، گام اول این است که سندیکا پیگیر تعامل بین وزارت نیرو و شرکت‌های مدیریت تولید برق باشد. به طوری که اگر وجه تعاملی با وزارت نیرو، اتاق بازرگانی و دستگاه‌های ذی‌ربط دیگر در این زمینه ثمربخش نباشد، شرکت‌های تولیدکننده برق پیگیر وجه حقوقی و قضایی امر باشند و اجازه ندهند این قضیه ابتر بماند.

به نظر می‌رسد که وزارت نیرو موضوع آرای دیوان عدالت اداری را جدی نگرفته است. اگر تعامل به نتیجه رسید، که امیدواریم این گونه باشد چه بهتر، اما اگر چنین نشد باید قانون در این خصوص اجرایی شود. از سوی دیگر، پی‌گیری تشکیل نهاد رگولاتوری از سوی سندیکا می‌تواند از بروز موارد مشابهی که ناشی از صدور آرای ناعادلانه است، ممانعت کند.

و محکوم کردن آخرین چاره است. وزرائی: وزارت نیرو هنوز اراده‌ای برای حل این مساله ندارد، وجود مساله قابل انکار نیست ولی پذیرش آن از سوی وزارت نیرو شرط اول مذاکره است. ما مصر مذاکره همزمان هستیم. سندیکا به نمایندگی از طرف تولیدکنندگان غیر دولتی برق باید فعال باشد و بتواند با مسئولان وزارت نیرو وارد مذاکره شود. در این شرایط مهم است که طرفین پای مذاکره حاضر باشند و گزینه راه پیشنهادی زیاد است.

نیرو و سرمایه: آیا سندیکا می‌تواند در این قبیل اقدامات حقوقی به عنوان شخص حقوقی مدعی العموم شرکت‌های تولید برق باشد و مشکلات آن‌ها را پی‌گیری کند؟

بوجارپور: هر شخصی در هر جایی می‌تواند مشکلات خود در دیوان عدالت اداری مطرح کند و تقاضای اجرای قانون را داشته باشد بنابراین سندیکا هم می‌تواند در مواردی به هیات عمومی شکایت کند و ضرورتی به ذی‌نفع بودن سندیکا نیست اما باید توجه داشت که برای طرح هر مشکل در شعب بدوی باید ذی‌نفع بود.

نیرو و سرمایه: آیا سندیکا برنامه‌ای برای ورود به موضوع مصوبه هیات تنظیم بازار درباره نرخ خرید برق دارد؟ آیا به صلاح است سندیکا به عنوان مدعی وارد این مسئله شود و اقدام کند؟

غمامی: سندیکا فعلا تصمیمی برای اینکه مستقلا و به نمایندگی از طرف شرکت‌های عضو به این موضوع ورود کند، ندارد. این تشکل بیشتر در جلسات و مذاکرات مربوط به مشکلات اعضا شرکت کرده و پیگیر حل آنها از طریق انعکاس آن به مراجع ذی‌صلاح و تصمیم‌گیر است. سندیکا در جلسات مربوط به نهاد تنظیم‌گر بازار نیز شرکت کرده برای ترکیب نهاد پیشنهادی ارائه داده و در کنار اتاق بازرگانی پیگیر حل مسائل اعضای خود است. خوشبختانه در معاونت حقوقی ریاست جمهوری هم بخشنامه‌ای تدوین شده است مبنی بر اینکه هنگام تصمیم‌گیری درباره دستورالعمل‌های مرتبط با بخش خصوصی، نماینده‌ای از بخش خصوصی نیز در جلسات حضور داشته باشد و اعمال نظر کند. سندیکا در حال حاضر اقدام حقوقی‌ای درباره مصوبه هیات تنظیم بازار انجام نداده و این امر را به ذی‌نفعان واگذار کرده است، زیرا تلاش می‌کند قدرت مذاکره با وزارت نیرو را از دست ندهد. هدف ما مذاکره مراجعه با مقامات مسئول و تاثیرگذاری در تصمیم‌سازی‌هاست.

نیرو و سرمایه: آیا با تشکیل نهاد تنظیم‌گر بازار با اعضای جدید، امیدی به رفع خسارات شرکت‌های تولیدکننده برق در وجود دارد؟

غمامی: باید ببینیم که نهاد تنظیم‌گر با چه ترکیبی تشکیل می‌شود، اگر ترکیب مناسبی باشد، یکی از دستورکارهای اولیه این نهاد جدید می‌تواند در

راه بی‌بازگشت وزارت نیرو در کسر درآمد نیروگاه‌ها

محمد امانی، مدیرکل دفتر حقوقی وزارت نیرو یکی از غایبین مهم میزگردی بود که به منظور بررسی آرای دیوان عدالت اداری و تمکین نکردن وزارت نیرو به آن‌ها در این شماره ترتیب داده شده بود. با این حال شاید بتوان همکاری شایان تقدیری را که دفتر حقوقی وزارت نیرو برای پاسخ‌گویی مکتوب به سوالات ارسالی داشته، نشانه امیدبخشی برای بهبود رویه این وزارتخانه برای پاسخگو بودن به دغدغه‌های بخش خصوصی و تبعیت کردن از قانون قلمداد کرد. در ادامه پاسخ مکتوب این مدیر وزارت نیرو را در این رابطه خواهید خواند:

تمکین نکردن وزارت نیرو
به قوانین و آرای حقوقی



**محمد امانی،
مدیرکل دفتر
حقوقی وزارت نیرو**

درخواست کرد ابطال ماده «۵» دستورالعمل موصوف از زمان تصویب صورت گیرد. براین اساس هیات عمومی نیز طی دادنامه شماره ۱۳۹۷ مورخ ۹۷/۶/۶ رای به تسری ابطال دستورالعمل مورد شکایت از تاریخ تصویب داد و رای مذکور طی نامه شماره ۹۷/۳۷۱۱۷/۴۱۰ مورخ ۹۷/۰۸/۱۲ به معاونت محترم وزیر در امور برق و انرژی جهت اجرا منعکس شد. اما بر حسب گزارش‌های واصله، اجرای رای مذکور با مشکلات زیادی مواجه است از جمله این‌که:

۱. اعمال کسر درآمد برای شرکت‌هایی که اقدام به اخذ پروانه یا تمدید آن در موعد مقرر کرده‌اند باعث تغییر در قیمت خرید و فروش در بازار برق شده است. لذا اصلاح صورتحساب‌های مربوطه علاوه بر ایجاد مغایرت حساب‌های چندین ساله در دفاتر شرکت مدیریت شبکه برق ایران و تاثیر در محاسبات مالیاتی شرکت مذکور، نیازمند تصویب بودجه مورد نیاز در لایحه بودجه کل کشور است.
۲. تغییراتی که در مالکیت شرکت‌های تولید نیروی برق و قراردادهای مربوطه صورت گرفته و همچنین انتقال قراردادهای از شرکت توانیر به شرکت مادر تخصصی تولید نیروی برق حرارتی، مشکلات اجرایی دارد.
۳. اصلاح صورتحساب‌های خرید و فروش در بازار برق علاوه بر افزایش هزینه و بدهی شرکت‌های توزیع نیروی برق و برق‌های منطقه‌ای باعث بالا رفتن متوسط نرخ برق و ایجاد تبعاتی به ویژه در خصوص مصرف‌کنندگان بزرگ صنعتی خواهد شد.

با این اوصاف همکاران بخش‌های مرتبط با موضوع به دنبال رفع موانع اجرای رای اخیر مبنی بر تسری رای مذکور، به سنوات گذشته هستند. امید است با تلاش همکاران، اقدامات لازم صورت پذیرد و موجبات رضایت تولیدکنندگان محترم فراهم شود.

ابتدا از این‌که برای حضور در میزگردی را که به منظور «بررسی آرای دیوان عدالت اداری و عملکرد وزارت نیرو در قبال آن» ترتیب داده شده بود توفیق نیافتم، عذرخواهی می‌کنم و امیدوارم در آینده بتوانم در جمع دوستان حاضر شوم. در خصوص آرای صادره دیوان عدالت اداری راجع به دستورالعمل کسر درآمد، مربوط به پروانه بهره‌برداری تولید برق مصوب هیات تنظیم بازار برق، وزارت نیرو به استناد اختیارات حاصله از قانون می‌تواند در این زمینه اعمال نظر کند. از جمله، ماده (۵) قانون سازمان برق ایران مصوب ۱۳۴۶ مقرر می‌دارد: «هیچ شخصی اعم از حقوقی یا حقیقی نمی‌تواند بدون موافقت و کسب پروانه از وزارت آب و برق در توسعه، ایجاد، احداث و بهره‌برداری تاسیسات تولید و انتقال و توزیع نیروی برق به منظور مصرف در امور کشاورزی و صنعتی و تجاری اقدام نماید» و نیز ماده (۷) قانون مذکور کلیه موسسات برق ملزم به رعایت مقررات وزارت نیرو و کسب پروانه‌های لازم هستند. علاوه بر این کسر درآمد موضوع بند «۵» دستورالعمل مذکور، وجه التزام قرارداد شرکت‌های تولید برق جهت انجام وظایف قانونی خود مبنی بر دریافت و حفظ اعتبار پروانه و مجوز مربوط به احداث و بهره‌برداری از نیروگاه است. بنابراین کسر درآمد از نظر وزارت نیرو به منظور تضمین و حصول اطمینان از تامین و تداوم عرضه برق پایدار و با کیفیت وضع شده و جنبه جریمه ندارد. با این حال بعد از صدور رای هیات عمومی دیوان عدالت اداری (دادنامه شماره ۶۳۹ مورخ ۹۶/۷/۱۱) مبنی بر ابطال ماده «۵» دستورالعمل یادشده، موضوع جهت اجرا طی نامه شماره ۹۶/۴۲۷۲۵/۲۵۱ مورخ ۹۶/۱۰/۵ به مدیرعامل شرکت مدیریت شبکه برق ایران ابلاغ شد. بدیهی است با ابلاغ دادنامه یادشده کسر درآمد از شرکت‌های تولیدکننده برق متوقف شد. مجدداً یکی از شرکت‌های تولیدکننده برق

دود قانون‌گریزی وزارت نیرو در چشم صنعت برق

بخش حاکمیتی را فراهم آورده است، لیکن تصور اجرا نشدن آرای صادره از هیات عمومی و یا شعب دیوان عدالت اداری، حاشیه امنی را برای تصویب بخشنامه‌ها، دستورالعمل‌ها و مصوبات مخالف با قوانین موضوعه توسط بخش دولتی و تحمیل آثار آن به بخش خصوصی ایجاد کرده که این امر همواره موجبات تضییع حقوق بخش خصوصی را فراهم آورده است. لیکن به نظر می‌رسد با عنایت به نگرش و حساسیت بخش خصوصی در تدقیق مصوبات بخش دولتی، همچنین با وجود ظرفیت دیوان عدالت اداری به عنوان ناظر بر عملکرد بخش دولتی و جدیت بخش خصوصی در احقاق حق به طریق ممکن، تدوین سازوکار حقوقی که تصمیمات بخش دولتی را از همان ابتدا تنقیح کند، ضروری است. البته این موضوع نیز مستلزم تصحیح ذهنیت تقابل بخش دولتی با بخش خصوصی به تناسب این دو بخش است. چرا که کشف و ابطال مصوبات خلاف قوانین در حوزه صنعت برق از یک سو با تحمیل هزینه و صرف وقت و از سوی دیگر تمکین نکردن بخش حاکمیتی به آرای صادره بدعتی نامیمون است که از موانع جذب سرمایه و توسعه سرمایه‌گذاری توسط سرمایه‌گذار خواهد شد و شرکت‌های ذی‌نفع را ناگزیر از طرح دادخواست‌های مجدد و متعدد جهت احقاق حق و اجرای آرای صادره می‌کند. تبعات این امر نیز جز تشکیل ده‌ها پرونده حقوقی و ایجاد اشتغال دستگاه قضایی، ایجاد سبقه کیفری برای مدیران متخاطی و خدشه‌دار شدن وجهه بخش دولتی نخواهد بود و از همه مهمتر این موضوع با روح و مقتضای اصل ۴۴ قانون اساسی، قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴، مقررات مربوطه و نیز سیاست‌های تکلیفی به دولت در قانون برنامه پنج ساله ششم توسعه در راستای کمک به رشد و شکوفایی بخش خصوصی فاصله و اختلاف بسیار دارد پس چه بهتر که حرمت امامزاده را متولی پاسدار باشد. فاعتبرو یا اولی‌الالباب!

ثبات و اعتبار قراردادهای تجاری و احکام دادگاه‌ها سنگ بنای یک جامعه متعادل و رو به رشد است و دولت به عنوان الگو و ثبات‌دهنده چنین جامعه‌ای بایستی در اجرای قانون و رعایت حقوق سایرین پیش قدم باشد تا اشخاص برای دادخواهی از قانون‌گریزی دولت، ناگزیر از دادخواهی نزد مراجع قضایی نشوند.

بی‌قانونی، نقض عهد و بی‌اعتنایی به احکام صادره دادگاه‌ها از سوی دولت، محیط اقتصادی و روابط تجاری را تا سالیان متمادی متاثر، مختل و مغشوش خواهد کرد. چه بسا آثار زیانبار این رویه‌ها و رفتارهای دولت، گریبان‌گیر روابط اقتصادی و اجتماعی تا آینده‌های دور خواهد بود و نه تنها دود این اختلال در روابط قراردادی به چشم همه خواهد رفت، آیندگان و فرزندان بانیان این رویه‌ها در سازمان‌های دولتی از آتش این قانون‌گریزی در امان نخواهند بود، مگر اینکه به کشورهای دیگر مهاجرت کنند. پیام این قانون‌گریزی دولت به سرمایه‌گذاران، جز ایجاد و القاء فضای بی‌اعتمادی و خروج سرمایه یا توقف سرمایه‌گذاری در حوزه‌های مرتبط نخواهد بود و نهایتاً منجر به نابودی بخش خصوصی اصیل و نجیب در کشور با پیامدهای منفی گسترده خواهد شد.

در حوزه صنعت برق نیز قانون‌گریزی، به عبارت دیگر قانون‌نویسی و یا تفسیر موسع و به‌نفع قوانین و مقررات این حوزه توسط بخش دولتی اندک نبوده و رو به فزونی است. چنانچه هر گاه با تلاش بخش خصوصی یکی از مصوبات خلاف قانون در هیات عمومی دیوان عدالت اداری ابطال شده است بلافاصله و قبل از اجرای رای صادره و جبران زیان وارده ناشی از تصویب مصوبه خلاف قانون، شاهد نزول مصوبه دیگری بوده‌ایم که به نحوی امتداد آثار و مواضع مصوبات ابطال شده است؛ گویی بخش دولتی خود را در تقابل و مواجهه با بخش خصوصی می‌بیند.

اگر چه تاسیس نهاد دیوان عدالت اداری در سیستم قضایی ظرفیت تظلم‌خواهی از تصمیمات



جهانگیر پورهمدانی
مدیر مالی و
پشتیبانی شرکت
تولید برق خوزستان
غدير

گريزي از تمکين به قانون نيست

ایران تعیین انواع جرایم و مطلق تخلفات و میزان آن‌ها از اختیارات قوه مقننه بوده و قوه مجریه که وزارت نیرو و هیات تنظیم بازار برق ایران، بخشی از آن محسوب می‌شوند، اختیار تدوین چنین دستورالعملی را نداشته و نمی‌توانند آن را مبنای تعیین جرایم نقدی قرار دهند.

با همین استناد، نیروگاه‌هایی که تقریباً تمامی آن‌ها بخشی از مطالبات چند ده‌هزار میلیارد تومانی خود را از وزارت نیرو به سختی دریافت کرده و هیچ امیدی به دریافت خسارت دیرکرد بابت معوق ماندن چندساله مطالبات خود ندارند، شکایت‌های خود را به دیوان عدالت اداری بردند.

این پروسه اگرچه در مواردی طولانی و هزینه‌بر بوده اما پاسخ ساده و روشنی از سوی دیوان داشته است. دیوان عدالت اداری، رای هیات تنظیم بازار برق مبنی بر اخذ خسارت دیرکرد در تمديد پروانه‌های بهره‌برداری از نیروگاه‌های خصوصی را مردود اعلام کرده است.

در رای هیات عمومی دیوان عدالت اداری به این نکته اشاره شده که وزارت نیرو بر اساس قانون اجازه دارد از شروع یا ادامه کار اشخاص حقیقی و حقوقی که بدون موافقت و کسب پروانه از این وزارتخانه نسبت به توسعه، ایجاد، احداث و یا بهره‌برداری تاسیسات تولید، انتقال و توزیع برق اقدام می‌کنند، جلوگیری به عمل آورد. در ادامه نیز عنوان شده که: «نظر به اینکه بند ۵ دستورالعمل هیات تنظیم بازار برق و بندهای پنج‌گانه آن، عدم اخذ و تاخیر در تایید پروانه بهره‌برداری تولید برق، نیروگاه‌های تولید برق را مشمول کسر درآمد پایه قرار داده که خود نوعی مجازات است و بر اساس اصول ۳۶ و ۳۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و مواد ۱۲، ۱۳ و ۱۸ قانون مجازات اسلامی، تعیین انواع جرایم و مجازات از اختیارات قوه مقننه است و وزارت نیرو چنین اختیاری ندارد. بنابراین بند ۵ دستورالعمل و بندهای ذیل آن مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات وزارت نیرو تصویب شده و مستند به

همه جوامع با هر ابعادی - از یک مدرسه تا یک کشور بزرگ - در چارچوب قوانین و مقررات مشخصی می‌توانند شالوده و بنیان اصلی خود را حفظ کنند. در هر اجتماعی، ولو بخشی از یک کل، قانون بالاترین رکن برای تصمیم‌گیری و اقدام است. بخش‌هایی از اقتصاد ایران اما از این قاعده مستثنی هستند. البته این بخش‌ها در کوتاه یا میان‌مدت هزینه‌های گزافی برای عدول از قانون خواهند پرداخت.

نگاهی به صنعت بحران‌زده برق که کمبود نقدینگی و ساختار ناکارآمد اقتصادی، نامتوازن بودن درآمد و هزینه و همچنین سایر شاخصه‌های کلان اقتصادی از جمله قیمت ارز، تورم و تحریم صدمات جبران‌ناپذیری به آن وارد کرده است، نشان می‌دهد که در ساختار درونی این سازمان بزرگ که مسئول عرضه کالایی استراتژیک به عموم جامعه است، وجود نوعی قانون‌گریزی، فرصت‌ها را به تهدید تبدیل می‌کند.

تولیدکنندگان خصوصی برق که عهده‌دار تولید حدود ۶۰ درصد برق مورد نیاز کشور هستند، مدتی است با وزارت نیرو وارد مجادله تازه‌ای به نام جریمه تاخیر در تمديد پروانه‌های بهره‌برداری نیروگاه‌ها شده‌اند. این جریمه توسط هیات تنظیم بازار برق تعیین می‌شود و تا امروز کار یک نیروگاه را در این خصوص به شکایت در دیوان عدالت اداری رسانده است.

دلیل شکایت روشن است؛ بر اساس ماده ۵-۳ دستورالعملی که هیات تنظیم بازار برق ایران در یکصد و هشتاد و هشتمین جلسه خود به تصویب رسانده، جریمه‌هایی برای ارائه‌نکردن تاییدیه پروانه بهره‌برداری نیروگاه‌ها، تحت عنوان کسر درآمد تعیین کرده و این خسارت را از طریق شرکت توانیر با کسر کردن از مطالبات فروش برق به این شرکت‌ها تحمیل کرده است. با وجود اجرایی‌شدن دستورالعمل فوق‌الذکر، باید این مساله را مطرح کرد که بر اساس اصول ۳۶ و ۳۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی



تمکین نکردن وزارت نیرو
به قوانین و آرای حقوقی

**وزارت نیرو به عنوان
بخشی از حاکمیت
چارچوب قانون را
به سادگی می‌شکند
و بیشتر ضرر به
نیروگاه‌هایی وارد
می‌شود که فقط
در روزهای گرم سال
و پیک بار صدایشان
شنیده می‌شود**

سر باز می‌زند.

وزارت نیرو به عنوان بخشی از حاکمیت چارچوب قانون را به سادگی می‌شکند و بدون توجه به رای دیوان، همان راهی را می‌رود که قبلاً در پیش گرفته بود. در این میان بیشتر ضرر به نیروگاه‌هایی وارد می‌شود که فقط در روزهای گرم سال و پیک بار صدایشان شنیده می‌شود. این شرکت‌ها که سهمشان از تولید برق غیرقابل چشم‌پوشی است، در قبال پرداخت‌نشدن مطالباتشان سال‌ها سکوت و بردباری کردند تا مبادا خدمت‌رسانی به مردم دچار خدشه‌ای شود. حالا شاید این قانون‌گریزی وزارت نیرو بر علیه آن‌ها، دست‌میزان به کسانی است که در روزهای سخت این وزارتخانه کنارش ایستادند. بدون تردید وزارت نیرو بزرگترین بازنده این معادله خواهد بود، چرا که تحمیل این سطح از هزینه به نیروگاه‌های بخش خصوصی، ظرفیت‌های توسعه و نگهداری آن‌ها را به شدت می‌کاهد و در نهایت به کاهش ظرفیت تولیدشان منجر می‌شود. به این ترتیب وزارت نیرو که رقمی بالغ بر ۵ هزار میلیارد تومان از سرمایه‌گذاری‌های پیش‌بینی‌شده برای افزایش ظرفیت تولید عقب مانده است، بدون کمک یک بخش خصوصی توانمند، برای تامین برق مورد نیاز مشترکینش به بن‌بست رسیده و به اصلی‌ترین متهم برای کم‌کاری در تامین برق کشور بدل می‌شود. در انتها باید پرسید آیا با توجه به تمکین نکردن وزارت نیرو از آرای دیوان عدالت اداری، راهی جز قضایی‌کردن و صدور آراییی سخت‌گیرانه‌تر برای مسئولین وزارت نیرو مانده است؟!

بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.»

اصلی‌ترین ویژگی آرای صادره از سوی هیات عمومی دیوان عدالت اداری این است که آرا قابل تعمیم بوده و عطف به ماسبق هستند و مشمول همه پرونده‌های مشابه از اولین بار اعمال جریمه می‌شوند.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که سهم نیروگاه‌ها از جرایم ارائه‌نکردن تاییدیه پروانه بهره‌برداری نیروگاه‌ها تا رقمی بالغ بر ۸۰۰ میلیارد تومان می‌رسد. به بیان ساده تر وزارت نیرو از طریق این جریمه به دنبال مفری برای کاستن از حجم قابل توجه بدهی‌های خود به نیروگاه‌های خصوصی بوده است. به این ترتیب نه تنها به سادگی از پرداخت به‌موقع به تولیدکنندگان برق سر باز می‌زند و حاضر به پرداخت خسارات دیرکرد آن‌ها نیست، بلکه هر بار با اتکا به یک دستورالعمل از حجم مطالباتشان می‌کاهد. به این ترتیب وزارت نیرو اصلی‌ترین بستانکاران خود را در یک روال خلاف قانون به خود بدهکار می‌کند.

ابطال دستورالعمل مذکور از سوی دیوان عدالت اداری، وزارت نیرو را مکلف کرده کسورات صورت گرفته از نیروگاه‌ها بابت جریمه ارائه‌نکردن تاییدیه پروانه نیروگاه را به آن‌ها بازگرداند. اما این وزارتخانه که دلایل ذکر شده‌اش در دادنامه دیوان عدالت اداری عملاً مواجهه‌ای شکست خورده در برابر قانون بوده، به سادگی و با این استناد که این رای به دلیل ناآگاهی دیوان از شرایط صنعت برق صادر شده، از تمکین به آن



اجرای گزینشی قوانین بالادستی و تاثیر آن بر تولید برق

تولیدکننده برق

تمکین نکردن وزارت نیرو
به قوانین و آرای حقوقی

به طور کلی معاملات برق نیروگاهها به چهار شکل عمده صورت می‌گیرد. بازار برق، بورس انرژی، قراردادهای خرید تضمینی برق و قراردادهای دوجانبه فروش برق. بورس انرژی با وجود قابلیت‌های بالقوه‌ای که دارد، به دلیل وجود انحصار در سمت تقاضا (شرکت‌های توزیع نیروی برق) و نیاز شدید نیروگاهها به نقدینگی برای تامین مخارج جاری، عملاً سهم بسیار اندکی از معاملات را با قیمت‌هایی به مراتب پایین‌تر از قیمت بازار برق، به خود اختصاص می‌دهد. قراردادهای دوجانبه میان تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان بزرگ در سال‌های گذشته به دلیل اختلافاتی که در زمینه هزینه ترانزیت برق وجود داشت، متوقف بوده است. در قراردادهای خرید تضمینی هرچند که برق به قیمت‌های واقعی‌تری خریداری می‌شود، با این وجود دوره زمانی مشخصی وجود دارد که پس از اتمام آن نیروگاهها باید وارد بازار شده و برق خود را در بازار بفروشند. از این رو، عملاً قیمت بازار برق برای بسیاری از تولیدکنندگان در شرایط فعلی و تعداد دیگری از آن‌ها در شرایط آتی، حائز اهمیت بسیار است. بنا بر این بی‌توجهی به قوانین اثرگذار بر قیمت فروش برق در بازار از سویی اثرات سنگین بر وضع فعالان موجود داشته و از سوی دیگر با ایجاد چرخه‌ای از مشکلات می‌تواند سال به سال تشدید شود. به عنوان گواه این ادعا در این قسمت نموداری ارائه می‌شود که قیمت متوسط موزون خرید برق در بازار را از سال ۱۳۹۴ تا بهار ۱۳۹۸ نشان می‌دهد.

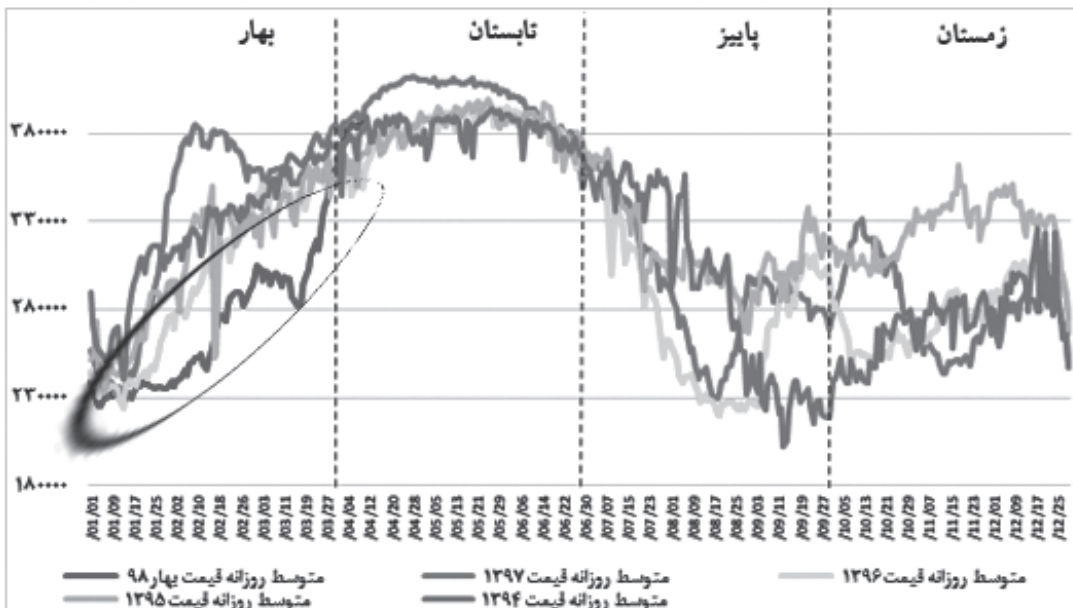
سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در تولید برق زمانی توجیه دارد که سودی مناسب‌تر از سرمایه‌گذاری در سایر بخش‌ها داشته باشد و بازگشت سرمایه در مدت معقولی تضمین شود، زیرا برق کالایی است با ویژگی‌هایی متفاوت نسبت به سایر کالاها که فعالیت در این کسب و کار را با پیچیدگی‌های بیشتری رو به رو می‌کند. از جمله این پیچیدگی‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ذخیره کردن آن دشوار و پرهزینه است، بنا بر این تولید آن در هر لحظه باید به اندازه مصرف همان لحظه باشد؛

- تولیدکننده برق به سادگی نمی‌تواند از بازار خارج و سرمایه خود را به فعالیت دیگری با سود بهتر هدایت کند؛
- خریدار آن واحد و انحصاری است؛
- تقاضا در این بازار به شدت از نوسانات فصلی اثر می‌پذیرد؛
- سرمایه اولیه بسیار زیادی نیاز دارد؛
- در صورت ناتوانی سرمایه‌گذار به ادامه فعالیت، دولت می‌تواند بدون هیچ محدودیتی وارد نیروگاه شده و اداره نیروگاه را در دست گیرد.

در چنین شرایطی هرگونه تصمیم اثرگذار بر درآمد و هزینه تولیدکنندگان برق، اثرات قابل توجهی بر بقای فعالان موجود و تصمیم سرمایه‌گذاران جدید برای ورود به این بازار دارد. از آنجایی که بهای فروش برق عامل اصلی و اثرگذار بر درآمد تولیدکننده است، بنابراین تصمیمات اثرگذار بر قیمت خرید برق از نیروگاهها، دارای اهمیت کلیدی است.

نمودار ۱. مقایسه قیمت متوسط موزون بازار برق ۱۳۹۸-۱۳۹۴ (ریال بر مگاوات ساعت)



منبع: اطلاعات شرکت مدیریت شبکه برق ایران

در این دوره زمانی با افزایش شدید هزینه‌های بهره‌برداری، تعمیر و نگهداری مواجه شده‌اند. بخش مهمی از ریشه‌یابی روند مشاهده شده در قیمت بازار برق را می‌توان در عدم تمکین وزارت نیرو به قوانین وضع شده در برنامه‌های پنجم و ششم توسعه مرتبط با بخش برق جستجو کرد. جدول ۱ و ۲ موادی از این قوانین را که مرتبط با تعیین قیمت برق است همراه با مقایسه عملکرد وزارت نیرو در اجرای آن‌ها، نشان می‌دهند.

همان گونه که مشاهده می‌شود (بخش مشخص شده در نمودار)، قیمت در بازار برق به استثنای نیمی از سال ۱۳۹۷، همواره کاهش یافته است. این در شرایطی است که بعد از شوک ارزی نیمه دوم سال ۱۳۹۶ و استمرار کاهش ارزش پول ملی در سال ۱۳۹۷، هزینه‌های تولید در ایران به شدت با افزایش رو به رو بوده است. نیروگاه‌های تولید برق نیز از تأثیرات قیمتی شوک ارزی بر هزینه‌های تولید مستثنی نبوده و

قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران

جدول ۱. بخش‌هایی از قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران

ماده	بند	متن قانون	عملکرد وزارت نیرو
۱۳۳	۹	وزارت نیرو مکلف است در صورت نیاز با حفظ مسولیت تامین برق، به منظور ترغیب سایر موسسات داخلی به تولید هر چه بیشتر نیروی برق از نیروگاه‌های خارج از مدیریت آن وزارتخانه، براساس دستورالعملی که به تایید شورای اقتصاد می‌رسد، نسبت به خرید برق این نیروگاه‌ها اقدام نماید.	مطابق این بند دستورالعملی تهیه و در آبان ۱۳۹۱ به تصویب شورای اقتصاد رسید، اما به درستی اجرا نشد.
دستور العمل بند «و» ماده ۱۳۳ قانون برنامه پنجم			
۶		<u>در این دستورالعمل در زمینه نرخ پایه پرداخت بابت</u> <u>آمادگی آمده است:</u> این نرخ در سالهای بعدی برنامه پنجم توسعه در ابتدای هر سال با اعمال ضریب تعدیل ^۱ توسط وزارت نیرو تعدیل و اعلام میشود.	با وجود الزام به تعدیل نرخ پایه پرداخت بابت آمادگی، این اقدام در تمامی سال‌های برنامه پنجم به صورت کامل صورت نگرفت. بر اساس بند ۱ صورت جلسه شماره ۲۶۳ هیات تنظیم بازار برق نرخ پایه پرداخت بابت آمادگی به نیروگاه‌ها و سقف نرخ پیشنهاد تولید انرژی در بازار برق از سال ۱۳۹۴ تغییر نکرده است.
رای شماره ۳۱۳ هیات عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع ابطال بند ۱ مصوبه هیات تنظیم بازار برق ایران			
		نظر به این‌که بند ۱ مصوبه مورد شکایت برخلاف بند «و» ماده ۱۳۳ قانون یاد شده و ماده ۶ دستورالعمل شورای اقتصاد بوده لذا خلاف قانون و خارج از حدود اختیارات وضع شده و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال میشود.	از آنجایی‌که طبق ماده ۱۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری، اثر ابطال مصوبات از زمان صدور رای هیات عمومی است مگر در مورد مصوبات خلاف شرع یا در مواردی که به منظور جلوگیری از تضییع حقوق اشخاص، هیات مذکور اثر آن را به زمان تصویب مصوبه مترتب نماید، ابطال این بند تاکنون منجر به جبران خسارت تولیدکنندگان برق نشده است.

۱. فرمول این ضریب که در آن به تغییرات متغیرهای شاخص قیمت خرده‌فروشی و متوسط نرخ رسمی تسعیر ارز (یورو) توجه شده است در همین ماده آمده است. این فرمول به گونه‌ای طراحی شده بوده است که این نرخ هر ساله متناسب با نرخ تورم تغییر کند.

منبع: قوانین و دستور العمل‌های موجود

قانون برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران

جدول ۲. بخش‌هایی از قانون برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران

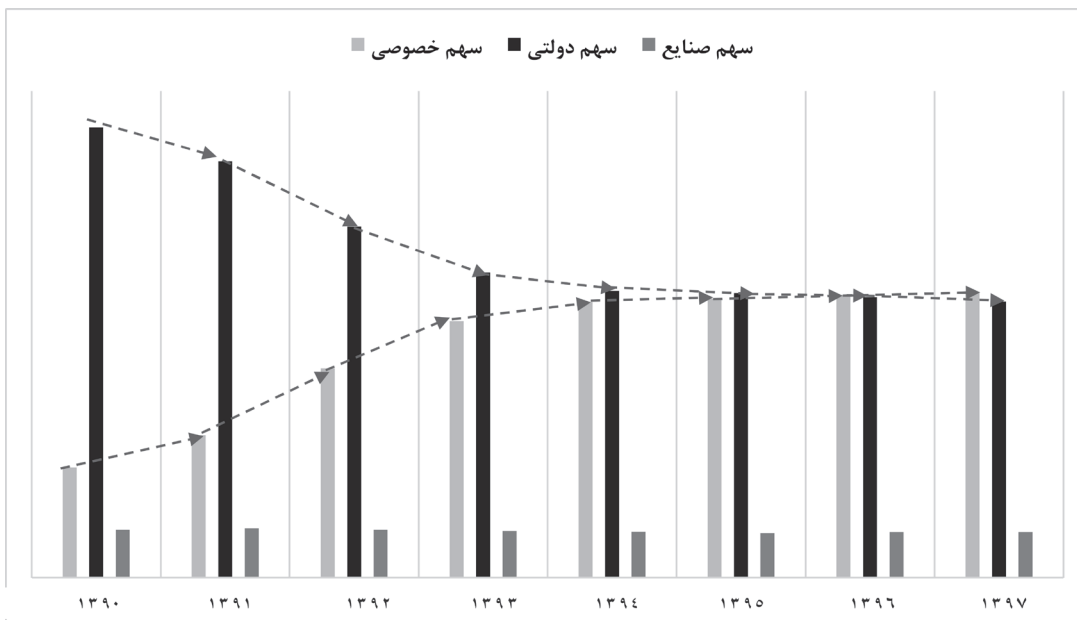
ماده	بند	متن	عملکرد
۴۸	ت	از طریق وزارت نیرو در طول اجرای برنامه نسبت به افزایش توان تولید برق تا بیست و پنج هزار مگاوات از طریق سرمایه‌گذاری موسسات عمومی غیردولتی، تعاونی و خصوصی اعم از داخلی و خارجی و یا منابع داخلی شرکت‌های تابعه یا به صورت روش‌های متداول سرمایه‌گذاری از جمله ساخت، بهره‌برداری و تصرف (BOO) و یا ساخت، بهره‌برداری و انتقال (BOT) اقدام نماید. خرید تضمینی برق بر اساس نرخ تعیین شده توسط شورای اقتصاد خواهد بود.	دستورالعمل اجرایی این بند از قانون را وزارت نیرو تهیه کرد و شورای اقتصاد آن را در جلسه مورخ ۱۳۹۷/۱۲/۲۰ تصویب و در تاریخ ۱۳۹۷/۱۲/۲۸ ابلاغ شد. اما تاکنون به درستی اجرا نشده است.
دستورالعمل تعیین نرخ خرید تضمینی برق			
۶		وزارت نیرو موظف است حداکثر تا ۲ ماه بعد از تاریخ ابلاغ این مصوبه، ضوابط تعیین سقف نرخ انرژی و نرخ پایه آمادگی بازار عمده فروشی را تدوین و پس از تایید وزیر نیرو برای اطلاع عموم و ذی‌نفعان ابلاغ نماید.	مورد مذکور تا تاریخ تهیه این گزارش اجرا نشده است.

منبع: قوانین و دستور العمل‌های موجود

غیردولتی موجود و فرار سرمایه‌ها از تولید برق است. این در حالی است که رکود سرمایه‌گذاری در تولید برق در شرایطی که بخش دولتی نیز با تنگناهای شدید مالی رو به رو است، می‌تواند به بحران کمبود برق در سال‌های آتی بیانجامد. اتفاقی که در تابستان ۱۳۹۷ نیز شاهد آن بوده‌ایم. نمودار ۲ که روند گسترش سهم بخش خصوصی از تولید برق را در سال‌های دهه ۱۳۹۰ نشان می‌دهد، به خوبی نشان دهنده عدم موفقیت کامل در دستیابی به هدف تکلیف شده در بند ب ماده ۳ قانون اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است که در آن دولت به واگذاری ۸۰ درصد از سهام بنگاه‌های تامین نیرو به بخش‌های خصوصی، تعاونی و عمومی غیردولتی مکلف شده است. همان‌گونه که در این نمودار مشخص است، روند افزایش سهم بخش خصوصی از مجموع ظرفیت نامی کشور خصوصاً بعد از سال ۱۳۹۳ متوقف شده است.

در چنین شرایطی که انتظار می‌رود پی‌گیری مسائل قیمت خرید برق از نیروگاه‌ها، تعیین نرخ پایه آمادگی و سقف نرخ انرژی در بالاترین اولویت‌های وزارت نیرو باشند، آنچه مشاهده می‌شود عدم توجه کافی به این مساله و تخطی از ماده ۶ دستورالعمل تعیین نرخ خرید تضمینی برق (مصوب ۱۳۹۷) است، به گونه‌ای که علی‌رغم مکلف شدن وزارت نیرو برای مشخص ساختن ضوابط تعیین سقف نرخ انرژی و نرخ پایه آمادگی بازار عمده فروشی تا دو ماه پس از ابلاغ دستورالعمل بند (ت) ماده ۴۸ قانون برنامه ششم، از اسفند ۱۳۹۷ تا تاریخ تهیه این گزارش (پایان شهریور ۱۳۹۸) این ضوابط هنوز اعلام نشده است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود علی‌رغم وجود مواد قانونی مستحکم برای اصلاح عوامل اثرگذار بر قیمت برق متناسب با شرایط تورمی داخلی و قیمت ارز، تخطی و اجرای سلیقه‌ای قانون منجر به شکل‌گیری شرایطی شده است که حاصل آن دشواری بیش از حد شرایط فعالیت برای تولیدکنندگان

نمودار ۲. سهم بخش‌های خصوصی، دولتی و صنایع بزرگ از قدرت نامی کل کشور



با سایر تولیدات است و هرگونه کمبود برق که منجر به بروز خاموشی شود، تبعات سنگین اقتصادی برای جامعه به همراه خواهد داشت. از این رو، نگاه آسیب‌شناسانه و ارائه رویکرد به منظور حل مسائل مرتبط با تولید برق به همان اندازه که برای گروه خاصی از تولیدکنندگان بخش خصوصی اهمیت دارد، به منافع ملی نیز گره می‌خورد. انتظار می‌رود درک اهمیت وضع این قوانین و اثرات ناشی از عدم تمکین به آن‌ها، بر انگیزه‌های اجرای آن‌ها افزوده و اثرات مثبتی بر حل مسائل به جا بگذارد.

با توجه به این شرایط، به نظر می‌رسد پی‌گیری نهادهای اثرگذار تا ملزم کردن وزارت نیرو به اجرای به موقع و کامل قوانین مرتبط، نه تنها از الزامات ایجاد رونق سرمایه‌گذاری در تولید برق است، بلکه به دلیل اثرگذاری مستقیم و کلیدی برق بر رفاه جامعه و رشد اقتصادی، برای دستیابی به منافع ملی نیز ضروری به نظر می‌رسد. نکته‌ای که نباید مورد غفلت قرار گیرد، این است که صرف نظر از میزان اشتغال‌زایی مستقیم صنعت برق و یا سهمی که این صنعت از خلق ارزش افزوده کل کشور دارد، به دلیل آن که برق نهاده کلیدی فرآیند تولید است، دارای پیوندهای پسین و پیشین قوی

علیرضا حسینی روزنامه‌نگار

**با رویکردی که
وزارت نیرو، نسبت
به تولیدکنندگان و
منافع آنان در پیش
گرفته است، حضور
پررنگ‌تر بخش
خصوصی در عرصه
تولید انرژی بسیار
دور از ذهن به نظر
می‌رسد**

بند ت ماده ۴۸ قانون برنامه ششم توسعه؛

به نام تولید، به کام انتقال

دو ماه پس از تاریخ ابلاغ این مصوبه، ضوابط تعیین سقف نرخ انرژی و نرخ پایه آمادگی بازار عمده‌فروشی را تدوین و پس از تایید وزیر نیرو، برای آگاهی عموم و ذی‌نفعان ابلاغ کند. همچنین بر پایه ماده ۱۲ این دستورالعمل، وزارت نیرو می‌بایست نمونه قراردادهای و رویه‌های اجرایی مرتبط با موضوع این دستورالعمل را حداکثر سه ماه پس از ابلاغ این مصوبه منتشر کند.

تا تاریخ نگارش این گزارش، قریب به ۶ ماه است که از ابلاغ رسمی دستورالعمل تعیین نرخ خرید تضمینی برق توسط سازمان برنامه و وزارت نیرو می‌گذرد، این وزارت خانه تنها یک آیین‌نامه اجرایی در این باره تدوین و منتشر کرده است. البته تنظیم این آیین‌نامه درست در زمان مقرر شده در آیین‌نامه شورای اقتصاد انجام گرفته، اما مساله اصلی بندهای تشکیل‌دهنده آن است، که نشان از اولویت‌های موجود در وزارت نیرو دارد.

بند شماره یک آیین‌نامه اجرایی اشاره به لزوم تدوین قراردادهایی دارد که بر اساس مواد شماره ۱، ۴ و ۵ دستورالعمل تنظیم خواهند شد و مقرر می‌دارد که نمونه قراردادهای تضمین خرید باید، نهایتاً تا پایان خرداد ۹۸ منتشر شوند. اما تا امروز که ۲ ماه هم از تاریخی که به عنوان خط قرمز انتشار قراردادها گذشته، خبری از آن نشده است. ضمن این که این بند در واقع همان مصوبات دستورالعمل را تکرار کرده و دربر دارنده چیز تازه‌ای نیست، بند ۲ و ۳ این آیین‌نامه اجرایی نیز در واقع به نوعی تکرار

قانون برنامه ششم توسعه کشور در شرایطی طی روزهای پایانی سال ۱۳۹۶ در مجلس دهم تصویب شد که بند ت ماده ۴۸ این قانون اشاره به لزوم حمایت از سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی به منظور احداث ۲۵ هزار مگاوات انرژی الکتریکی در چارچوب قراردادهای ساخت، بهره‌برداری و تملک (B.O.O) و ساخت، بهره‌برداری و انتقال (B.O.T) دارد.

همچنین در این بند از قانون برنامه ششم تاکید شده است که خرید تضمینی برق بر اساس نرخ تعیین‌شده توسط شورای اقتصاد خواهد بود، که این مورد آخر دو نکته مهم دارد: اولاً خرید برق باید به صورت تضمینی باشد و ثانیاً نرخ برق تولیدشده باید مشخص شود که قانون‌گذار آن را برعهده شورای اقتصاد گذاشته است.

تقریباً همزمان با تصویب این قانون، وزارت نیرو در نامه‌ای به سازمان برنامه و بودجه کشور، با یادآوری اینکه «قانون برنامه پنجم به پایان رسیده و دیگر نمی‌توان بر پایه آن نرخ برق تولیدی را محاسبه کرد»، از این سازمان خواست چارچوب تعیین نرخ برق تولیدی را برای تصویب، در اختیار شورای اقتصاد دهد.

اما انجام این کار توسط سازمان برنامه بودجه چند روزی بیش از یک سال زمان برد و ابلاغ مصوبات شورای اقتصاد به روزهای پایانی سال ۹۷ کشیده شد. در این مدت نیز نرخ خرید برق از تولیدکنندگان همچنان بلا تکلیف باقی بماند.

این دستورالعمل ۱۳ ماده دارد، که در ماده شماره ۶ آن، وزارت نیرو موظف شده است در زمان پیشینه

**امید است وزارت نیرو
با تغییر رویکرد خود و
بیشتر در نظر گرفتن
منافع تولیدکنندگان
برق زمینه را برای
افزایش انگیزه و
حضور بیشتر بخش
خصوصی در این حوزه
فراهم آورده و راه
دستیابی به اهداف
قانون را هموار کند.**

مواد شماره ۶ و ۷ دستورالعمل شورای اقتصاد به زبانی دیگر برای رده‌های پایین‌تر وزارت‌خانه است. افزون بر این تاریخ نهایی انجام نیز همان پایان خرداد، یعنی یک ماه بعد است که البته مانند مورد پیشین هنوز خبری از نمونه قرارداد تضمین خرید و اولویت‌های تاسیس نیروگاه برای وزارت نیرو نیست.

بند شماره ۴ این آیین‌نامه نیز در نوع خود جالب توجه است؛ در واقع این بند تکرار ماده هشتم دستورالعمل است که از وزارت نیرو درخواست می‌کند تا با محاسبه بار مالی ناشی از نرخ تضمینی خرید برق، اعتبار مورد نیاز آن را از محل اصلاح تعرفه برق مصرفی مشترکان تامین کند. در بند ۴ نیز همین مساله تنها تکلیف شده است، یعنی از زیرمجموعه وزارت خواسته شده تا بار مالی را محاسبه کند.

اما نکته در اینجا است، که هنوز نرخ خرید تضمینی مشخص نشده است که بار مالی آن امکان برآورد داشته باشد. از سوی دیگر، تعرفه برق مصرفی مشترکان در زمستان سال گذشته و پیش از تصویب دستورالعمل تعیین نرخ خرید تضمینی، در هیات وزیران مشخص و تصویب شده بود که بر پایه همان رویه پیشین، اصلاح قیمت انرژی نیز بسیار کم و از برنامه عقب‌تر بود.

با توجه به این نکته، امکان اصلاح مجدد تعرفه‌ها دشوار بوده و با اعتراض مشترکان روبرو خواهد شد، از سوی دیگر چون تابستان به پایان رسیده و اصلاح تعرفه‌ای نیز انجام نشده است، فروشندگان برق بخش بزرگی از برق تولیدی خود را با نرخی می‌فروشند که اصلاح نشده و برایشان به صرفه نیست، آن هم در فصلی که ضریب نرخ خرید تضمینی بالاترین میزان خود را دارد.

بندهای ۵، ۶ و ۷ این آیین‌نامه اجرایی نیز به بخش ترایش یا همان ترانزیت مربوط می‌شوند، که چون به زیرساخت‌های ترایش نیرو بازمی‌گردد، عملاً کوچک‌ترین پیوندی با تولیدکنندگان نیرو ندارد، اما با وزارت نیرو پیوسته است، چرا که زیرساخت‌های ترایش و شبکه توزیع انرژی، تقریباً به تمامی در اختیار زیرمجموعه‌های وزارت نیرو یعنی شرکت‌های توانیر است.

با کمی دقت در سه بند پایانی، بی‌درنگ روشن می‌شود که آن‌ها به وارون بندهای آغازین، کاربردی‌تر و به عرصه عملیاتی شدن

نزدیک‌تر هستند. همچنین خط قرمز زمانی هم که برای مشخص شدن کامل وضعیت این بندها گذاشته شده از دیگر بخش‌های آیین‌نامه کوتاه‌تر است. به دیگر سخن، وزارت نیرو تنها در بخشی که برای خودش اولویت داشته، با جدیت عمل کرده و این در حالی است که در دستورالعمل، حتی زمان خاصی نیز برای تعیین

نرخ ترایش برق مشخص نشده است. گذشته از این با توجه به اینکه دستورالعمل، اساساً برای مشخص کردن روند اجرای بند «ت» ماده (۴۸) قانون برنامه ششم توسعه، به تصویب رسیده است و این بند از ماده (۴۸) نیز منحصرأ برای حمایت از سرمایه‌گذاری در صنعت تولید برق تدوین شده است، بنابراین سخن گفتن و پرداختن به مباحثی که در پیوند با ترایش نیرو هستند، در این دستورالعمل چندان موضوعیتی نخواهد داشت، جز اینکه وزارت نیرو تلاش کرده است تا منافع زیرمجموعه خود را نیز در این ساختار بگنجانند.

آنچه درباره بقیه ماده‌های آیین‌نامه می‌توان گفت این است، که به نظر می‌رسد، وزارت نیرو در پایان فرصت دو ماهه خود که از هنگام تصویب دستورالعمل آغاز شده بود، تنها به قصد رهایی از فشار ناشی از تاخیر در تدوین آیین‌نامه، تلاش کرده است تا با رونویسی از دستورالعمل و ابلاغ آن به رده پایین‌تر کار را توجیه کرده و فرایند انجام آن را در پیچ و خم بروکراسی گسترده خود گم کند و گرنه بندهای آیین‌نامه چیزی بیش از بندهای کلی دستورالعمل ندارند.

تا این جا به صورت پراکنده شرایط پیشرفت و وضعیت برخی از مواد دستورالعمل را در کنار خوانش آیین‌نامه، بررسی کردیم و اکنون در ادامه به ماده‌های باقی‌مانده نیز خواهیم پرداخت.

درباره بند یک دستورالعمل باید گفت که این بند برای تشویق سرمایه‌گذاران به ساخت ۲۵ هزار مگاوات نیروگاه تصویب شده است که از روش متعارف قراردادهای ساخت، بهره‌برداری و تملک (B.O.O) و ساخت، بهره‌برداری و انتقال (B.O.T) بهره می‌برد. برابر میزان تعیین شده در برنامه ششم توسعه، باید سالانه ۵ هزار مگاوات نیروگاه بنیان گذاشته شود تا سقف مشخص شده قانون محقق شود، اما کل مقداری که تاکنون در سال ۹۸ و در سراسر کشور به ظرفیت تولید کشور در عرصه حرارتی، کمی بیش از

در دستورالعمل شورای اقتصاد برای بند «ت» ماده (۴۸) آمده است همان روش محاسبه‌ای است که رای دادگاه بر مبنای آن بوده و وزارت نیرو از پذیرش آن سرباز زده است.

در واقع مصوبه شورای اقتصاد که از سال ۹۴ در حوزه تولید انرژی معلق مانده و اجرا نمی‌شد دوباره در دستورالعمل مصوب در پایان سال ۹۷ آمده است.

نخستین مطلب آن است که دستورالعمل شورای اقتصاد نشان داد که جدای از رای دیوان عدالت اداری، تفسیر وزارت نیرو و هیات تنظیم از مصوبه پیشین شورای یکسره نادرست بوده و در گذر این سال‌ها به تولیدکنندگان زیان بسیاری وارد کرده است.

دوم آنکه علت به تاخیر افتادن تعیین نرخ‌ها از سوی وزارت نیرو در سال ۹۸ نیز تا اندازه‌ای روشن می‌شود، زیرا روند گذشته نشان‌دهنده این است که مجموعه وزارت احتمالاً با این فرمول برای تعیین نرخ‌ها موافق نبوده و انجام این کار برایش دشوار است، چرا که در سال ۹۴ نیز از این کار سرباز زده بود.

در مجموع هرچند که به دلیل تحریم‌ها امکان سرمایه‌گذاری خارجی در زمینه تولید نیرو کاهش یافته و شاید یکی از دلایل پایین بودن میزان افزایش گنجایش تولید برق در کشور در ۹۸ نیز همین باشد، اما حتی اگر این توجیه را نیز بپذیریم، در این صورت لزوم جلب نظر و ترغیب بخش خصوصی داخلی به سرمایه‌گذاری در بخش تولید انرژی بیش از پیش خود را نشان می‌دهد. تا از این رهگذر بتوان کمبود حضور سرمایه خارجی را جبران کرد.

اما با رویکردی که وزارت نیرو، نسبت به تولیدکنندگان و منافع آنان در پیش گرفته است، حضور پرنرنگ تر بخش خصوصی در عرصه تولید انرژی بسیار دور از ذهن به نظر می‌رسد و همین مطلب نگرانی‌ها را در مورد محقق شدن اهداف بند «ت» ماده (۴۸) در افزایش ظرفیت تولید کشور به میزان ۲۵ هزار مگاوات در یک بازه پنج ساله که برای کشور حیاتی است، افزایش داده است.

امید است تا وزارت نیرو با تغییر رویکرد خود و در نظر گرفتن بیشتر منافع تولیدکنندگان برق زمینه را برای افزایش انگیزه و حضور بیشتر بخش خصوصی در این حوزه فراهم آورده و راه دستیابی به اهداف قانون را هموار کند.

۱۵۰۰ مگاوات بوده است، که این مقدار نشان می‌دهد، با این روند، نمی‌توان اهداف برنامه را محقق کند.

ماده (۳) نیز که در مورد کمک بانک مرکزی برای تهیه ارز به تولیدکنندگان است، با توجه به شرایط فعلی نیروگاه‌های کشور و همچنین شرایط بین‌المللی و تحریم‌های وضع شده کاملاً روشن است و به احتمال بسیار بالا در کوتاه‌مدت از اولویت‌های این نهاد مالی نخواهد بود.

در مورد نرخ تضمینی خرید برق از تولیدکنندگان، یادآوری این مساله ضروری است که بر پایه آنچه در دستورالعمل شورای اقتصاد آمده است، همه موارد لازم برای تعیین نرخ انرژی و نرخ پایه آمادگی پیش‌بینی شده، و محاسبه نرخ کار چندان پیچیده‌ای به شمار نمی‌آید. اما وزارت نیرو تا کنون به عناوین گوناگون از انجام این کار پرهیز کرده و این درحالی است که در دستورالعمل برای این کار یک خط قرمز زمانی دو ماهه تعیین شده است. لذا به نظر می‌رسد آیین‌نامه اجرایی وزارت نیرو که تقریباً در پایان همین مدت دو ماهه ابلاغ شده و شرح آن پیش‌تر آمد، بیشتر برای توجیه کردن کوتاهی وزارت نیرو در تعیین نرخ‌ها بوده است، وگرنه آیین‌نامه چیزی بیش از تکرار دستورالعمل نیست.

البته این کار بیش از این نیز سابقه داشته است. در سال ۹۴ دبیرخانه هیات تنظیم بازار برق ایران، بدون توجه به مصوبه شورای اقتصاد، تصمیم گرفت تا نرخ پایه آمادگی و سقف بازار برق را در این سال بدون تغییر نگاه دارد و در ادامه، این هیات قیمت را برای سال بعد یعنی ۱۳۹۵ و حتی سال‌های ۹۶، ۹۷ و تا به امروز نیز به همین صورت ثابت نگاه داشت. این کار هیات تنظیم زیان سنگینی را متوجه تولیدکنندگان برق در کشور کرده و آنان را ناگزیر ساخته در سال ۹۷ برای الغای بند یک این بخشنامه، از وزارت نیرو به دیوان عالی عدالت اداری شکایت کنند. این دعوای حقوقی در نهایت با پیروزی شاکیان، الغای بند یک بخشنامه که به ثابت نگاه داشتن قیمت اشاره داشت و مکلف کردن وزارت نیرو به پیروی از فرمول مصوب شورای اقتصاد پایان یافت.

با نگاهی به رای دیوان عدالت اداری و فرمول محاسبه نرخ سقف تولید و نرخ پایه آمادگی که در این رای آمده است، روشن می‌شود که آنچه

فرصت‌ها و تهدیدها در دستورالعمل تعیین نرخ خرید تضمینی برق

شاید کم‌توجهی به نظرهای بخش خصوصی صنعت برق به ویژه در حوزه تولید، مهمترین خلاء دستورالعمل مذکور باشد. وقتی بدون حضور نمایندگان بخش خصوصی، دستورالعملی تدوین می‌شود که مهمترین ذینفع آن فعالان این بخش هستند، بدون تردید می‌توان این مساله را پیش‌بینی کرد که تامین منافع خصوصی‌ها جزو آخرین اولویت‌ها بوده است. این دستورالعمل البته مغایرت‌های متعددی هم با قانون دارد. به عنوان مثال در بند «ج» ماده (۱) دستورالعمل عنوان شده است، «نرخ خرید تضمینی برق نیروگاه‌های حرارتی بزرگ، در هر مورد پس از برگزاری مناقصه توسط شرکت مادر تخصصی تولید نیروی برق حرارتی؛ به تایید وزیر نیرو می‌رسد.»

در حالی که تعیین نرخ خرید برق بنا بر نص صریح قانون بر عهده شورای عالی اقتصاد است، آیا شورای اقتصاد چنین اختیاری دارد که آن را به وزیر نیرو تفویض کند؟

در همین یک سطر البته برگزاری مناقصه در وانفاسای بحران نقدینگی در صنعت برق که حتی گاه به تولیدکنندگان برق که در شرایط بحرانی قرار دارند اجازه می‌دهد قیمت‌های انتحاری در بورس انرژی ارائه دهند، محل تهدیدهای گسترده‌ای در قیمت‌گذاری و رقابت‌های مخرب است و مشخص نیست که آیا وزارت نیرو شیوه مشخصی برای کنترل قیمت‌های ارائه شده در مناقصه خواهد داشت یا خیر. در بند «د» ماده (۱) هم به متوسط نرخ ترانزیت

در روزهای پایانی سال ۱۳۹۷ و با گذشت دو سال از شروع برنامه پنج ساله ششم توسعه، در حالی که نزدیک به چهار سال از درخواست تولیدکنندگان غیر دولتی برق برای اصلاح بهای خرید تضمینی برق می‌گذشت، شورای اقتصاد دستورالعمل تعیین نرخ خرید تضمینی برق را با هدف افزایش توان تولید از طریق سرمایه‌گذاری موسسات غیردولتی، تعاونی و خصوصی اعم از داخلی یا خارجی، منابع داخلی شرکت‌های تابعه وزارت نیرو و یا روش‌های BOO یا BOT، به استناد بند «ت» ماده (۴۸) قانون برنامه پنج ساله ششم توسعه، به تصویب رساند.

این دستورالعمل که در حقیقت مسیر حرکت وزارت نیرو در احداث نیروگاه‌های جدید، خرید تضمینی برق و تعیین نرخ آن، هزینه ترانزیت، محاسبه تعدیل در قراردادهای ECA و شیوه‌های تسهیل سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی را مشخص می‌کند، ابهامات، تهدیدها و فرصت‌های بسیاری را در خود جای داده است.

در نگاه اول، رسیدن دولت و وزارت نیرو به این نقطه که ناگزیر به واگذاری امور اجرایی حوزه برق به بخش خصوصی هستند و باید تنها در جایگاه یک ناظر و نه متولی مدیریت کلان این صنعت را در دست گیرند، می‌تواند پیام مثبت این مصوبه باشد. اما مثل همه مصوبات، دستورالعمل‌ها و قوانین دیگری که سررشته آن‌ها به ساختار اقتصادی صنعت برق و یا قیمت‌گذاری این کالای استراتژیک ختم می‌شود، این مصوبه هم گرفتار ابهامات بسیار گسترده‌ای است.



محمدرضا زاهد
مدیرعامل شرکت افق
تأمین انرژی طوس

تا زمانی که زمینه قانونی برای صدور برق توسط بخش خصوصی فراهم نشود، تسهیل‌گری برای سرمایه‌گذاری‌ها حتی با خرید تضمینی طولانی‌مدت، به بن‌بست خواهد رسید

برای سرمایه‌گذاری‌ها حتی با خرید تضمینی طولانی‌مدت، به بن‌بست خواهد رسید. البته نمی‌توان از این مساله چشم پوشید که برخی از بندهای دستورالعمل اجرایی بند «ت» ماده ۴۸ قانون پنج ساله ششم توسعه حاوی نکات مثبت و امیدوارکننده‌ای است. به عنوان مثال در ماده (۶) عنوان شده است: «وزارت نیرو موظف است حداکثر تا دو ماه بعد از تاریخ ابلاغ این مصوبه ضوابط تعیین سقف نرخ انرژی و نرخ پایه آمادگی بازار عمده‌فروشی را تدوین و پس از تایید وزیر نیرو برای اطلاع عموم و ذینفعان ابلاغ نماید.»

این ضرب‌الاجل دو ماهه که وزارت نیرو به روزهای پایانی آن رسیده است، می‌توانست به یک نقطه عطف برای صنعت برق منجر شود. با وجود این که نرخ پایه آمادگی بازار عمده‌فروشی بسیار اثرگذار و کلیدی است اما واقعیت این است که صنعت برق به یک نقطه ابتدایی برای تعیین نرخ برق در ساختار درونی خود نیاز دارد و این بند قانونی می‌تواند همان نقطه ابتدایی حیاتی باشد.

به هر حال جای هیچ شکی نیست که وزارت نیرو، شورای اقتصاد و سایر نهادهای مرتبط، این دستورالعمل را به منظور تسهیل و حمایت از سرمایه‌گذاری در صنعت برق مصوب کرده اند؛ اما سوال مهم این است که آیا در مورد میزان اثرگذاری و نتیجه‌بخشی این مصوبه کار آماری و تحلیلی درستی انجام شده است؟ قطعاً اگر وزارت نیرو به دنبال پاسخ درستی به این پرسش باشد، باز هم رد پای کم‌رنگ بخش خصوصی در تدوین و تصویب این آیین‌نامه به درستی درک خواهد شد.

شیوه اجرایی‌شدن این دستورالعمل داستان دیگری است، به طوری که آیین‌نامه اجرایی نرخ ترانزیت با فاصله اندکی پس از ابلاغ دستورالعمل مذکور تنظیم، مصوب و ابلاغ می‌شود، اما در خصوص مفاد ماده ۶ آن که صراحتاً مهلتی ۲ ماهه را برای تعیین ضوابط تعیین نرخ پایه آمادگی و سقف نرخ انرژی در بازار لحاظ می‌کند، تا لحظه تدوین این نشریه اقدامی صورت نگرفته است. این امر شاید به خودی خود مشتی نمونه خروارها برخورد سلیقه‌ای وزارت نیرو با قوانین باشد و قطعاً جای تامل و بررسی این مساله نزد نهادهای ناظر بر عملکرد این وزارتخانه، از جمله مجلس شورای اسلامی محفوظ است.

داخلی برق در سطح شبکه انتقال و فوق توزیع و نیز در سطح شبکه توزیع اشاره شده است. بر اساس آنچه که در این دستورالعمل به تصویب رسیده است، برای ترانزیت هر کیلووات ظرفیت قراردادی معادل ۳۵ درصد متوسط نرخ تبدیل انرژی نیروگاه‌های حاضر در بازار عمده‌فروشی محاسبه خواهد شد.

این فرمول اگرچه می‌تواند به گامی موثر در راستای شفاف‌سازی هزینه‌های انتقال و توزیع و در نهایت مرتب شدن یک قطعه از پازل اقتصاد نابسامان برق منجر شود، اما درصد بالای آن هم قادر است به سادگی به از بین رفتن مزیت اقتصادی تولید برق برای سرمایه‌گذارانی منجر شود که از محل بند «ت» ماده (۴۸) به این عرصه ورود می‌کنند. سوال اینجا است که آیا وزارت نیرو به جز درآمدزایی از محل ترانزیت برق برای خود، به سایر وجوه این بند از دستورالعمل هم فکر کرده و پیامدها و رهاوردهای آن را به درستی سنجیده است؟

بند «الف» ماده (۱) این دستورالعمل هم محل انتقادات بسیاری است. دلیل روشن است؛ قانونگذار طول دوره خرید تضمینی برق را در قراردادهای ساخت، بهره‌برداری و تملک (BOO)، حداکثر هفت سال برای سرمایه‌گذاران داخلی و در قراردادهای ساخت، بهره‌برداری و انتقال (BOT) حداکثر پانزده سال برای سرمایه‌گذارانی که حداقل ۷۰ درصد از منابع مالی مورد نیاز را از طریق منابع خارجی تامین کنند تعیین کرده است.

ماده (۲) این مصوبه به تعدیل نرخ خرید تعیین‌شده در قراردادهای BOO و BOT پرداخته و فرمول و حداکثر سال‌های مشمول تعدیل از زمان عقد قرارداد را عنوان کرده است. نکته اول، این بند یک گام بلند در راستای پذیرش تأثیرپذیری حوزه تولید از نرخ ارز و لزوم در نظر گرفتن تغییرات نرخ ارز در قیمت تمام شده برق است. نکته دوم اما تجربه‌ای است که نشان می‌دهد وزارت نیرو در طول سال‌های گذشته در محاسبه، پرداخت و تادیه بدهی‌های خود به ویژه در حوزه تعدیل، کارنامه چندان درخشانی نداشته است.

مساله دیگری که شاید در این دستورالعمل کاملاً نادیده انگاشته شده، این است که هنوز هم اجازه صدور برق به بخش خصوصی داده نشده و همین امر باز هم از مزیت اقتصادی سرمایه‌گذاری در حوزه تولید به شدت می‌کاهد. تا زمانی که زمینه قانونی برای صدور برق توسط بخش خصوصی فراهم نشود، تسهیل‌گری

وزارت نیرو از پرداخت خسارت دیرکرد شانه خالی می‌کند!

چند ده هزار میلیارد تومانی‌شان از وزارت نیرو بود که امید چندانی به پرداختش نداشتند. البته وزارت نیرو با اتکا به اوراق خزانه، تهاتر و اندکی نقدینگی بیش از نیمی از مطالبات را پرداخت کرد و حالا خود را حامی بخش خصوصی می‌داند. اما باید به مساله با عمق بیشتری نگریم.

کاهش سالانه قیمت خرید برق از نیروگاه‌ها، پرداخت‌نشدن به موقع مطالبات و بهره‌گیری صد درصدی از ظرفیت تولید آن‌ها در روزهای پیک بار و رها کردنشان در ماه‌های کم‌مصرف‌تر سال، تنها بخشی از چالش‌های شرکت‌های تولیدکننده برق با وزارت نیرو است

مساله شرکت‌های تولیدکننده برق تنها مطالبات سی‌هزار میلیارد تومانی نبود. آن‌ها در خلال تاخیر وزارت نیرو در پرداخت مطالباتشان، برای پرداخت حقوق پرسنل خود ناگزیر به فروش برق تولیدی خود در بورس با قیمت‌های انتحاری شده و برای تعمیر، نگهداری و سایر هزینه‌های نیروگاه - که بدون شک رقم اندکی نیست - مجبور به اخذ تسهیلات با سود بالا هم بوده‌اند. این ارقام برای نیروگاه‌های جدیدی که با وام ارزی به نرخ قبل از سال ۹۶ ساخته شده

نظام حقوقی و قراردادی صنعت برق درست مثل ساختار اقتصادی‌اش، با چالش‌های جدی مواجه است که به نظر می‌رسد اراده جدی برای حل آن‌ها در وزارت نیرو وجود ندارد. در حقیقت این وزارتخانه شاید به دلیل ساختاری که تا چند سال پیش تماما متکی به سیستم دولتی بود، نه تنها خود را ملزم به حفظ و توسعه توانمندی‌ها و پتانسیل‌های بخش خصوصی این صنعت نمی‌داند، بلکه عملاً تمام ریسک‌ها و مشکلات حوزه کسب‌وکار را به سمت فعالان این حوزه سوق می‌دهد.

در بخش تولید برق این مساله شکل گسترده‌تر و بغرنج‌تری به خود می‌گیرد. هم‌اکنون در حدود ۶۰ درصد ظرفیت تولید برق کشور به نیروگاه‌های بخش خصوصی وابسته است، اما میزان گرفتاری‌هایی که وزارت نیرو برای فعالان این بخش ایجاد می‌کند، بسیار پرتعداد و متنوع است.

کاهش سالانه قیمت خرید برق از نیروگاه‌ها، پرداخت‌نشدن به موقع مطالبات و بهره‌گیری صد درصدی از ظرفیت تولید آن‌ها در روزهای پیک بار و رها کردنشان در ماه‌های کم‌مصرف‌تر سال، تنها بخشی از چالش‌های شرکت‌های تولیدکننده برق با وزارت نیرو است. با این حال اما تا همین چند ماه پیش مهمترین دغدغه فعالان این صنعت، مطالبات



**سید شمس‌الدین
ابطحی**
مدیر مالی شرکت
نیروگاه جنوب اصفهان

بلاموضوع کرده است. به طور قطع وزارت نیرو همواره این نکته را نادیده انگاشته است که پرداخت نشدن این خسارات به نیروگاه‌ها، توان آن‌ها را برای بازپرداخت تسهیلات ریالی و ارزی کاهش می‌دهد و در نهایت علاوه بر کاهش توان تولید برق کشور و از نفس افتادن یک نیروگاه، عملاً سیستم بانکی کشور هم از این رویکرد متضرر می‌شود. نباید این نکته را فراموش کرد که منافع نیروگاه‌ها، کاملاً با منافع ملی در هم پیچیده است، چرا که آن‌ها یکی از استراتژیک‌ترین کالاهای کشور را تولید می‌کنند و هر گونه آسیبی به ساختار آن‌ها در میان‌مدت و بلندمدت، کشور را به شدت متضرر خواهد کرد.

این همان مساله‌ای است که چندین سال است سندیکای شرکت‌های تولیدکننده برق بر آن تاکید دارد و گواهِ آن خاموشی‌های گسترده سال گذشته به دلیل توسعه ناچیز نیروگاه‌ها - به ویژه در بخش خصوصی - بود.

باید بپذیریم که عواقب سیاست‌های بخشی‌نگر وزارت نیرو در نهایت متوجه این وزارتخانه و کل کشور خواهد شد. تضعیف توان بخش خصوصی در شرایطی که تمام سیاست‌های کشور بر مبنای بهره‌گیری صحیح و توانمندسازی بخش خصوصی مدون شده‌اند، بدون تردید اشتباهی بزرگ و غیر قابل جبران است. فرار سرمایه‌ها از حوزه تولید برق و بی‌خریدار ماندن نیروگاه‌ها، همگی نشانه‌هایی روشن از نادرست بودن سیاست‌های حاکم بر این بخش است.

وزارت نیرو بدون همراهی و مشارکت بخش خصوصی قادر به تامین برق مورد نیاز کشور نیست، بنابراین لازم است که در همه تصمیم‌سازی‌هایش منافع مشروع و به‌حق این بخش را هم در کنار منفعت خود ببیند.

قطعا یکی از وظایف استراتژیک وزارت نیرو تلاش در جهت ایفای حقوق شرکت‌های خصوصی تولید برق (از جمله پرداخت جریمه تاخیر) با هدف توانمندسازی این شرکت‌ها در صنعت برق از یک طرف و هدایت دولت به سمت منطقی‌تر شدن تعرفه‌های فروش برق در کشور است، در صورت تحقق این موضوع، در بلندمدت وزارت نیرو بابت تامین نیاز برق کشور تا حدی آسوده‌خاطر خواهد بود.

و طی چند سال اخیر به مرحله بهره‌برداری رسیده‌اند، قطعاً بالاتر هم بوده است. وزارت نیرو حتی در قراردادهای BOT و خرید تضمینی برق که در متن قرارداد جریمه دیرکرد در پرداخت صورت‌حساب‌ها دیده شده نیز به تکلیف قراردادی خود عمل نکرده است. حالا نیروگاه‌ها مطالبات خود را دریافت کرده‌اند، هر چند بخش قابل توجهی نقدی نبوده اما برای کسانی که از دریافت طلب خود ناامید بودند، باز هم راضی‌کننده بوده است. در مقابل، همین شرکت‌ها سود تسهیلات و البته جرایم دیرکردی که عمدتاً مبالغ قابل توجهی هستند را هم به سیستم بانکی پرداخت کرده‌اند.

وزارت نیرو بدون همراهی و مشارکت بخش خصوصی قادر به تامین برق مورد نیاز کشور نیست، بنابراین لازم است که در همه تصمیم‌سازی‌هایش منافع مشروع و به‌حق این بخش را هم در کنار منفعت خود ببیند

آن‌ها موظف به پرداخت جرایم دیرکرد هستند اما وزارت نیرو با وجود تاخیر چند ساله‌اش هیچ اجبار و الزامی برای پرداخت خسارت دیرکرد به این نیروگاه‌ها حس نمی‌کند. در صورتی که بر اساس ماده ۲۲۸ قانون مدنی و ماده ۳۰۴ قانون تجارت، پرداخت این خسارت که از بابت دیرکرد پرداخت وجه نقد از طرف مدیون باید به داین داده شود، الزامی است. بر مبنای این قانون همه نهادها از جمله بانک‌ها، بیمه و مالیات اجازه دارند بلافاصله خسارات دیرکرد را برای فعالین اقتصادی محاسبه و از آن‌ها دریافت کنند. البته در این خصوص مقرراتی هم برای وزارت نیرو وجود داشته است، به عنوان مثال، هیات تنظیم بازار برق در بند ۱ مصوبه ۱۸۹، پرداخت خسارت دیرکرد را به تصویب رسانده اما همین مصوبه در جلسه ۲۶۳ این هیات با سمت‌گیری به سوی منافع وزارت نیرو ملغی شده است.

هیات تنظیم بازار برق که به نوعی می‌بایست نقش نهادی رگولاتوری مستقل را برای تدوین قوانین بازار برق ایفا کند، در دوره‌های قبلی به دلیل وابستگی مشخص به ساختار وزارت نیرو به سادگی فعالان بخش خصوصی را از حق مسلم خود محروم و اخذ خسارت دیرکرد را در قبال خریدار بدقول و بی‌پولی مانند وزارت نیرو

تکلیف قیمت خرید برق از نیروگاه اتمی روشن شد

نیروگاه‌های خصوصی

هم‌چنان بلا تکلیف

می‌کند. البته این وزارتخانه هم به دلیل دریافت نکردن مابه‌التفاوت قیمت تکلیفی و تمام‌شده برق، یک بازنده تمام عیار در معاملات این کالای استراتژیک محسوب می‌شود؛ این وزارتخانه، امروز نهاد بدهکاری است که مطالباتی چند ده هزار میلیارد تومانی از دولت دارد. این در حالی است که چنین وضعیتی تا زمانی که مابه‌التفاوت پرداخت می‌شد وجود نداشته و وزارت نیرو در گذشته ده‌های بسیار درخشان و منضبط مالی را تجربه کرده است.

این ساختار غیر شفاف که قیمت‌گذاری در آن بدون نظارت یک نهاد تنظیم‌گر مستقل انجام می‌شود، عواقب گسترده و زیان‌باری برای تولیدکنندگان برق در پی داشته که انباشت مطالبات چند هزار میلیارد تومانی آن‌ها تنها بخشی از این چالش‌ها است. اما مشکل این شرکت‌ها فقط تاخیر وزارت نیرو در پرداخت مطالبات معوقشان نیست، مساله اینجا است که قیمت تعیین‌شده برای خرید برق از نیروگاه‌های خصوصی هم به یک چالش عمده برای آن‌ها تبدیل شده است.

هر چند صنعت تولید برق مانند تمام فعالیت‌های تولیدی آسیب‌های ناشی از افزایش ناگهانی نرخ ارز را تجربه کرده، اما نه تنها با افزایش قیمت محصول خود به منظور پوشش هزینه‌های بالاتر تولیدی روبرو نبوده، بلکه افت شدید قیمت را نیز

در تمام دنیا خرید و فروش هر کالایی در یک ساختار اقتصادی و بر اساس فاکتورهای سود و زیان معینی صورت می‌گیرد که در نهایت شمایل کلی بازار را تعیین کرده و مزیت اقتصادی یک معامله را مشخص می‌کند.

در صنعت برق ایران اما این قواعد به سادگی نادیده انگاشته می‌شوند. اولین و مهمترین دلیل این ساختار شکنی این است که صنعت برق، کالایی تولید می‌کند که از دید مشتریان، یک خدمت عمومی محسوب می‌شود و بالا رفتن قیمت آن به مثابه کاهش کیفیت خدمات رفاهی دولت‌ها خواهد بود.

آن روی سکه اما تولیدکنندگان این کالا، یعنی شرکت‌هایی هستند که ناگزیرند کاملاً مطابق با قواعد اقتصادی و در چارچوب روشن بازار با فاکتورهای سود و زیان فعالیت کنند. برق با یک قیمت تمام‌شده معین تولید و با قیمت تکلیفی، به مشترکین عرضه می‌شود و دولت موظف به پرداخت مابه‌التفاوت نرخ تکلیفی و قیمت تمام‌شده است.

بنابراین دولت مهم‌ترین واسطه بین مشترکین و تولیدکنندگان برق است. در نبود نهاد رگولاتوری مستقل از دولت و بخش خصوصی، وزارت نیرو ارگانی است که قواعد بازار برق را تعیین، قیمت خرید برق را مشخص و آن را به مشترکین عرضه



تعیین قیمت منصفانه برای خرید برق از نیروگاههای بخش خصوصی، تسویه حساب به موقع با آن‌ها و ایجاد نهاد تنظیم‌گر مستقل برای بازار برق خواسته‌های منطقی بخش خصوصی است

نیروگاهها است که سازوکار آن از طریق قراردادهای خرید تضمینی یا بازار برق انجام می‌گیرد. لذا خارج کردن یک نیروگاه از فروش رقابتی در بازار برق و پرداخت قیمت ثابت و تسویه حساب ماهانه با آن، باعث کاهش درآمد دیگر نیروگاهها خواهد شد و عملاً تبعیض در فروش برق بین نیروگاههای دولتی و خصوصی خواهد بود و با توجه به فروش بالاتر، عملاً زیان پیش‌بینی‌شده در جدول تبصره ۱۴ بیشتر خواهد شد که این مورد به گفته یکی از مدیران عامل شرکت‌های عضو سندیکا می‌تواند در هیات بررسی و تطبیق مصوبات دولت با قوانین پی‌گیری شود.

این سطح از تبعیض بین تولیدکنندگان حدود ۶۰ درصد از برق مصرفی کشور با نیروگاهی که ظرفیت نامی‌اش به ۱۰۲۰ مگاوات می‌رسد، باید دلایل قاطع و روشنی داشته باشد. این که نیروگاه اتمی ظرفیت یک دهه آینده می‌تواند ظرفیت تولید خود را تا مرز ۲ هزار مگاوات افزایش دهد، دلیل چندان موجهی برای تبعیضی در این سطح نیست. در حالی که در صورت برخورداری بخش خصوصی از حمایت‌های حداقلی معقول و فراهم‌آمدن زمینه‌های ورود سرمایه‌گذاری جدید در بخش تولید نه تنها امکان تامین نیاز داخلی توسط نیروگاه‌های غیر دولتی فراهم می‌آید، بلکه احتمال افزایش صادرات برق کشور نیز وجود خواهد داشت.

آیین‌نامه اجرایی تبصره ۱۴ ماده واحده قانون بودجه سال ۱۳۹۸ کل کشور، علاوه بر این که تکلیف سهم عوارض شهرداری‌ها از درآمدهای وزارتخانه‌های نفت و نیرو و همچنین قیمت سوخت پتروشیمی‌ها و نیروگاهها را تعیین کرد، به درستی نشان داد که هنوز هم بخش خصوصی اولویت تصمیم‌سازی‌های دولت نیست.

تعیین قیمت منصفانه برای خرید برق از نیروگاه‌های بخش خصوصی، تسویه حساب به موقع با آن‌ها و ایجاد نهاد تنظیم‌گر مستقل بازار برای تعیین ساختارهای عادلانه و مستقل در خرید، فروش و قیمت‌گذاری برق خواسته‌های منطقی بخش خصوصی است. قطعاً وقتی دولت قادر است در قالب یک آیین‌نامه اجرایی با این صراحت تکلیف یک نیروگاه را مشخص کند، می‌تواند برای نزدیک به ۱۱۳ نیروگاه بخش خصوصی (۵۸ نیروگاه حرارتی و مابقی، نیروگاه‌های تجدیدپذیر این بخش هستند) که هرگز به دنبال رانت یا فرصت‌جویی نبوده‌اند، نیز همین اقدام را در ابعادی گسترده‌تر انجام دهد.

در بهار ۱۳۹۸ به نسبت فصل مشابه در سال ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۷ تجربه کرده است. این امر در نموداری که به مقایسه قیمت متوسط موزون بازار برق در سال‌های ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۸ می‌پردازد (مندرج در صفحه ۱۴ این نشریه)، مشهود است.

در شکل‌گیری این روند دور از انتظار، تصمیمات بالادستی خصوصاً در هیات تنظیم بازار برق به عنوان مرجع حکومتی ناظر بر بازار برق و نگهبان رعایت اصول انصاف و عدالت در بازار بسیار حائز اهمیت است.

به این ترتیب در شرایطی که تمام سیاست‌های کلان اقتصادی به تضعیف سرمایه‌گذاران بخش خصوصی در طول یک دهه اخیر دامن زده است، وزارت نیرو و در راس آن نهاد تنظیم بازار برق هم در تصمیم‌سازی‌ها و قیمت‌گذاری‌های خود، ضربه کاری‌تری به آن‌ها وارد می‌کند.

در همین حین هیات وزیران نیز در جلسه‌ای که اواسط تیر ماه سال جاری برگزار شد، به پیشنهاد وزارت نیرو و سازمان برنامه و بودجه کشور، آیین‌نامه اجرایی تبصره ۱۴ ماده واحده قانون بودجه سال ۹۸ کل کشور را به استناد بند (ب) این تبصره مصوب کرد. فارغ از همه آنچه که در این آیین‌نامه به تصویب رسیده است، بند (پ) ماده ۲ این آیین‌نامه بسیار قابل‌توجه به نظر می‌رسد. بر اساس این بند وزارت نیرو موظف شده از طریق شرکت‌های تابعه خود برق نیروگاه اتمی بوشهر را به طور متوسط معادل یک هزار ریال به ازای هر کیلووات ساعت خریداری و به صورت ماهانه با نیروگاه مذکور تسویه کند.

فارغ از همه نقصان‌های این بند قانونی، نکته حائز اهمیت این است که در شرایطی تصمیم‌گیری و قیمت‌گذاری برای خرید برق تولیدی از نیروگاه اتمی بوشهر شفاف، سریع و صریح انجام شده که هنوز قیمت خرید برق از نیروگاه‌های خصوصی که حداقل ۲۳ برابر نیروگاه اتمی بوشهر برق تولید می‌کنند، نامشخص باقی مانده است.

مکلف شدن وزارت نیرو و شرکت‌های تابعه به تسویه حساب با نیروگاه اتمی ظرف مدت یک ماه هم البته شایان توجه است، آن هم در شرایطی که بدهی چند ده هزار میلیارد تومانی این وزارتخانه به بخش خصوصی تولیدکننده برق، تا اواخر سال گذشته تقریباً بلا تکلیف بود و در نهایت با اتکایی گسترده به تهاتر بیش از یک‌سوم آن تسویه شد. اینها همه در حالی است که ذیل تبصره ۱۴ قانون بودجه سال ۱۳۹۸ در بخش برق، جدولی از درآمدها و هزینه‌ها آمده که ردیف ۱۵ آن به خرید برق از

نگاه ویژه نگاه ویژه نگاه ویژه

بحران بدهی‌های ارزی نیروگاه‌ها

سه گفت‌وگو بر محور یک بحران

در جستجوی اعتماد از دست رفته



محمدعلی وحدتی، رئیس هیات‌مدیره سندیکا

نگذارید تولید برق به بن‌بست برسد



حسنعلی تقی‌زاده لنده، عضو هیات‌مدیره سندیکا

همه راه‌ها به کمبود نقدینگی ختم می‌شود!



عظیم اعتمادی، مدیرکل دفتر بودجه و منابع برق حرارتی

واقعیت آن است که شرایط بحرانی در یک صنعت، دولتی و غیر دولتی نمی‌شناسد، از این رو است که همه فعالان آن حوزه در چنین شرایطی بر آنند تا به راهکاری مشترک برسند. مساله‌ای به نام بدهی‌های ارزی نیروگاه‌ها نیز هر چند در ابتدا بخش خصوصی تولیدکننده برق را درگیر خود کرد اما پیامدهای آن چنان با سرعت در حال گسترش است که نیروگاه‌های دولتی را هم درگیر کرده و اطلاق لفظ «بحران» به آن دیگر چندان دور از ذهن نیست لذا برای رفع آن نیز ارائه راهکارهایی چندجانبه در کنار تلاش برای دستیابی به سازوکاری واحد برای پیاده‌کردن این راهکارها ضروری تلقی می‌شود. از این رو با محمدعلی وحدتی، رئیس و حسنعلی تقی‌زاده لنده، عضو هیات‌مدیره سندیکای شرکت‌های تولیدکننده برق و نیز عظیم اعتمادی، مدیرکل دفتر بودجه و منابع شرکت مادر تخصصی تولید نیروی برق حرارتی به طور مجزا اما با سوالاتی حول یک محور واحد، آنهم چاره‌اندیشی برای حل بحران بدهی ارزی نیروگاه‌ها به گفت‌وگو پرداخته‌ایم که در ادامه با مطالعه آن‌ها با موارد اشتراک و افتراق این نظرات آشنا خواهید شد:



در جستجوی اعتماد از دست رفته

معضل بازپرداخت وام‌های ارزی و فرار سرمایه‌گذاری از حوزه نیروگاه‌ها

گفت‌وگو با محمدعلی وحدتی، رییس هیات‌مدیره سندیکا

این مصوبات اجرایی نمی‌شود و مبنای محاسبه برای سرمایه‌گذاران احداث نیروگاه‌ها، نرخ بازار ارز ثانویه اعلامی سامانه معاملات الکترونیکی ارز (ETS) در نظر گرفته شده است. از طرف دیگر چنانچه وزارت نیرو به موقع مطالبات نیروگاه‌ها را پرداخت می‌کرد آن‌ها می‌توانستند با آن مبلغ بخشی از بدهی‌های خود را به صندوق پرداخت کنند، اما این تاخیر در پرداخت به همراه تغییرات نرخ ارز، باعث شده است پولی که زمانی می‌توانست سه قسط صندوق توسعه ملی را پوشش دهد امروز به سختی کفاف پرداخت یک قسط آن را می‌دهد.

این موارد اجحاف بسیار سنگینی در حق سرمایه‌گذاران داخلی است که در اساسی‌ترین و زیرساختی‌ترین صنعت کشور سرمایه‌گذاری کرده‌اند. آیا با سرمایه‌گذاران خارجی هم به این شکل رفتار می‌شود؟! پرداخت پول برق سرمایه‌گذاران خارجی به صورت ارزی است و در نتیجه تغییرات نرخ ارز برای آن‌ها مشکلی ایجاد نمی‌کند اما سرمایه‌گذاران داخلی برق تولیدشده در نیروگاه‌های خود را به صورت ریالی می‌فروشند و قادر به تامین اعتبار لازم برای پرداخت تسهیلات به صورت ارزی نیستند.

اساسا دلایل بروز این مشکل چه بوده و چرا این مساله برای نیروگاه‌های غیر دولتی ابعاد بزرگی پیدا کرده است؟ آیا وزارت نیرو نیز برای حل این مسائل اقدامات و ریزنی‌هایی انجام داده است؟

متأسفانه وزارت نیرو قادر به پرداخت مطالبات نیست و بدون اینکه به مرجعی پاسخگو باشد از اجرای تعهدات خود شانه خالی می‌کند. نیروگاه‌ها هم حق شکایت دارند اما با توجه به شرایط کشور، تلاش دارند تا موضوع با توافق حل شود. البته طبق قانون بودجه سال ۹۷ فرصتی ایجاد شده بود تا کسانی که از دولت طلبکار و همزمان به بانک‌ها بدهکار هستند، بتوانند طلب و بدهی‌شان را تهاثر کنند. این موضوع بخشی

نیروگاه‌های بخش خصوصی در پرداخت بدهی‌های ارزی خود با چه مشکلاتی روبرو هستند؟ آیا آمار دقیقی از میزان تسهیلات دریافت‌شده توسط نیروگاه‌ها و وضعیت بازپرداخت اقساط وجود دارد؟

بر اساس اطلاعات استعلام‌شده از شرکت‌های عضو سندیکا، مجموع تسهیلات ارزی دریافت‌شده توسط ۱۸ نیروگاه غیر دولتی، ۴۵۶ میلیون دلار و ۳۳۱۷ میلیون یورو بوده که البته بخشی از آن تسویه شده، اما مبالغ زیادی نیز سود به آن تعلق گرفته است. به طوری که به استناد آمار موجود در دبیرخانه سندیکا، میزان کل بدهی‌های ارزی این نیروگاه‌ها به صندوق توسعه ملی در حال حاضر تقریباً ۴۸۵ میلیون دلار و ۲۴۹۱ میلیون یورو است.

احداث نیروگاه‌های بزرگ نیاز به سرمایه‌گذاری‌های کلان دارد به طوری که بانک‌ها توانایی تامین این حجم از سرمایه‌گذاری را ندارند و اعتبار لازم برای احداث این نیروگاه‌ها، از منابع صندوق توسعه ملی و با عاملیت بانک‌ها تامین می‌شود. در این مورد بانک عامل واسط بین صندوق توسعه ملی و سرمایه‌گذار است و اقساط را از سرمایه‌گذار دریافت و به صندوق وارپز می‌کند.

یکی از عواملی که پرداخت اقساط را برای سرمایه‌گذار سخت و گاهی غیرممکن کرده، این است که بازپرداخت اقساط به صندوق به صورت ارزی بوده، در حالی که مبنای وزارت نیرو در خرید برق تولیدی نیروگاه‌های بخش خصوصی ریال است. لذا با جهش ارزی و تغییرات نرخ ارز، این امر توجیه اقتصادی ندارد و سرمایه‌گذاران را با بحران روبرو کرده است.

در سال‌های گذشته بر اساس مصوبات شماره ۳۱۱۰۸/ت/۵۱۷۰۹ هـ مورخ ۱۳۹۴/۳/۱۲ و ۱۴۵۹۷۳/ت/۵۲۲۹۴ هـ مورخ ۱۳۹۴/۱۱/۱۰ هیات وزیران، بازپرداخت اقساط می‌بایست با نرخ رسمی انجام می‌شد. اما اکنون که نرخ ارز حدوداً سه برابر شده است



برخی مسئولان با طرح راهکارهایی به قول خودشان به دنبال «پانسمن» این مشکل هستند، اما باید توجه کنیم که این مشکل و استعاری این نوع شکستگی با پانسمن ساده قابل درمان نیست و باید چاره‌های منطقی برای آن اندیشید

نبوده اما باید توجه کنیم که سرمایه‌گذاران نیروگاه‌ها نیز مقصر نیستند و در این وضع گرفتار شده‌اند. لذا این‌گونه جهش‌های غیر قابل پیش‌بینی در نرخ ارز می‌تواند مصداق شرایط فورس‌ماژور در قراردادهای مالی در نظر گرفته شود. با افزایش نرخ ارز، قیمت‌ها در همه صنایع نیز بالا رفته است اما برقی که دولت از نیروگاه‌های بخش خصوصی می‌خرد، ۴ سال است که تغییر قیمت نداشته و ثابت بوده است. با این وضع، درآمد نیروگاه‌ها پاسخگوی هزینه‌ها و پرداخت اقساط آن‌ها نخواهد بود. از سوی دیگر در قراردادهای پیش‌بینی شده است که اگر اقساط پرداخت نشود، بانک‌ها می‌توانند نیروگاه را تصاحب کنند اما بانک‌ها هم این کار را نمی‌کنند چرا که تصاحب یک نیروگاه ورشکسته با بدهی ارزی سودی برایشان ندارد و آن‌ها را نیز در وضعیتی مشابه گرفتار خواهد کرد. بنابراین همراهی نظام بانکی نیز برای حل این معضل ضروری است.

از نظر شما این مساله در صورتی که مورد چاره‌اندیشی و اقدام جدی از سوی مسئولین امر قرار نگیرد موجب چه آسیب‌هایی در صنعت برق خصوصا در بخش تولید خواهد شد؟ سندیکا برای حل این مشکل تولیدکنندگان برق چه اقداماتی انجام داده است؟

آسیب اصلی، سلب اعتماد سرمایه‌گذاران حوزه نیروگاهی از دولت و تصمیمات آن است. اگر این اعتماد از بین برود دیگر هیچ سرمایه‌گذاری حاضر به سرمایه‌گذاری در این صنعت نخواهد بود. بدیهی است برای آنکه چنین مشکلاتی بروز نکند، باید مبنای نرخ ارز دریافتی و پرداخت تسهیلات یکی باشد؛ نمی‌شود تسهیلات ارزی گرفت و پرداخت ریالی داشت. این تناقض در شرایط اقتصادی امروز چالش‌های بزرگی ایجاد کرده است. خوشبختانه بر این نوع تسهیلات نظارت کاملی صورت می‌گیرد و با کنترل دقیق مشخص است که ریال به ریال آن در کجا هزینه شده است حتی خود وزارت نیرو در نیروگاه‌ها ناظر مستقر دارد که همه امور را بررسی کرده و ماهیانه گزارش تهیه می‌کنند لذا همه چیز شفاف است و فقط باید برای حل مشکلات آن راهکاری مشخص کرد.

سندیکای شرکت‌های تولیدکننده برق ایران نیز برای حل مشکل مکاتبات زیادی با وزارت نیرو داشته است و در حال پی‌گیری موضوع است. در این شرایط بحرانی، مرتباً به وزارت نیرو مراجعه داشته‌ایم و مسائل تولیدکنندگان برق را انعکاس داده‌ایم. پیش از آن نیز نامه‌نگاری‌های با ریاست‌جمهوری و معاون اول رییس‌جمهور انجام و همه مشکلات بازگو شده است. به هر حال با توجه به حجم منابع لازم برای احداث نیروگاه‌های حرارتی، مسائل و مشکلات آنان نیز خاص است و باید به صورت ویژه بررسی شود.

از بدهی صنعت برق را پوشش داد و بخشی از مشکلات مالکان نیروگاه‌های خصوصی را حل کرد. اما متأسفانه امکان تهاجر در بدهی‌هایی که منشا آن تسهیلات صندوق توسعه ملی باشد، فراهم نیست. لذا کسانی که از صندوق توسعه ملی وام دریافت کرده‌اند، نه می‌توانند قیمت برق تولیدی را از وزارت نیرو دریافت کنند و نه مجازند طلب خود را از دولت با بدهی خود به بانک بابت اقساط این وام‌ها، تهاجر کنند.

در دی ماه سال گذشته نام‌های مشترک از طرف وزیر نیرو و رییس هیات عامل صندوق توسعه ملی حاوی سه راهکار پیشنهادی برای معاون اقتصادی رییس‌جمهور ارسال شد تا در جلسه سران سه قوه مطرح شود. اما متأسفانه تاکنون این امر به نتیجه مشخصی نرسیده است. در آن نامه مواردی چون ابقای مصوبات قبلی در قالب اختصاص ارز با نرخ رسمی دولتی برای بازپرداخت وام‌های ارزی، افزایش تعرفه‌های برق متناسب با تغییرات نرخ ارز و نیز ایجاد ردیف متمرکزی در لویج بودجه سنواتی بابت جبران مابه‌التفاوت نرخ ارز، به عنوان راهکارهایی پیشنهادی برای برون‌رفت از مشکل مذکور به سران سه قوه پیشنهاد شده بود. اخیراً هم دکتر نهاوندیان، معاون اقتصادی رییس‌جمهور با طرح راهکارهایی به قول خودشان به دنبال «پانسمن» این مشکل هستند، اما باید توجه کنیم که این مشکل و استعاری این نوع شکستگی با پانسمن ساده قابل درمان نیست و باید چاره‌های منطقی برای آن اندیشید. البته این مشکل در صنایع دیگر به این شدت نیست چرا که نیروگاه‌های بخش خصوصی، برق تولیدی خود را فقط به وزارت نیرو و به ریال می‌فروشند که این محدودیت کارشان را بسیار سخت کرده است. اما صنعتی مانند پتروشیمی فروش ارزی دارد و با تغییرات ارز نیز می‌تواند اقساط خود را پرداخت کند.

متأسفانه همه مسیرهای پیش روی نیروگاه‌های بخش خصوصی برای عبور از بحران پرداخت بدهی‌های ارزی بسته شده است و مسئولان ذی‌ربط باید راهی پیدا کنند. آیا سرمایه‌گذارانی که با اعتماد به مصوبات دولت طرح بزرگ زیربنایی احداث نیروگاه‌ها را به سرانجام رساندند باید برای شرایطی که در ایجاد آن هیچ نقشی نداشتند، تحت فشار قرار بگیرند و تاوان بدهند؟ با این وضعیت دیگر هیچ سرمایه‌گذاری به خود جرات نمی‌دهد که در این حوزه وارد شود و دست به سرمایه‌گذاری‌های کلان بزند.

به مسئولیتی اشاره کردید که برای حل این مشکل بر عهده مسئولان ذی‌ربط است، مشخصاً انتظار شما از هر کدام از نهادهای حاکمیتی برای جلوگیری از تبدیل این مساله به بحرانی در صنعت تولید برق و در سطح ملی چیست؟

دولت باید با منطق برای حل این معضل سازوکار تعریف کند. شرایط پیش‌آمده قابل پیش‌بینی

نگذارید تولید برق به بن‌بست برسد

گفت‌وگو با حسنعلی تقی‌زاده لنده، عضو هیات‌مدیره سندیکا

گشایش LC صورت گرفته است. البته این نیروگاه هنوز در حال اخذ تسهیلات است و به مرحله بازپرداخت اقساط وارد نشده است.

با این حال مشکلاتی که در زمینه پرداخت بدهی‌های ارزی وجود داد، شفاف و روشن است، شاید نیروگاهی که تازه وارد مدار شده در حال حاضر قسطی پرداخت نکند اما بالاخره در مرحله بازپرداخت با مشکلات آن مواجه خواهد شد. علت اصلی مشکلات نیروگاه‌ها در پرداخت اقساط این است که درآمدشان ریالی است، اما تسهیلات صندوق باید به ارز بازپرداخت شود. با نوسانات نرخ ارز در سال ۹۷ و سه تا چهار برابر شدن نرخ ارز، کار نیروگاه‌ها در پرداخت اقساط ارزی صندوق توسعه سخت شده است. منطق حکم می‌کرد که با چند برابر شدن نرخ ارز، درآمد نیروگاه‌ها نیز به تناسب افزایش پیدا می‌کرد اما چنین نبوده است.

البته وزارت نیرو در این خصوص اقداماتی انجام داده است که بخشی از مسائل را برطرف کرده اما این اقدامات به طور صد درصدی مشکل مذکور را پوشش نمی‌دهد. یکی از این اقدامات، خرید تضمینی برق نیروگاه‌های دارای قرارداد ECA است که از ابتدای سال ۹۷ ارز مبنای ضریب تعدیل نرخ این نیروگاه، سامانه ETS تعیین شده است که این اقدام تا حدود ۷۰ درصد می‌تواند مشکل افزایش نرخ ارز را برای نیروگاه‌هایی که هنوز

با افزایش چندبرابری نرخ ارز چه مشکلاتی در خصوص نحوه بازپرداخت وام‌های صندوق توسعه ملی گریبان‌گیر نیروگاه‌های بخش خصوصی و تولیدکنندگان برق شده است؟ آیا در مجموعه تحت مدیریت شما هم این مشکل بروز کرده است؟

استفاده از منابع صندوق توسعه ملی فرصت خوبی در اختیار سرمایه‌گذاران حوزه‌های مختلف از جمله حوزه انرژی قرار داده، اما با توجه به جنس گرفتاری‌های اقتصادی امروز، نوسانات غیرقابل پیش‌بینی ارز و درآمدهای ریالی صنعت برق، این موضوع به چالشی جدی برای سرمایه‌گذاران تبدیل شده است.

در شرکت «مدیریت انرژی امید تابان هور» نیز چند نیروگاه از منابع صندوق توسعه ملی استفاده کردند: مثلاً برای احداث نیروگاه هریس با ظرفیت ۵۰۰ مگاوات، مبلغ ۲۳۵ میلیون یورو از منابع این صندوق استفاده شده است که تسهیلات به طور کامل اخذ و واحد گازی نیروگاه وارد مدار شده، اما هنوز به مرحله پرداخت اقساط نرسیده است. نیروگاه ۲۵ مگاواتی مقیاس کوچک کاسپین نیز ۹ میلیون یورو از صندوق توسعه ملی تسهیلات دریافت کرده و به تازگی وارد مدار شده است. نیروگاه ارومیه هم برای احداث ۳ واحد بخار به مبلغ ۳۵۰ میلیون دلار از منابع صندوق توسعه بهره برده که ۸۰ میلیون دلار به نفع شرکت مپنا



اگر وزارت نیرو و دولت با خوش‌فکری و در زمان کوتاه مشکلات نیروگاه‌ها را حل و فصل نکنند تمام نیروگاه‌هایی که از این تسهیلات استفاده کرده‌اند باید اعلام ورشکستگی کرده و نیروگاه‌های خود را تحویل بانک‌های عامل دهند

نیروگاه‌های خود را تحویل بانک‌های عامل دهند. وقتی وزارت نیرو و برق حرارتی نمی‌توانند مطالبات نیروگاه‌ها را پرداخت کنند امکان تهاتر بدهی با سازمان امور مالیاتی و سازمان خصوصی فراهم است؛ اما در مساله بدهی‌های ارزی و صندوق توسعه ملی چنین امکانی فراهم نیست و قوانین بالادستی چنین مجوزی نداده‌اند. در واقع با تغییر اساس‌نامه حساب ذخیره ارزی و تبدیل آن به صندوق توسعه ملی، منابع و اختیارات آن در دست دولت نیست که تهاتر برای آن قابل اجرا باشد. لذا برای رفع مشکل در این حوزه باید تمهیدات دیگری اندیشیده شود. قراردادهای ECA، پنج ساله تعریف شده است که در این مدت نیروگاه‌ها هزینه تامین سوخت نداشته و با توجه به خرید تضمینی برق درآمد مطمئنی دارند اما با توجه به سرمایه کلانی که صرف احداث نیروگاه‌ها می‌شود و نرخ ارزی که در حال نوسان قرار دارد، بهتر است زمان این قراردادها به ۷ یا ۸ سال افزایش پیدا کند.

بنده در جلسات با اعضای کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی تاکید کردم که متأسفانه وزارت نیرو و دولت راجع به تولیدکنندگان غیردولتی و خصوصی برق دچار نوعی بی‌حسی شده‌اند. این امر باعث می‌شود در آینده‌ای نه چندان دور، مملکت به چنان بن‌بستی در حوزه تولید انرژی برسد که دیگر با تزریق هیچ منبعی قابل جبران و برگشت نیست.

به جز قراردادهای ECA، بخش عمده‌ای از نیروگاه هزینه تامین سوخت دارند و انرژی خود را در بازار برق می‌فروشند، اینها نیز با مشکلات سختی روبرو شده‌اند چرا که متأسفانه از سال ۹۳ برخلاف قانون و با مصوبه غلط هیات تنظیم بازار برق، هیچ افزایشی در نرخ آمادگی نیروگاه‌ها رخ نداده است.

از طرف دیگر علاوه بر افزایش نرخ ارز، هزینه‌های پرسنلی، تعمیرات و نگهداری نیروگاه‌ها و مشخصاً هزینه اورهال آن‌ها با روندی صعودی روبرو بوده، در حالی که درآمد نیروگاه نه تنها افزایش نیافته بلکه کاهش هم پیدا کرده است، با این وصف به نامعادله‌ای بین درآمد و هزینه‌های نیروگاه‌ها می‌رسیم که قابل حل نیست. بنده ایمان دارم که اگر دولت و مجلس فکری به حال نرخ انرژی

در دوره قرارداد خرید تضمینی قرار دارند مرتفع کند. لذا ضریب تعدیلی که به قراردادهای ECA نمی‌تواند به صورت صددرصدی پاسخگوی این کمبودها باشد. بنابراین نیروگاه‌داران به وضوح از سال‌های ابتدایی فعالیت خود نیز شاهد شکاف بین درآمدها و اقساطی هستند که باید به ارز و با سود ارزی پرداخت شود.

دومین گرفتاری نیروگاه‌های بخش خصوصی این است که درآمدهای حاصل از محل قراردادهای خرید تضمینی برق، به موقع وصول نشده است و منجر به معوق شدن اقساط صندوق توسعه ملی می‌شود. البته این امر چند آسیب به همراه دارد: اول اینکه پرداخت نشدن به موقع اقساط صندوق منجر بر جریمه می‌شود؛ دوم اینکه ممکن است در این بازه زمانی نرخ ارز افزایش پیدا کند که این افزایش باعث عقب‌ماندگی نیروگاه‌ها در پرداخت اقساط می‌شود. فرض کنید یک نیروگاه در سال ۹۷ قبل از نوسانات ارز، مطالباتی از وزارت نیرو داشته است که در صورت وصول می‌توانست سه قسط خود را پرداخت کند، اما امروز با همان مبلغ فقط قادر به پرداخت یک قسط است. پس تاخیر در وصول مطالبات باعث ایجاد شکافی شده که معلوم نیست چگونه باید جبران شود.

البته خسارت تاخیر در تادیه در قراردادهای ECA لحاظ شده اما مبلغ حاصل از آن به میزانی نیست که بتواند جهش‌های ارزی را پوشش دهد. به عنوان مثال نیروگاه سیرجان برای دریافت خسارت تاخیر در تادیه با برق حرارتی وارد مذاکره شده است و با توجه به آنکه اصل موضوع در قرارداد قید شده، مورد پذیرش است. اما مبلغ پرداختی برای جبران این خسارت ۱۲ درصد در سال است که با توجه به نرخ ارز، پوشش چندانی ندارد.

حل نشدن مشکلات نیروگاه‌های بخش خصوصی و تولیدکنندگان برق چه تبعاتی برای این صنعت دارد؟ در دیدگاهی کلان‌تر بازپرداخت نشدن تسهیلات ارزی چه آسیبی به صندوق توسعه ملی و اقتصاد کشور وارد می‌آورد؟

اگر وزارت نیرو و دولت با خوش‌فکری و در زمان کوتاه مشکلات نیروگاه‌ها را حل و فصل نکنند تمام نیروگاه‌هایی که از این تسهیلات استفاده کرده‌اند باید اعلام ورشکستگی کرده و

برق نکنند و نرخ برق واقعی نشود، دور از ذهن نخواهد بود که سال‌های آینده در تامین برق مصرفی مردم و صنایع دچار مشکلاتی غیر قابل جبران شویم.

سندیکای شرکت‌های تولیدکننده برق در راستای وظیفه سازمانی خود به عنوان نماینده بخش خصوصی تولیدکننده برق، مشکلات را احصاء و اقدامات لازم را برای حل آن‌ها اولویت‌بندی کرده که هر کدام از مجرای خود در حال پی‌گیری است

ECA باید مورد بازنگری قرار گیرد. وزارت نیرو باید با نظارت دقیق صورت‌های مالی قراردادهای را بررسی و در صورت لزوم بر مدت قرارداد اضافه کند. دومین راهکار این است که جریمه‌ای که در این قراردادهای برای جبران تاخیر در پرداخت لحاظ شده است، متناسب با نرخ ارز باشد. در گام دیگر وزارت نیرو و شرکت مادر تخصصی تولید نیروی برق برق حرارتی باید با اشراف به این موضوع که منابع لازم برای پرداخت مطالبات ندارند، راهکاری برای تهاتر پیدا کنند.

صندوق توسعه ملی این امکان را برای سرمایه‌گذاران تعریف کرده است که از منابع ارزی برای تامین مالی پروژه‌های خود استفاده کنند، اما این امکان در صورتی می‌تواند به عنوان یک فرصت تلقی شود که درآمدها نیز ارزی و یا با تغییرات نرخ ارز متناسب باشد.

وزارت نیرو باید با تشکیل اتاق فکری از متخصصان برای روابط خود را با بخش خصوصی به درستی تنظیم کند. کما اینکه در قالب ایجاد نهاد رگولاتوری دنبال این موضوع هستیم.

سندیکای شرکت‌های تولیدکننده برق برای حل مشکل تولیدکنندگان برق با چه دستگاه‌هایی وارد مذاکره شده و تاکنون چه اقداماتی در این زمینه انجام داده است؟

سندیکای شرکت‌های تولیدکننده برق در راستای وظیفه سازمانی خود به عنوان نماینده بخش خصوصی تولیدکننده برق، مشکلات را احصاء و اقدامات لازم برای حل آن‌ها را اولویت‌بندی کرده که هر کدام از مجرای خود در حال پیگیری است. در خصوص افزایش نرخ بازار برق جلسات زیادی با مسئولان وزارت نیرو برگزار شده و مکاتبات لازم صورت گرفته است. خوشبختانه در این حوزه با وزارت نیرو و دستگاه‌های ذی‌ربط هم‌صدا شده‌ایم و بنا شده است نرخ بازار برق افزایش پیدا کند. در آخرین جلسه بین سندیکا و وزارت نیرو نیز با همه اختلافات بر سر نرخ توافق شده است. این نرخ در صورتی که در هیات تنظیم بازار برق نیز مورد موافقت قرار گیرد نهایتاً از سوی وزیر ابلاغ خواهد شد. سندیکا در زمینه بدهی‌های ارزی نیز همچنان پی‌گیری‌های ممکن را انجام می‌دهد اما نهایتاً همه این راهکارها و به ثمر رسیدن آن مستلزم اصلاح نرخ بازار برق است.

علاوه بر این با فراهم نشدن امکان ورود بخش خصوصی به عرصه صادرات برق، عملاً راه ایجاد درآمد ارزی نیز برای فعالان این حوزه بسته مانده است. با این حال، در نبود امکان صادرات برق توسط نیروگاه‌های غیر دولتی، اخیراً فرصت ویژه‌ای به نام ارزهای دیجیتال و به خصوص بیت‌کوین برای این بخش ایجاد شده است. هنر دولت و بخش خصوصی این است که با مزیت‌های نسبی موجود در کشور، از این فرصت استفاده حداکثری کنند. سوخت ارزان و بهای تمام شده پایین برق نسبت به همسایگان از مزیت‌هایی هستند که در این حوزه باید مورد استفاده قرار گیرند. هر چند شاید در روزهای گرم تابستان که در اوج مصرف قرار داریم استخراج بیت‌کوین توجیه اقتصادی نداشته باشد، اما در فصل زمستان به دلیل کاهش مصرف، با مازاد ظرفیت تولید مواجهیم و می‌توان با ایجاد سازوکارهای مناسب از این ظرفیت بهره برد. متأسفانه نگاه کلانی به موضوع ارزهای دیجیتال وجود ندارد، در حالی که اگر این امر برای تولیدکننده خصوصی توجیه اقتصادی داشته باشد می‌تواند برای آینده صنعت برق مفید باشد. به نوعی، استقبال استخراج‌کنندگان ارزهای دیجیتال و بیت‌کوین از فعالیت در ایران، از حیث درآمدزایی فرصتی مشابه صادرات برق را برای نیروگاه‌داران فراهم می‌آورد.

به نظر شما با چه راهکارهایی می‌توان معضل بدهی‌های ارزی را حل کرد و برای این کار چه اولویت‌هایی در نظر گرفته شده است؟
اولین نکته این است که مدت زمان قراردادهای

همه راه‌ها به کمبود نقدینگی ختم می‌شود!

گفت‌وگو با عظیم اعتمادی
مدیرکل دفتر بودجه و منابع شرکت مادر تخصصی تولید نیروی برق حرارتی



صنعت برق از دلایل اصلی این وضعیت محسوب می‌شود. لازم به ذکر است، بخشی از درآمدهای صنعت برق در قالب مابه‌التفاوت قیمت تکلیفی و قیمت تمام‌شده، جزء دیون وزارت نیرو به حساب می‌آید. این مهم نیز باعث کاهش قابل توجه نقدینگی صنعت برق و افزایش مطالبات بازیگران در این صنعت می‌شود، هر چند که اخیراً از محل این مابه‌التفاوت بخشی از دیون سرمایه‌گذاران در قالب اسناد تسویه خزانه نوع اول و نوع دوم در حال تهاتر است.

ذکر این نکته نیز ضروری است که مقایسه صنایع مختلف با حوزه نیروگاهی به نظر، قیاسی مع‌الفارق است. زیرا قیمت محصولات تولیدی غالب صنایع متناسب با تورم و تغییرات نرخ ارز افزایش می‌یابد، اما برخی ویژگی‌های حوزه نیروگاهی، از جمله تبعیت نکردن میزان سقف نرخ بازار از روندی منطقی و افزایش نیافتن آن از تاریخ ۹۴/۱/۱ تا کنون، باعث شده که فشار مضاعفی به حوزه تولید برق کشور وارد شود.

راهکار پیشنهادی شما برای برون‌رفت از این چالش و جلوگیری از تبدیل آن به بحرانی فراگیر در شرکت‌های تولیدکننده برق چیست؟ آیا تاکنون وزارت نیرو قدمی برای کمک به حل این مشکل برداشته است؟

بدهی است برای گریز از این مسائل و جلوگیری

گفته می‌شود بخش تولید برق در خصوص بازپرداخت تسهیلات ارزی دریافت‌شده از صندوق توسعه ملی با مشکلات عدیده‌ای روبرو است. علت ابعاد بزرگتر این معضل برای این صنعت چیست؟

ذکر این نکته ضروری است که تغییرات نرخ ارز بیش از همه در عملکرد مالی و اقتصادی صنایعی، اختلال ایجاد می‌کند که در بُعد تامین تجهیزات و مواد اولیه وابستگی ارزی بیشتری دارند. بنابراین صنایعی که محصولات آن‌ها صادراتی است، کمترین مشکل و صنایعی که وابستگی ارزی داشته ولی محصولات آن‌ها ریالی خریداری می‌شود، با معضلات زیادی مواجه می‌شود. این معضل زمانی پیچیده و سخت‌تر می‌شود که قیمت‌گذاری محصولات آن نیز توسط حاکمیت و به صورت دستوری تعیین شود.

حال در حوزه نیروگاهی یکی از مباحث مهم و تاثیرگذار در مناسبات مالی، موضوع کمبود نقدینگی و عدم افزایش متناسب سقف قیمت در بازار عمده‌فروشی است. این امر نقش مهمی در ایفای به‌موقع تعهدات و دیون حوزه نیروگاهی توسط سرمایه‌گذارانی دارد که به سیستم بانکی کشور، صندوق توسعه ملی و حتی سهامداران بدهکارند. البته این بدهکاری خود ناشی از وابستگی آن‌ها به منابع حاصل از فروش برق به مشترکین است و متوازن نبودن درآمدها و هزینه‌های

**بخشی از
درآمدهای صنعت برق
در قالب مابه‌التفاوت
قیمت تکلیفی و
قیمت تمام‌شده، جزء
دیون وزارت نیرو
به حساب می‌آید**

۵ ساله برای خرید آمادگی و انرژی و دیگری ۸ ساله برای خرید آمادگی فراهم بوده و قراردادهایی هم منعقد شده است. اما عملاً با توجه به پایان زمان هر دو برنامه و قراردادهای منعقد، به نظر می‌آید افزایش سقف خرید انرژی قابلیت اجرایی نداشته باشد.

این در حالی است که طی برنامه ششم توسعه و مشخصاً بر اساس دستورالعمل بند «ت» ماده (۴۸)، در قراردادهای خرید تضمینی برق به روش BOO حداکثر مدت قرارداد ۷ سال و حداکثر زمان تعدیل این نوع قراردادها ۱۲ سال اعلام شده است. همچنین برای قراردادهای BOT، حداکثر مدت ۱۵ و حداکثر زمان تعدیل این نوع قراردادها ۲۰ سال در نظر گرفته شده است. با این حال به نظر اینجانب افزایش دوره خرید تضمینی برق نیز مشکل کلان نقدینگی صنعت برق را حل و فصل نخواهد کرد.

شرکت مادر تخصصی تولید نیروی برق حرارتی به عنوان متولی تولید برق کشور در صورت حل نشدن این مساله، با چه مشکلاتی روبرو خواهد شد؟

شرکت تولید نیروی برق حرارتی، هم به عنوان یک تولیدکننده برق، همچون تولیدکنندگان بخش خصوصی و غیردولتی درگیر مسائل و مشکلات کمبود نقدینگی در صنعت برق است. این کمبود نقدینگی، تاخیر در تامین قطعات یدکی و مصرفی نیروگاه‌ها، تاخیر در پرداخت مطالبات تامین‌کنندگان، تولیدکنندگان، بخشی از مطالبات کارکنان و از همه مهمتر پرداخت اقساط و بدهی‌های بانکی را (به خصوص بانک مرکزی به دلیل بدهی‌های ایجاد شده ناشی از تعهدات ماده (۶۲) قانون محاسبات عمومی) باعث می‌شود. بنابراین که ارقام قابل توجه و بسیار سنگینی در حال حاضر به عنوان اصل و فرع دیون برق حرارتی شناسایی شده و در صورت پرداخت نشدن به موقع آن، هر روز بر حجم این دیون افزوده می‌شود.

از چالش‌های آتی، باید نقشه راه صنعت برق حداقل با استفاده از ظرفیت قوانین و مقررات موجود بازنگری شود.

به نظر می‌رسد با ابلاغ ماده ۶ دستورالعمل تعیین نرخ خرید تضمینی برق، موضوع مصوبه شماره ۷۵۷۷۳۷ مورخ ۹۷/۱۲/۲۸ شورای محترم اقتصاد، چاره‌اندیشی لازم در این زمینه از سوی مسئولین امر صورت گرفته است و ان‌شاءالله با تدبیر ویژه وزارت نیرو و اعضای جدید هیات تنظیم بازار برق اقدامی شایسته انجام خواهد شد. با تدوین و ابلاغ آیین‌نامه اجرایی این ماده از دستورالعمل مذکور، می‌توان بخش زیادی از مشکلات یادشده را در بخش اعتباری حل و فصل کرد.

با این حال مشکل نقدینگی همچنان پابرجا است، زیرا این افزایش‌ها در سقف نرخ بازار باعث افزایش مابه‌التفاوت خواهد شد، ولی مشکل نقدینگی به عنوان یک بحث بسیار مهم همچنان به قوت خود باقی خواهد ماند. برای حل این مشکل به نظر اینجانب شاید چاره‌ای جز افزایش تعرفه‌ها و خروج دولت از نرخ‌های تکلیفی در قالب ماده ۳۹ قانون برنامه ششم توسعه میسر نباشد. بنابراین راهکار اساسی و پایدار را برای برون‌رفت از این مشکل، واقعی کردن تعرفه‌ها می‌دانم.

جناب اعتمادی تا اینجا به نظر می‌آید که از منظر بازار برق به ارائه نظر و راهکار پرداخته‌اید. اما یکی از راهکارهایی که توسط بخش خصوصی برای حل بخشی از مشکل بازپرداخت وام‌های ارزی صندوق توسعه ملی پیشنهاد می‌شود، افزایش مدت زمان قرارداد خرید تضمینی است، از نظر شما این امر اساساً تا چه حد قابل تحقق بوده و تا چه میزان می‌توان برای حل این مشکل به آن اتکا کرد؟

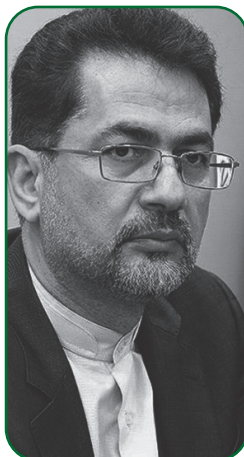
همان‌گونه که مستحضرید طی برنامه چهارم توسعه امکان تعیین مدت قرارداد با توجه به کاهش‌هایی که در نرخ اعمال می‌شد فراهم بود، اما در برنامه پنجم توسعه ۲ مدل ثابت: یکی

متمم بودجه

آخرین شانس تسویه بدهی‌های ارزی

گفت‌وگو با سیدحسن حسینی‌شاهرودی، سخنگوی کمیسیون اقتصادی مجلس

در سال‌های اخیر جهش نرخ ارز و همچنین کمبود نقدینگی در شرکت‌های تولیدکننده برق، این شرکت‌ها را برای بازپرداخت تسهیلات ارزی دریافتی از صندوق توسعه ملی با مشکلات جدی روبرو شده‌اند. از سوی دیگر بنا به مفاد قوانین بودجه سنواتی، از جمله مورد ۸-۲ بند «و» از تبصره (۵) قانون بودجه سال ۹۸، با توجه به تغییر پایه پولی، امکان تهاتر هم وجود ندارد. این در حالی است که کمبود نقدینگی در بخش تولید برق خود ناشی از پرداخت‌های دیر هنگام و غالباً غیرنقدی مطالبات این شرکت‌ها از سوی وزارت نیرو است. به بیانی تولیدکنندگان برق در موقعیتی ناگزیر و بدون راه‌گریز گرفتار آمده‌اند که به نظر می‌آید برای برون‌رفت از آن باید دست به نهادهای قانون‌گذار و در راس آن مجلس شورای اسلامی متوسل شد. بر این اساس گفت‌وگوی کوتاهی با یکی از ای‌نمایندگان داشته‌ایم تا راه‌چاره‌ای پیش پای فعالان این حوزه اقتصادی و صنعتی بگذارند:



این مشکل به شرکت‌های مبتلا به این معضل پیشنهاد می‌کنید؟

قطعا در کمیسیون‌های انرژی، صنایع و معادن و برنامه و بودجه مجلس نسبت به این موضوع رسیدگی خواهد شد و امیدواریم مجلس طرح مناسبی را برای حل مشکل شرکت‌های تولیدکننده برق ارائه کند.

ما در لایحه بودجه سنواتی هم از دولت درباره برخی مسایل کشور مطالباتی را داشته‌ایم اما محقق نشده است، زیرا این موضوع وابسته به توان، درآمدها و اراده دولت است. باید در نظر داشت که اگر نیروگاه‌های غیر دولتی به دلیل مشکلات مالی و اقتصادی از این دست قادر به ادامه تولید برق نباشند، برق کشور به عنوان مقوله استراتژیک و ملی دستخوش مشکلات عظیمی خواهد شد. از سوی دیگر این شرکت‌ها امید دارند تا دولت درباره آن‌ها تعهدات خود را عملیاتی کند و نباید این امید را از بین برد.

با توجه به ممانعت قانونی موجود برای تهاتر بدهی‌های ارزی صنعتگران به صندوق توسعه ملی، نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی برای حل این مشکل چه راهکاری دارند؟

هنوز راهکاری در این مورد ارائه نشده است اما تنها راهکار آن تهاتر است و با توجه به متن بودجه سال ۹۸ مبنی بر اینکه امکان تهاتر وجود ندارد. لذا دولت باید در متمم بودجه خود این موضوع را پیش‌بینی کند و تهاتر را قرار دهد تا مشکل شرکت‌های تولیدکننده برق حل شود. ما قطعا با توجه به تغییراتی که در درآمدها و هزینه‌های ایجاد شده نیاز به متمم بودجه برای سال جاری خواهیم داشت و دولت می‌تواند در این متمم این مورد را در نظر بگیرد در غیر این صورت با مشکلات عدیده‌ای در شرکت‌های تولید برق مواجه خواهیم شد.

با توجه به این محدودیت و در صورتی که دولت در متمم بودجه به این موضوع اشاره‌ای نکند، شما به عنوان نماینده محترم مجلس شورای اسلامی چه راهکاری را براساس قوانین برای حل

در هم تنیدگی مطالبات معوق و بدهی های ارزی

گفت و گو با علی همتی مدیرعامل سابق شرکت تولید برق خوزستان غدیر

هر چند بحران ارزی سال ۹۷ بسیاری از معادلات مالی صناعی متأثر از ارز، چون تولید برق را بر هم زد و نیروگاه های بسیاری را با معضل بازپرداخت وام های ارزی روبرو کرد، اما اگر این رویداد ناخوشایند اقتصادی در بستری عاقلانه تر رخ می داد، راه برون رفت از مشکلات ناشی از آن به ناهمواری امروز نبود. علی همتی مدیرعامل سابق شرکت تولید برق خوزستان غدیر یکی از این مهمترین بسترهای بروز چنین معضلی را پرداخت نشدن به موقع مطالبات شرکت های تولیدکننده برق ذکر می کند. توضیح وی در این رابطه را در

گفت و گویی کوتاه خواهید خواند:

دیرکرد زیادی در دریافت مطالبات خود مواجه اند. این تعویق در پرداخت تا حدی است که مثلا مطالبات نیروگاه بهبهان با وجود دارا بودن قرارداد ECA، طی دو سال ابتدایی که به فروش برق پرداخته به حدود ۲۸۰ میلیارد تومان رسیده است. این در حالی است که این نیروگاه از تیر ماه ۹۷ با راه اندازی فاز بخار نیروگاه، به صورت سیکل ترکیبی وارد مدار شده است و در مجموع به عنوان یک نیروگاه تازه تاسیس شناخته می شود. در مقابل، موعد تسویه وام های این نیروگاه با اقساطی کمرشکن فرا رسیده است، بدون آنکه نقدینگی کافی برای پرداخت آن وجود داشته باشد. چرا که در زمان دریافت این وام ها از صندوق توسعه ملی، نرخ متوسط یورو ۳۳۰۰ تومان بوده است، اما هم اکنون مبالغ این وام های ارزی با افزایشی یکباره مواجه شده است. به طوری که بنا به اعلام بانک مرکزی نرخ ارز بر اساس نرخ ETS یا بین بانکی باید تسویه شود، با توجه به آنکه در حال حاضر این نرخ چیزی در حدود ۱۰ هزار تومان به ازای هر یورو است، می بایست بیش از سه برابر معادل ریالی وام دریافت شده را بازپرداخت کنیم.

حال با این نامعادله چگونه چرخ این صنعت می تواند بچرخد؟! شرکت تولید برق خوزستان غدیر با همه پی گیری ها، برای پرداخت مطالبات از محل فروش برق تولیدی خود در قرارداد ECA،

حضرتعالی به نمایندگی از طرف یکی از شرکت هایی که با مشکل بازپرداخت تسهیلات ارزی دریافت شده توسط صندوق توسعه ملی مواجه هستید، علاوه بر جهش های نرخ ارز ریشه بروز این مشکل را در چه مسائلی می دانید؟

هر چند جهش های ارزی در سال ۹۷ آسیب های فراوانی را به اقتصاد صنایع مختلف از جمله صنعت تولید برق وارد آورد، اما ریشه آسیب زایی این امر و اساسا عمده ترین مشکل بخش خصوصی تولیدکننده برق از نظر بنده بحث مطالبات انباشته فروش برق است. این مساله خود ناشی از عواملی چون قیمت نازل برق است به طوری که عملا این قیمت نسبت به تمام کالاهای ضروری و خدمات مشابهی چون مخابرات پایین تر بوده و طی سالیان متمادی نسبت به نرخ تورم و ... روند رو به افزایشی نداشته است.

این موضوع بارها از سوی سندیکا مطرح شده که برای مثال قیمت نان به عنوان یک کالای اساسی به مراتب بیشتر از قیمت برق رشد داشته است و همچنین خدماتی چون مخابرات و IT در مقایسه با برق، با وجود هزینه ای بسیار پایین تر برای تولید و تامین، نرخ های به مراتب بالاتری را در سبد مصرفی خانوار ایرانی به خود اختصاص می دهد.

علاوه بر آن، نیروگاه ها عملا بابت برقی که به دولت می فروشند وجهی دریافت نمی کنند و یا با



نیروگاهها عملا بابت برقی که به دولت می فروشند وجهی دریافت نمی کنند و با دیرکرد زیادی در دریافت مطالبات خود مواجه اند

تکمیل بخش‌های عمرانی و معماری نیروگاه دچار کمبود نقدینگی است و پرداخت‌هایی که از طرف برق حرارتی وجود دارد، حداکثر می‌تواند هزینه بهره‌برداری و نگهداری نیروگاه را کفاف دهد.

نرخ ارز ETS با ارز نیمایی چه میزان تفاوت دارد و از نظر میزان دسترسی کدام یک را مناسب‌تر می‌دانید؟

ETS یا «سامانه معاملات الکترونیکی ارز» در واقع نرخ ارز بین بانکی است که اشاره شد بنا به ابلاغیه بانک مرکزی به وزیر نیرو، از اواخر سال گذشته باید به عنوان نرخ ارز مبنای تعیین ضریب تعدیل درآمدها و قراردادهای سرمایه‌گذاری احداث نیروگاه‌ها در نظر گرفته شود. بر این اساس تبدیل یورو به ریال برای تسویه وام‌های ارزی با این نرخ انجام خواهد شد. گفتنی است نرخ ارز نیمایی مقداری پایین‌تر از ETS است و از طریق مراجعه به سایت بانک مرکزی قابل دستیابی است. اما ETS بین بانکی است و لذا برای بهره‌گیری نیاز است سامانه آن در شرکت برق حرارتی استقرار یابد تا صورت‌وضعیت‌ها و محاسبات را بر اساس آن انجام دهند.

عملاً در ۵ یا ۶ ماه گذشته به طور متوسط کمتر از ماهیانه ۲ الی ۳ میلیارد تومان دریافتی داشته است. در حالی که این شرکت ماهیانه بین ۲ تا ۲/۵ میلیارد تومان بابت قرارداد O&M ای که به صورت LTSA با شرکت مپنا دارد، باید پرداخت کند. در نتیجه برای ما هیچ نقدینگی برای پرداخت هزینه‌های مربوط به وام صندوق توسعه ملی باقی نمی‌ماند یا خدای نکرده در صورت بروز حادثه‌ای در نیروگاه، دیگر وجهی برای انجام تعمیرات متعاقب آن وجود نخواهد داشت. کما اینکه پروژه‌های توسعه‌ای و عمرانی نیروگاه نیز به علت کمبود نقدینگی با مشکل مواجه شده است؛ تا جایی که فاز ۲ نیروگاه که پیش‌بینی می‌شد با دریافت مجدد وام پیش برود تا بتوانیم ظرفیت فعلی نیروگاه را از ۵۰۰ مگاوات به ۱۰۰۰ مگاوات برسانیم، با توجه به تحریم‌ها و محدود شدن استفاده از منابع صندوق توسعه ملی در ساخت نیروگاه‌ها، در مرحله احداث «پاور بلاک» متوقف مانده است. در حالی که مشترکات نیروگاه نیز برای ارتقا توان تا ۱۰۰۰ مگاوات اجرایی شده است. نیروگاه بهبهان در فاز اول نیز به رغم آنکه با حداکثر توان اسمی وارد مدار شده است، برای



افق غبارآلود بازپرداخت وام‌های ارزی

موضوع بازپرداخت تسهیلات ارزی اخذشده توسط نیروگاه‌های غیر دولتی که این روزها با جهش نرخ ارز گره خورده، سررسید اقساط وام‌های صندوق ملی را برای برخی از شرکت‌های تولیدکننده برق بدل به مساله‌ای مهم کرده است که دیر یا زود کل یا بخش مهمی از اقتصاد بخش تولید برق را در سایه‌ای از تردید مضاعف و شاید حتی بحرانی لاینحل فرو می‌برد.

بر این اساس طی گفت‌وگویی اختصاصی با داریوش طهماسبی ضمن بررسی ریشه بروز این مشکل، به راهکارهای متعددی برای برون‌رفت از این شرایط نیز اشاره شده است. در بخش دوم از این گفت‌وگو نیز علاوه بر تبیین چرایی تغییر ماهیت حساب ذخیره ارزی به صندوق توسعه ملی، معاون مالی شرکت آربین‌ماه‌تاب‌گستر را در مورد اقدامات سندیکا برای گره‌گشایی از این مساله و انتظارات از مسئولین و نهادهای تصمیم‌گیرنده مورد پرسش قرار داده‌ایم که پاسخ‌های وی را در این زمینه خواهید خواند:

توسعه ملی» تغییر کرد که این صندوق نیز نقش عمده‌ای در تامین مالی پروژه‌ها داشته است. اما مشکل عمده‌ای که برای بازپرداخت وام‌های ارزی در حوزه صنعت برق و نیروگاه‌ها به وجود آمده، ناشی از درآمد ریالی حاصل از فروش برق تولیدی نیروگاه‌های غیر دولتی است، حال آنکه بازپرداخت این تسهیلات قاعدتاً می‌بایست به صورت ارزی صورت گیرد. به همین خاطر این گونه پروژه‌ها در ریسک نوسانات نرخ ارز قرار دارند. خصوصاً که معمولاً هر ساله تغییرات نرخ ارز و هر از گاه جهش‌های ارزی بزرگی در کشور رخ می‌دهد اما در مقابل درآمد حاصل از فروش برق طی سال‌ها تقریباً ثابت می‌ماند چرا که نرخ فروش برق رشد چندانی نداشته است، تا جایی

این روزها موضوع بازپرداخت تسهیلات ارزی وام‌های صندوق توسعه ملی بدل به یکی از مهمترین محورهای مورد بحث در جلساتی شده است که با بخش تولید برق در ارتباطند، لطفاً به عنوان فردی مطلع در این زمینه، در ابتدا سابقه و چرایی بروز این مشکل را ذکر بفرمایید.

تقریباً از سال‌های ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ بود که با شدت گرفتن تحریم‌ها، عملاً راه بر جذب فاینانس‌های خارجی نیز بسته شد. لذا در آن مقطع «حساب ذخیره ارزی» تامین‌کننده مالی قریب به ۹۰ درصد پروژه‌های نیروگاهی بود. این وام‌ها به صورت ارزی پرداخت می‌شد و بنا بود بازپرداخت آن نیز توسط نیروگاه‌ها به صورت ارزی صورت گیرد. پس از آنکه ماهیت این حساب در سال ۹۲ به «صندوق



گفت‌وگو با
داریوش طهماسبی
معاون مالی شرکت
آربین‌ماه‌تاب‌گستر

مشکل بزرگی را برای آنان رقم می‌زند. چرا که نیروگاه‌ها علاوه بر ثابت ماندن قیمت برق، با مطالبات معوق چند ساله نیز روبرو بوده‌اند که هر چند به واسطه تهاجر، حجم بالایی از این مطالبات ظاهراً تسویه شد است، اما در این مورد با توجه به تسری پیدا نکردن بحث تهاجر به وام‌های ارزی، عملاً تهاجر راهکار مناسبی محسوب نشده و بر کمبود نقدینگی این نیروگاه‌ها دامن زده است. ابعاد این مشکل خصوصاً با توجه به اتمام دوره تضمینی خرید برق از نیروگاه‌هایی که حوالی سال ۹۳ راه‌اندازی شده‌اند، بزرگتر هم می‌شود. چرا که با اتمام دوره قرارداد ECA و ورود به بازار برق، قیمت برق تولیدی این نیروگاه‌ها با افت شدیدی مواجه می‌شود. به طوری که این مبلغ از حدود ۱۰۰ الی ۱۲۰ تومان به ۴۰ تومان به ازای هر کیلووات ساعت خواهد رسید. ضمن آنکه هزینه سوخت نیز باید به شرکت گاز پرداخت شود.

علاوه بر این اگر پرداخت به این نیروگاه‌ها

که در ۴ الی ۵ سال گذشته قیمت برق به رغم رشد تورم و رشد قیمت ارز، با ثبات کامل قیمت تکلیفی روبرو بوده است.

لازم به ذکر است بازپرداخت وام‌هایی که در اواخر دهه ۸۰ و تا قبل از جهش ارزی سال ۹۱ از حساب ذخیره ارزی اخذ شده بودند، در موعد مقرر بنا به تایید دولت بر امکان‌پذیر نبودن بازپرداخت ارزی این وام‌ها توسط نیروگاه‌ها، در چارچوب قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور، از حالت ارزی به ریالی تبدیل شد. براین اساس وام‌های مزبور در آن برهه با نرخ ارز زمان گشایش اعتبار، به صورت اقساط ریالی مورد بازپرداخت قرار گرفت.

با راه‌اندازی صندوق توسعه ملی در سال ۹۲ و با توجه به تجربه‌ای که از محل حساب ذخیره ارزی وجود داشت، مقداری در مورد بازپرداخت تسهیلات ارزی سخت‌گیری بیشتری صورت گرفت، به طوری که از تمام اشخاص حقیقی یا حقوقی که درخواست وام ارزی داشتند تعهد گرفته شد که با علم به ارزی بودن بازپرداخت‌ها و به رغم امکان نوسانات ارزی آتی، مسئولیت اخذ این تسهیلات را برعهده گیرند. این تعهدات حتی محضری هم شد تا امکان سرپازردن وام‌گیرنده‌ها از بازپرداخت ارزی وجود نداشته باشد.

از سوی دیگر صندوق توسعه ملی در همان زمان نیز خصوصاً برای اعطای تسهیلات به پروژه‌های آب و برق به دلیل درآمد ریالی‌شان سخت‌گیری کرد و حتی در برهه‌ای مانع از آن شد. تا اینکه نهایتاً با پیگیری‌های وزارت نیرو، مصوبه‌ای توسط هیات وزیران صادر شد که بانک مرکزی را مکلف می‌کرد به دلیل ناهمخوانی درآمد ریالی پروژه‌های برق و آب با تسهیلات ارزی مورد درخواستشان، ارز مورد نیاز را با نرخ رسمی (مبادله‌ای) تامین کنند و با دریافت معادل ریالی آن از وام‌گیرنده در زمان بازپرداخت، این ارز را در اختیار صندوق توسعه ملی قرار دهد.

این رویه مورد پذیرش طرفین بود تا اینکه در سال گذشته سررسید بازپرداخت تسهیلات ارزی که توسط نیروگاه‌ها اخذ شده بود با جهش ارزی در سال ۹۷ هم‌زمان شد. به طوری که بانک مرکزی هم به دلیل محدودیت‌هایش در تامین ارز ۴۲۰۰ تومانی از تعهد خود سر باز زد.

در حال حاضر تمام وام‌گیرندگان ارزی مجبورند برای تسویه تسهیلات دریافتی، با نرخ آزاد به تامین ارز مورد نیازشان بپردازند که این امر

در همان مقطع فروش برق تولیدی آنها و یا با تاخیر کمتری صورت می‌گرفت، امکان خرید ارز با نرخ ۴۲۰۰ تومان وجود داشت. در حالی که اکنون امکان تهیه ارز با نرخ کمتر از ۱۱ یا ۱۲ هزار تومان وجود ندارد و حتی در صورت دریافت نقدی و کامل مطالبات، تعدادی معدود یا حداکثر یک‌سوم اقساط وام‌های ارزی این نیروگاه‌ها قابل پرداخت خواهد بود.

عملاً طرح‌های برق با این توصیف اساساً دیگر توجیه‌پذیر نیستند و در آینده نزدیک قطعاً با سه

**اگر پرداخت به این
نیروگاه‌ها در همان
مقطع فروش برق
تولیدی آنها و یا با
تاخیر کمتری صورت
می‌گرفت، امکان خرید
ارز با نرخ ۴۲۰۰ تومان
وجود داشت**

۵ ساله این تسهیلات، خرید برق توسط دولت به صورت ارزی صورت گیرد. ضمن آنکه به نظر من هیچ تفاوتی در این زمینه بین سرمایه‌گذار داخلی و خارجی وجود ندارد، چرا که میزان ارزی برای ساخت و یا تعمیرات و نگهداری نیروگاه‌ها در هر دو شیوه سرمایه‌گذاری یکسان است. بنابراین باید در غیاب امکان صادرات برق توسط بخش خصوصی، محلی برای کسب درآمد ارزی توسط نیروگاه‌ها تعریف شود تا سرمایه‌گذاران در معرض ریسک نوسانات نرخ ارز قرار نگیرند. اگر این امر امکان‌پذیر نیست، به هر حال باید به طریقی راهکاری اندیشیده شود که همزمان با افزایش قیمت ارز، درآمد این نیروگاه‌ها هم افزایش یابد تا بتوانند بدهی ارزی‌شان را پس بدهند. در غیر این صورت چنین معضلی انگیزه برای سرمایه‌گذاری در حوزه نیروگاه‌ها را کم می‌کند، زیرا اساساً توجیه اقتصادی آن از بین می‌رود.

بحث احیای حساب ذخیره ارزی را مطرح کردید، لطفاً توضیح بفرمایید که اساساً چرا این حساب تبدیل به صندوق شد و چرا مفاد اساسنامه آن حساب، برای صندوق توسعه ملی کاربردی نیست؟ یکی از دلایل اصلی این اقدام، تلاش برای ایجاد نهادی بود که استقلال بیشتری از دولت داشته باشد. چرا که به سبب مستقل نبودن حساب ذخیره ارزی، دست دولت برای برداشت از منابع آن باز بود و این مساله مشکلات و بی‌انضباطی‌های مالی را رغم می‌زد.

به هر حال باید به طریقی راهکاری اندیشیده شود که همزمان با افزایش قیمت ارز، درآمد این نیروگاه‌ها هم افزایش یابد تا بتوانند بدهی ارزی‌شان را پس بدهند.

با تعریف این نهاد به عنوان یک صندوق، عملاً به جای کنترل مستقیم دولت، هیات امنایی برای آن تعریف شده و لذا برداشت از آن توسط دولت، تنها با مجوز رهبری یا هیات امنای صندوق امکان‌پذیر است.

البته لازم به ذکر است هر چند هیات عامل صندوق توسعه ملی نیز با سندیکا در مشکل‌ساز بودن بازپرداخت‌های ارزی همراه بوده و همراهی رییس هیات عامل صندوق با وزیر نیرو در تهیه و امضای نامه مهمی در این خصوص تأییدکننده آن است، اما تصمیم‌گیری در این رابطه باید در سطوح بالای نظام و در جلسه سران سه قوه

چالش اساسی روبرو خواهیم بود: نخست آنکه شرکت‌ها قادر به بازپرداخت تسهیلات نیستند و در لیست بدهکاران کلان بانکی قرار می‌گیرند. این امر خود تبعاتی چون ممانعت از استفاده از وام یا هر گونه تسهیلات بانکی جدید و یا دریافت دسته چک بانکی برای شرکت‌های سرمایه‌گذار و سهام‌داران این شرکت‌ها به دنبال خواهد داشت. از سوی دیگر با توجه به آنکه مطالبات بانک‌های عامل، طرف حساب با این نیروگاه‌ها، در لیست مشکوک‌الوصول قرار می‌گیرد، ساختار مالی این بانک‌ها نیز آسیب می‌بیند و ابعاد این معضل به سیستم بانکی گسترش می‌یابد. ضمن آنکه منابع صندوق توسعه ملی نیز در این حالت قابل بازگشت نبوده و به خالی شدن این صندوق استراتژیک می‌انجامد. اینها مجموعه مسائلی است که قطعاً در آینده برای سرمایه‌گذاری حوزه نیروگاهی و بانک‌های عامل به وجود می‌آید.

راهکار پیشنهادی شما برای برون‌رفت از این چالش و جلوگیری از تبدیل آن به بحرانی فراگیر در شرکت‌های تولیدکننده برق چیست؟

من فکر می‌کنم این چالش باید با پیگیری و همکاری توأمان سندیکا، وزارت نیرو و کل حاکمیت در سطح سران قوای سه‌گانه حل و فصل شود. برای این منظور نیز راهکارهای مختلفی پیشنهاد شده است: یکی از این راه‌ها آن است که مشابه آنچه در سال ۹۱ در بستر حساب ذخیره ارزی انجام شد، بدهی‌ها به حالت ربالی تبدیل شود. همچنین اصلاح قیمت برق راهکار دیگری است که می‌تواند به منظور افزایش درآمد نیروگاه‌ها تا حد امکان بازپرداخت اقساط صورت گیرد. علاوه بر این به عنوان سومین راهکار محتمل پیشنهاد می‌شود دوره قرارداد ECA افزایش یابد تا در صورت اصلاح نشدن قیمت برق، نیروگاه‌ها حتی‌الامکان با افت شدید درآمد روبرو نشوند و بتوانند به بازپرداخت تسهیلات دریافتی‌شان بپردازند.

در هر صورت با توجه به کنترل دولتی قیمت آب و برق که آن هم بر اساس ملاحظات اجتماعی خاصی صورت می‌پذیرد، جبران مابه‌التفاوت این قیمت تکلیفی و قیمت تمام‌شده برق نیز بر عهده دولت است تا از این طریق سرمایه‌گذاران حوزه نیروگاهی به نوعی نسبت به نوسانات نرخ ارز مصون شوند.

برای این منظور پیشنهاد می‌شود طی بازپرداخت

با توجه به کنترل دولتی قیمت آب و برق، جبران مابه‌التفاوت قیمت تکلیفی و قیمت تمام‌شده برق بر عهده دولت است تا از این طریق سرمایه‌گذاران حوزه نیروگاهی نسبت به نوسانات نرخ ارز مصون شوند

مکاتبات و مذاکرات مختلفی که در این خصوص با نمایندگان مجلس یا مجموعه وزارت نیرو و دولت در حال انجام است، زمینه حل مشکل فراهم شود. چرا که قطعا سرمایه‌گذاران به تنهایی نمی‌توانند از عهده این موضوع برآیند.

به طور مشخص از هر کدام از نهادهای‌های حاکمیتی چه انتظاری می‌رود؟
من فکر کنم که مشکل اقتصاد صنعت برق امری است که در این چند ساله به همه بخش‌های مختلف دولت و مجلس منعکس شده و همه مسئولین می‌دانند که صنعت برق با چه مسائلی دست به گریبان است. خصوصا در حوزه نقدینگی، مشکلات بسیاری وجود دارد و حجم مطالبات شرکت‌های تولیدکننده برق خود نشان‌دهنده این موضوع است که با سازوکار موجود در قیمت‌گذاری و فروش برق، قطعا ادامه حیات برای این صنعت ناممکن خواهد بود. آنچه که ما برای برون‌رفت از این وضعیت

صورت گیرد و صندوق نمی‌تواند راسا وارد این موضوع شود. به هر حال بنا به مقررات موجود، تسهیلاتی به صورت ارزی اعطا شده و باید ارزی هم بازپرداخت شود.

به بحث تفاوتی که بین سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی نیروگاهی وجود دارد اشاره فرمودید. آیا در حال حاضر برق تولیدی در نیروگاه‌های احداثی توسط سرمایه‌گذاران خارجی به صورت ارزی خریداری می‌شود؟

در واقع طی این چند ساله اساسا سرمایه‌گذاری خارجی در حوزه تولید برق نداشته‌ایم. اما در بند الحاقی ۱ تبصره ۱۵ لایحه بودجه سال ۹۸، پیشنهادی بر اساس آنچه وزارت نیرو تهیه کرد بود در کمیسیون تلفیق مطرح و مصوب شد، مبنی بر آنکه سرمایه‌گذاران خارجی احداث‌کننده نیروگاه‌های حرارتی، علاوه بر دارا بودن مجوز صادرات ۵۰ درصد محصول تولیدی خود، در صورت داشتن قرارداد خرید تضمینی برق، از پرداخت تعرفه خرید تضمینی با نرخ ارز تاریخ انعقاد قرارداد بهره‌مند می‌شوند. البته مفاد این بند الحاقی به رغم مخالفت‌هایی از سوی سندیکا همچنان در بند ج تبصره ۱۵ قانون بودجه ۹۸ پابرجا مانده است و لذا قانون در این مورد به ترتیبی وضع شده است که ریسک سرمایه‌گذاران خارجی را در این حوزه به خوبی پوشش می‌دهد. این اقدام هر چند از حیث جذب سرمایه‌گذاری خارجی مثبت است اما از آنجا که چنین مزایایی برای سرمایه‌گذار داخلی پیش‌بینی نشده، تبعیض‌آمیز به نظر می‌آید.

سندیکا در این رابطه انجام چه اقداماتی را مد نظر دارد و آیا از نظر شما می‌تواند این شرایط را که می‌تواند به بحرانی بزرگ منجر شود مدیریت کند؟

در حال حاضر ۷ و شاید در آینده نزدیک تا ۱۰ نیروگاه غیر دولتی به واسطه دریافت تسهیلات ارزی از محل صندوق توسعه ملی، گرفتار مشکل بازپرداخت آن خواهند شد. سندیکا قطعا در رابطه با حل و فصل این مساله می‌تواند از طریق رایزنی با وزارت نیرو و دولت و نیز ارائه راهکارهای عملی در این خصوص، نقش مهمی ایفا کند. ضمن آنکه می‌توان با شفاف‌سازی موضوع برای سازمان‌ها و نهادهای مرتبط، این مشکل را به طریقی بدل به دغدغه‌ای فراگیر و اجتماعی کند. امید می‌رود با



انتظار داریم توجه کافی به اقتصاد صنعت برق است و برای این منظور باید مجموعه دولت و مجلس کمک کنند تا صنعت برق از بحرانی که گرفتارش است خارج شود، خواسته‌ها هم در این مسیر مشخص است. بالاخره سرمایه‌گذاری که وارد حوزه نیروگاهی می‌شود، باید بتواند با آرامش به صنعت استراتژیک تولید برق و پیچیدگی‌ها و حساسیت‌های فنی آن فکر کند. در حالی که با رویارویی با چنین چالش‌هایی قطعا ادامه روند تولید دشوار می‌شود.

چالش بدهی ارزی تولیدکنندگان برق از نگاه رسانه‌ها

در نشستی که روز چهارشنبه بیست‌وششم تیر ماه در محل اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران برگزار شد، مشکلات بازپرداخت تسهیلات ارزی دریافتی از صندوق توسعه ملی توسط تولیدکنندگان برق مورد بررسی قرار گرفت.

این نشست با دعوت سندیکای شرکت‌های تولیدکننده برق از نمایندگان انجمن‌های انرژی‌های تجدیدپذیر و تولیدکنندگان ترکیبی نیرو، حرارت و برودت ایران (CHP) برگزار و در پایان آن مقرر شد اهم مشکلات و راهکارهای ارائه‌شده، در قالب نامه‌ای با امضای هر سه تشکل مرتبط با تولید برق برای نهادهای مرتبط ارسال شود. در ادامه خلاصه‌ای از بازتاب این نشست را در خبرگزاری‌های ایرنا، ایسنا و تسنیم، در کنار خبری تکمیلی از روابط عمومی سندیکا خواهید خواند:

بحران بدهی‌های ارزی
نیروگاه‌ها

تولیدکنندگان برق تبدیل شده است. نرخ ارز پیرو جهش‌های اخیر، از ۳ هزار و ۷۰۰ تومان در سال ۱۳۹۶، به حدود ۱۲ هزار تومان در سال ۹۸ رسیده است و این جهش باعث افزایش هزینه‌های نیروگاه‌ها برای تعمیرات و سایر فعالیت‌های آنها شده است. اما وقتی روند قیمت بازار برق بررسی می‌شود این قیمت در بهار امسال نسبت به سال‌های گذشته کاهش داشته است.

دبیر کمیسیون‌های سندیکا با بیان اینکه قیمت یکی از مولفه‌های مهم در درآمدزایی نیروگاه‌ها است خاطرنشان ساخت: افزایش نرخ ارز اثر منفی بر درآمد آنها داشته به گونه‌ای که در بازپرداخت تسهیلاتی که دریافت کرده‌اند با مشکلات جدی مواجه شده‌اند.

وی گفت: ما با صنعتی روبه‌رو هستیم که از یک طرف از نوسان‌های نرخ ارز به شدت تاثیر می‌پذیرد و از طرف دیگر امکان انتقال افزایش هزینه‌های خود را به قیمت محصول خود ندارد.

پاشا ادامه داد: مجموع تسهیلات ارزی دریافتی توسط اعضای سندیکا حدود ۳ هزار و ۱۱۵ میلیون یورو به علاوه ۳۵۰ میلیون دلار است که با تبدیل ریالی نرخ امروز ارز چیزی حدود ۵۰۹ هزار میلیارد ریال می‌شود.

به گفته او این عوامل در نهایت سبب کاهش انگیزه سرمایه‌گذار در بخش تولید برق خواهد شد و یکی از دلایل آن کاهش نرخ بازگشت

ایرنا*:

گلایه تولیدکنندگان برق از نحوه بازپرداخت تسهیلات ارزی

مشکل بازپرداخت تسهیلات ارزی دریافتی از صندوق توسعه ملی توسط شرکت‌های تولیدکننده برق که خود متاثر از واقعی نبودن قیمت خرید برق نیروگاه‌های غیر دولتی توسط وزارت نیرو است، عرصه را چنان بر این تولیدکنندگان تنگ کرده است که حاضرند عطای کار را به لقایش ببخشند. تعداد کمی از نیروگاه‌های بخش خصوصی تولیدکننده برق موفق شدند از صندوق توسعه ملی تسهیلات ارزی دریافت کنند اما این شرکت‌ها، حال برای بازپرداخت وام‌های دریافتی خود با مشکلاتی مواجه شده‌اند. از طرف دیگر ثابت ماندن نرخ خرید برق از سوی وزارت نیرو مزید بر علت شده است، تا جایی که برخی از این تولیدکنندگان به دلیل نوسان نرخ ارز خسارت‌های زیادی متحمل شده‌اند.

این امر سبب شد آنها به دعوت سندیکای شرکت‌های تولیدکننده برق در محل اتاق بازرگانی ایران گرد هم جمع شوند تا راهکاری برای مشکلات خود بیابند.

معصومه پاشا، دبیر کمیسیون‌های سندیکای شرکت‌های تولیدکننده برق در ابتدای این نشست گفت: وضعیت بازپرداخت تسهیلات ارزی بعد از جهش نرخ ارز به یک معضل کلیدی در بین

اخذ تسهیلات ارزی اشاره کرد. وی با بیان این مطلب از مراجعه نکردن اغلب آن‌ها برای دریافت وام خبر داد و گفت: نام حدود ۲۵ نیروگاه خورشیدی و حدود ۱۸ نیروگاه CHP در فهرست درخواست‌دهندگان برای اخذ وام قرار داشت که از این تعداد، تنها معدودی برای اخذ تسهیلات از صندوق توسعه ملی مراجعه کرده‌اند.

این فعال بخش خصوصی برق ادامه داد: بانک مرکزی در روزی که می‌خواست ارز را تخصیص دهد اعلام کرده بود که نرخ ارز مبادله‌ای خواهد بود. در مصوبه دولت هم آمده است «در مواقعی که نرخ خرید برق بین تولیدکنندگان خصوصی برق با وزارت نیرو و شرکت‌های تابعه به صورت ریالی منعقد شود، به منظور بازپرداخت تسهیلات ارزی دریافتی این تولیدکنندگان از منابع صندوق توسعه ملی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی موظف است، براساس درخواست بانک عامل طرف قرارداد با صندوق یادشده، طبق جدول بازپرداخت تسهیلات مزبور، شرایط لازم را برای تبدیل ریال به ارز با نرخ رسمی (مبادله‌ای) مورد معامله فراهم نماید و پس از دریافت مبلغ ریالی هر قسط، معادل ارزی آن را به دلار آمریکا به حساب صندوق توسعه ملی واریز کند».

این فعال بخش خصوصی صنعت تولید برق با

سرمایه (IRR) طرح‌ها به خاطر افزایش نرخ ارز است که موجب عدم توجیه‌پذیری اقتصادی پروژه‌ها شده است. همچنین افزایش نیافتن قیمت بازار برق و بی‌ثباتی قوانین خرید برق در شرکت مدیریت شبکه برق ایران و ابلاغ قوانین جدید که در نتیجه آن شاهد کاهش درآمد نیروگاه‌ها هستیم، از دیگر عوامل افت انگیزه‌ها در سرمایه‌گذاری بخش تولید برق است.

پاشا گفت: این موضوع آثار بدی در تولید برق خواهد داشت و ادامه این روند موجب می‌شود سرمایه‌گذاران در این بخش جذب نشوند و در آینده با بحرانی جدی در تولید برق مواجه شویم. وی افزود: طبق برنامه پنجم توسعه می‌بایست سالانه ۵ هزار مگاوات ظرفیت نامی تولید افزایش داشته که تنها در سال ۱۳۸۹ این موضوع تقریباً ممکن شد و در بقیه سال‌ها کمتر بوده است. ادامه این روند موجب می‌شود در آینده با بحران خاموشی و نرسیدن به اهداف بالادستی مواجه شویم و هدف کشور در برنامه ششم توسعه برای تبدیل شدن به هاب انرژی منطقه محقق نشود. ابراهیم خوش‌گفتار که نایب‌رئیس هیات‌مدیره سندیکای شرکت‌های تولیدکننده برق را برعهده دارد به تهیه فهرستی از نیروگاه‌ها توسط وزارت نیرو و ارائه آن به صندوق توسعه ملی برای



خوش گفتار خواستار آن شد که دولت برای رفع مشکل سرمایه‌گذاری در بخش تولید برق کمک کند.

بنا به آنچه در این نشست مطرح شد، فعالان تولیدکننده برق معتقدند ادامه این روند مشکلات را دوچندان خواهد کرد و در آینده امکان افزایش مشکلات را به همراه خواهد داشت که خاموشی‌های مداوم یکی از پیامدهای آن است. مجموعاً مواردی چون تبدیل تسهیلات ارزی به ریالی با نرخ روز اخذ این تسهیلات، تغییر نرخ خرید برق و ۱۰ ساله شدن قراردادهای خرید تضمینی برق از راهکارهای پیشنهادی حاضرین در این نشست بود.

ایسنا*

وزارت نیرو می‌خواهد بخش خصوصی را از صنعت برق بیرون کند

اعضای تشکل‌های خصوصی تولیدکننده برق در نشستی در اتاق ایران ضمن اعلام اینکه وزارت نیرو رقیب این تشکل‌ها است از عملکرد این وزارتخانه انتقاد و اعلام کردند که معتقد هستند وزارت نیرو می‌خواهد بخش خصوصی را از صنعت برق بیرون کند.

ابراهیم خوش‌گفتار نایب‌رییس هیات‌مدیره سندیکای شرکت‌های تولیدکننده برق با تأکید بر اینکه وزارت نیرو قصد دارد بخش خصوصی را از صنعت برق بیرون کند اظهار کرد: مدیرعامل شرکت مادر تخصصی تولید نیروی برق حرارتی اعلام کرد که این شرکت حاضر است بخش بخار و گاز نیروگاه‌های دولتی را به بخش خصوصی واگذار کند اما برخی پیشنهاد کردند که ما حاضریم بالعکس هر چه توان نیروگاهی داریم را به آنها واگذار کنیم!

نایب‌رییس هیات‌مدیره سندیکای شرکت‌های تولیدکننده برق در ادامه با اشاره به فرآیند اخذ وام برای نیروگاه‌های حرارتی گفت: نیروگاه‌هایی که موفق به اخذ وام شدند با نرخ ارز ۳۴۰۰ تومان وام گرفتند و در نظام‌نامه صندوق توسعه ملی نیز ذکر شده است IRR (نرخ بازده داخلی) باید حداقل ۱۵ درصد باشد، روزی هم که می‌خواستند ارز را تخصیص دهند بانک مرکزی اعلام کرده بود که نرخ ارز مبادله‌ای خواهد بود.

وی با اشاره به «آیین‌نامه اجرایی تبصره (۱۴) ماده واحده قانون بودجه سال ۱۳۸۹» که دولت در ۱۹ تیر ماه سال جاری ابلاغ کرده است،

تأکید بر اینکه وزارت نیرو قصد دارد بخش خصوصی را از صنعت برق بیرون کند اظهار کرد: مدل وزارت نیرو یک مدل حاکمیتی بدون پاسخگویی است و به جای موضع تعامل و مشارکت از موضع قدرت مطلقه صحبت می‌کند.

در بخشی از این نشست پیمان تسنیمی مدیرعامل شرکت گسترش انرژی نواتیه از شرکت‌های عضو انجمن انرژی‌های تجدیدپذیر ایران با تجمیع راهکارهای ارائه‌شده در این نشست در قالب دو مورد عمده برای حل مشکل بازپرداخت تسهیلات ارزی دریافتی از صندوق گفت: یکی از این راهکارها آن است که قیمت خرید برق اصلاح شود و دیگری آنکه اقساط ریالی شود.

در صورت اصلاح قیمت خرید برق، بار مالی به سمت وزارت نیرو می‌رود که خود با کمبود بودجه روبرو است و در تأمین منابع مالی مشکلات عدیده‌ای دارد. اما با ریالی شدن بار مالی متوجه صندوق می‌شود. لذا باید موضع‌گیری مشخصی بین یکی از این دو شیوه داشت، زیرا این دو با یکدیگر هم‌سو نیستند.



نایب‌رییس سندیکای شرکت‌های تولیدکننده برق نیز در این رابطه تصریح کرد: ما دنبال راه حلی هستیم که وزارت نیرو هم متضرر نشود، اما شرط تحقق این امر آن است که دو طرف با هم تعامل داشته باشند.

وی در بخش دیگری از صحبت‌های خود در این نشست اذعان داشت: اگر قیمت برق به تدریج تغییر می‌یافت مشکلات به این حد نمی‌رسید. در حالی که از سال ۹۳ تا امروز قیمت برق تغییر نکرده، یعنی تعدیل‌هایی که در قانون پیش‌بینی شده بود نیز اعمال نشده است.

خوش‌گفتار افزود: ۷۵ درصد قبض‌های کشور زیر ۲۰ هزار تومان است و این ناشی از مدل رفتاری است که وزارت نیرو در طول سال‌های اخیر داشته است.

ما دنبال راه حلی هستیم که وزارت نیرو هم متضرر نشود، اما شرط تحقق این امر آن است که دو طرف با هم تعامل داشته باشند

**افزایش نرخ ارز
اثر منفی بر درآمد
نیروگاه‌ها داشته
به گونه‌ای که در
بازپرداخت تسهیلاتی
که دریافت کرده‌اند با
مشکلات جدی مواجه
شده‌اند**

نیرو قیمت برق را گران نمی‌کند یا به هر طریق پاسخگوی تولیدکنندگان برق نیست. به گفته وی، موضوع حضور بخش خصوصی در نیروگاه‌ها مانند یک کلاف سردرگم شده و دولت تلاش می‌کند آن را باز نکند تا یک سال و نیم بعد دولت بعدی این مشکل را حل کند.

اجازه حضور CHP ها در بازار بعد از پنج سال گرفته می‌شود

در ادامه این مراسم محمدعلی علایی عضو هیات مدیره انجمن CHP ایران با بیان اینکه مصوبه ۳۱۰ در هیات تنظیم بازار برق به صورت یک طرفه تصویب شد، اظهار کرد: طبق این مصوبه با توجه به تطویل اقساط ارزی برای نیروگاه‌های CHP اجازه حضور این نیروگاه‌ها را بعد از پنج سال در بازار برق گرفتند. در حالی که شعار توانیر این بود که CHP ها ۲۰ سال کار کنند اما الان شرایط به گونه‌ای است که این نیروگاه‌ها باید جمع‌آوری و از شبکه برق خارج شوند.

وی افزود: در دستورالعمل بند «ت» ماده ۴۸ قانون برنامه ششم توسعه نوشته شده وزارت نیرو مکلف است برق را به صورت ارزی بخرد. اگر قرار است این اتفاق برای برنامه ششم رخ دهد پیشنهاد می‌کنم برای برنامه پنجم هم همین کار را انجام دهند.

دادن گرای اشتباه به سیاستگذار

در ادامه، سیداحسان صدر رییس هیات‌مدیره انجمن CHP ایران با بیان اینکه اخیراً نرخ تمام‌شده برق از سوی وزارت نیرو ۳۰۰ تومان اعلام شده، گفت: نمی‌دانم این نرخ بر چه مبنایی محاسبه شده است. در حالی که حتی پاسخگوی تبدیل انرژی هم نیست.

وی افزود: یارانه‌ها در زنجیره تولید و توزیع برق باید تجمیع شده و در پایان مسیر به شرکت‌های توزیع تخصیص یابد تا هزینه واقعی تمام شده برق روشن باشد. در غیر این صورت به سیاستگذاران، گرای اشتباه داده می‌شود.

در حال حاضر بدنه توانیر به خصوص شرکت‌های توزیع خود را رقیب نیروگاه‌های کوچک می‌بینند و این مشکلات زیادی را باعث شده است.

وی همچنین اضافه کرد: فشارهای اقتصادی وزارت نیرو باعث شده تصمیمات عجیبی برای بخش خصوصی فعال در این صنعت بگیرد. به عنوان مثال کسی که در سال ۸۹ قرارداد خرید تضمینی بسته، نرخ فروش برق را ۷/۳ سنت حساب کرده

گفت: در بند پ ماده ۲ این مصوبه ذکر شده که برق تولیدی نیروگاه اتمی بوشهر به ازای هر کیلووات‌ساعت ۱۰۰ تومان است و وزارت نیرو موظف است ماهانه این مبلغ را با نیروگاه مذکور تسویه حساب کند. پیشنهاد ما این است که با ما هم به همین شکل برخورد کنند.

تشریح زیان‌دهی بخش خصوصی در نیروگاه‌های خورشیدی و حرارتی

نایب‌رییس هیات‌مدیره سندیکای شرکت‌های تولیدکننده برق در ادامه در تشریح علت زیان‌دهی بخش خصوصی در نیروگاه‌های خورشیدی توضیح داد: اگر بخش خصوصی برای تاسیس یک نیروگاه خورشیدی هشت میلیون یورو سرمایه‌گذاری کرده و این مبلغ را از صندوق گرفته باشد، باید ۹.۶ میلیون یورو پس بدهد که اگر این مبلغ در ۱۳ هزار تومان قیمت ارز ضرب شود حاکی از آن است که ۱۲۰ میلیارد تومان باید بازپرداخت شود. در حالی که درآمد چنین نیروگاهی در سال حدود

نیروگاه‌ها عملاً بابت برقی که به دولت می‌فروشند وجهی دریافت نمی‌کنند و یا با دیرکرد زیادی در دریافت مطالبات خود مواجه‌اند

۱۶ میلیارد تومان است و ۱۰ سال طول می‌کشد تا پول سرمایه‌گذار بازگردد.

خوش‌گفتار در مورد نیروگاه‌های حرارتی توضیح داد: یک نیروگاه حرارتی ۳۲۰ میلیارد تومان درآمد، ۴۰ میلیارد تومان بهره‌برداری، ۳۲ میلیارد تومان استهلاک دارد که در جمع ۷۰ میلیارد تومان از ۳۲۰ میلیارد تومان کاسته شده و اگر ۲۵۰ میلیارد تومان باقیمانده تقسیم بر ۱۳ هزار تومان نرخ ارز شود، بازپرداخت سالیانه آن معادل دو قسط ۳۰ میلیون یورو است.

وزارت نیرو رقیب بخش خصوصی است

خوش‌گفتار در ادامه گفت: مشکل این است که متولی بخش تولید برق وزارت نیرو است که خود را در رقابت با نیروگاه‌داران غیر دولتی می‌بیند. در نتیجه ما فعالان این بخش باید برای حل مشکلاتمان دست به دست هم دهیم.

نایب‌رییس هیات‌مدیره سندیکای شرکت‌های تولیدکننده برق با اشاره به نوسانات نرخ ارز و روند شدیداً صعودی قیمت دیگر کالاها گفت: در چنین شرایطی باید پرسید چرا وزارت

برای احداث یک نیروگاه خورشیدی، ۸ میلیون یورو از صندوق توسعه ملی وام گرفته شود، سرمایه‌گذار بایستی ۹/۶ میلیون یورو به صندوق پس دهد که با یوروی ۱۳ هزار تومانی، مبلغ بازپرداخت به صندوق توسعه ملی برابر با حدود ۱۲۰ میلیارد تومان می‌شود.

وی افزود: درآمد سالانه چنین نیروگاهی ۱۶ میلیارد تومان می‌شود، هزینه‌های بهره‌برداری نیز ۱/۶ میلیارد تومان و هزینه استهلاک نیز ۱/۶ میلیارد تومان است که درآمد خالص سالانه را به ۱۳ میلیارد تومان می‌رساند؛ به عبارتی حدود ۱۰ سال طول می‌کشد تا هزینه‌های سرمایه‌گذاری بازگردد. خوش‌گفتار با بیان اینکه «درخصوص نیروگاه حرارتی نیز چنین وضعیتی حاکم است و بازگشت ۱۰ ساله هزینه‌های سرمایه‌گذاری صرفه ندارد»، گفت: عدم بازپرداخت به‌موقع از سوی وزارت نیرو بابت خرید برق از نیروگاه‌ها موجب شده تا مالکان نیروگاه در بازپرداخت اقساط وام‌های دریافتی خود دچار مشکل شوند و حتی موردی

و شروع به سرمایه‌گذاری نموده، نیروگاه این شخص در سال ۹۵ شروع به بهره‌برداری کرده که نرخ برق، به ۳ سنت رسیده و همین نیروگاه در اسفند ۹۷ مجبور بوده برق خود را ۱/۱ سنت بفروشد، در حالی که عمده هزینه‌های نیروگاه، ارزی است. نتیجه، آن شده که نیروگاهی که با اخذ وام از صندوق توسعه ملی در سال ۹۳ راه افتاده، بعد از ۵ سال تولید مداوم و فروش برق، نتوانسته حتی نیمی از بدهی خود را به صندوق باز پس دهد.

به گفته وی تغییرات شدید نرخ ارز به سرمایه‌گذاران آسیب زیادی زده و باید مصداق فورس مازور دیده شود.

تسним:

دولت درصدد است که اصلاح اقتصاد برق را به دولت بعدی واگذار کند

نایب‌رییس هیات‌مدیره سندیکای شرکت‌های



داشتیم که به همین دلیل موفق به پرداخت به موقع اقساط خود نشده، و اکنون سرمایه‌گذاران نیروگاه مربوطه ممنوع‌الخروج هستند و با مشکلات عدیده‌ای مواجه شده‌اند.

وی افزود: علاوه بر این، محاسبات بر مبنای درستی انجام نمی‌شود و بعضاً به گونه‌ای با سرمایه‌گذار بخش نیروگاهی برخورد می‌شود که بیش از درآمدها باید پرداخت‌هایی به مالیات، بیمه و ... داشته باشد.

تولیدکننده برق گفت که دولت در تلاش است تا یک سال و نیم دیگر نیز به هر طریقی بگذرد و پیدا کردن راه حل برای اصلاح اقتصاد برق به دولت بعدی واگذار شود.

ابراهیم خوش‌گفتار، نایب‌رییس هیات‌مدیره سندیکای شرکت‌های تولیدکننده برق در نشست «بررسی مشکلات مربوط به بازپرداخت تسهیلات ارزی دریافتی از صندوق توسعه ملی توسط شرکت‌های تولیدکننده برق» اظهار داشت: اگر

شرکت‌ها برای دریافت وام از صندوق توسعه ملی اختصاص یابد. این دلایل از سوی نایب‌رییس هیات‌مدیره سندیکا چنین برشمرده شدند: اول آنکه هیچ بانکی حاضر نیست در این حوزه عاملیت بپذیرد. در وهله دوم نرخ بازگشت سرمایه (IRR) هیچ‌یک از پروژه‌ها، به میزانی نیست که بنا به اساس‌نامه صندوق مجاز به دریافت وام باشد. همچنین با نرخ نازل فعلی برای خرید برق، امکان بازپرداخت اقساط آن وجود ندارد. مساله پروسه طولانی دریافت وام برای سرمایه‌گذاران داخلی نیز در این رابطه از سوی دیگر حاضرین جلسه مطرح شد. خوش‌گفتار اشاره داشت: برای تهیه این نامه می‌توان به مصوبه‌ای از هیات دولت استناد کرد که نرخ رسمی (مبادله‌ای) را برای بازپرداخت تسهیلات ارزی معرفی کرده است. همچنین در این نامه باید درخواست شود نرخ برق به گونه‌ای اصلاح شود که مطابق نظام‌نامه صندوق توسعه ملی، نرخ بازگشت سرمایه (IRR) نیروگاه‌ها کمتر از ۱۵ درصد نباشد.

**** پیرو برگزاری این نشست، نامه مذکور در تاریخ ۱۳۹۸/۰۵/۰۹ خطاب به معاون اول رییس جمهور و رییس امور انرژی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی تهیه و ارسال شد. گفتنی است بنا به مفاد نامه‌ای از طرف دفتر معاون اول رییس جمهور به وزیر نیرو در تاریخ ۱۳۹۸/۰۶/۰۹ تصمیماتی در این رابطه در جلسه ستاد اقتصادی دولت برای حل این مشکلات اتخاذ شده است.**

در بخش دیگری از این نشست علیرضا صدرآبادی مدیرعامل شرکت تدبیرسازان سرآمد به تبدیل نیروگاه گازی ارومیه به سیکل ترکیبی اشاره کرد و گفت: نیروگاه ارومیه با انجام این سرمایه‌گذاری عملاً ۵۰۰ مگاوات تولید برق بدون مصرف سوخت داشته است که این میزان معادل ۳۰ درصد کل مصرف استان آذربایجان غربی است.

وی با بیان این مطلب خاطر نشان کرد: این اقدام در زمانی صورت گرفت که نرخ ارز حدود ۳۲۰۰ تومان بود و IRR نیروگاه ارومیه بیشتر از ۱۵ درصد محاسبه شده بود. بنابراین پیرو انعقاد قرارداد بیع متقابل با وزارت نیرو و بر اساس تبصره ۱۹ قانون بودجه سال ۹۲ نسبت به نصب بخش بخار در نیروگاه و تبدیل آن به سیکل ترکیبی اقدام شد. این کار بنا به تعهدات قانونی وزارت نیرو صورت گرفت اما اکنون هیچ بخشی

نایب‌رییس هیات‌مدیره سندیکای شرکت‌های تولیدکننده برق با اشاره به عبور بدهی‌های صنعت برق به بخش خصوصی و بخش بانکی از مرز ۴۰ هزار میلیارد تومان گفت: با پیگیری‌های سندیکای شرکت‌های تولیدکننده برق در سال گذشته بخشی از بدهی‌های دولتی با بدهی‌های بانکی فعالان صنعت برق تهاتر شد، در غیر این صورت رقم بدهی‌ها بسیار بیشتر از میزان فعلی می‌شد.

وی ادامه داد: اقتصاد برق بایستی اصلاح شود، یا دولت سوبسیدها را واقعی کند و یا برق را با نرخ واقعی از تولیدکننده بخرد و به موقع پول خرید برق را پرداخت کند.

خوش‌گفتار تصریح کرد: وقتی قیمت سبزه‌کالاها در این سال‌ها چند برابر شده، چرا دولت و وزارت نیرو قیمت برق را افزایش نمی‌دهد و در جهت اصلاح اقتصاد برق عمل نمی‌کند.

وی افزود: کلاف اقتصاد برق و سرنوشت سرمایه‌گذاری در این صنعت سردرگم شده و دولت در تلاش است تا یک سال و نیم دیگر نیز به هر طریقی بگذرد و پیدا کردن راه حل برای اصلاح اقتصاد برق به گردن دولت بعدی بیفتد تا این دولت بعدی باشد که روی این مساله تصمیم‌گیری می‌کند.

در این نشست جمشید حسن‌پور رییس هیات‌مدیره شرکت باران نیرو از اعضای انجمن CHP ایران گفت: این نیروگاه CHP که در شهرک صنعتی بشل واقع در شهرستان بشل استان مازندران احداث شده، درآمدی ۸۵ میلیارد تومانی در ۵ سال فعالیت خود داشته است. سرمایه‌گذار این نیروگاه تا ۱۳ قسط از ۲۶ قسط صندوق توسعه ملی را بدون دیرکرد پرداخته است. اما اکنون ۱۱۰ میلیارد تومان بابت فعالیت همان نیروگاه بدهکار است و عملاً قادر به بازپرداخت بقیه این اقساط نیست.

روابط عمومی سندیکا

تجمیع راهکارهای پیشنهادی برای بازپرداخت تسهیلات ارزی

ابراهیم خوش‌گفتار نایب‌رییس هیات‌مدیره سندیکا در نشستی که روز چهارشنبه بیست‌وششم تیر ماه در اتاق بازرگانی ایران برگزار شد از تهیه نامه‌ای با امضای مشترک نمایندگان سه تشکل حاضر در این نشست خبر داد.**

وی در این نشست پیشنهاد کرد بخشی از این نامه به تبیین دلایل مراجعه نکردن برخی

آرین‌ماه‌تاب‌گستر نماینده دیگری از اعضای سندیکای شرکت‌های تولیدکننده برق بود که در این نشست به بیان نظرات خود در خصوص بازپرداخت تسهیلات ارزی دریافت‌شده از صندوق توسعه ملی پرداخت.

معاون مالی شرکت آرین‌ماه‌تاب‌گستر به پیشنهادهای سه‌گانه وزیر نیرو در نامه‌ای اشاره کرد که مشترکا با رییس هیات عامل صندوق توسعه ملی امضا شده بود. وی در این رابطه افزود: واقعیت آن است که متأسفانه نامه‌هایی از این دست با وجود پیشنهادهای بسیار خوبی که در آن مطرح است بایگانی می‌شود و به نتیجه مشخصی نمی‌رسد. زیرا وزارت نیرو و شرکت‌های خصوصی تولیدکننده برق به واسطه آنکه ابزاری برای تهدید و اجازهای برای دست کشیدن از تولید ندارند، خود را دارای قدرت کافی برای چانه‌زنی نمی‌دانند در حالی که چنین نیست و باید راهکار استفاده از قدرت خود را پیدا کنیم.

از این وزارتخانه و شرکت‌های تابعه آن عهده‌دار مسئولیتی که در قانون مذکور اعلام شده نیست. به طوری که هم‌اکنون IRR نیروگاه ارومیه ۲ درصد شده و NPV آن به ۲۵۰۰ میلیارد تومان (۲۵ هزار میلیارد ریال) منفی رسیده است.

در ادامه این نشست مهندس نصرت‌الله کاظمی با بیان آنکه تنها با اصلاح نرخ پایه آمادگی نیروگاه‌ها می‌توان به ادامه فعالیت آن‌ها امیدوار بود گفت: پیشنهاد می‌کنم علاوه بر راهکارهایی چون درخواست ریالی کردن این تسهیلات با نرخ ارز حساب‌شده در زمان دریافت وام و با سود ۱۵ درصد، تمدید قراردادهای خرید تضمینی برق و افزایش مدت بازپرداخت اقساط را هم درخواست کنیم.

وی افزود: برای وزارت نیرو بهتر بود در کنار این صنعت قرار بگیرد. واقعیت آن است که در این بخش حمایت کافی صورت نمی‌گیرد. آقای داریوش طهماسبی، معاون مالی شرکت



تربیتون آزاد تربیت آزاد تربیت آزاد

یادداشت‌ها و گفت‌وگوهای آزاد

«استقلال» حلقه مفقوده نهادی برای رگولاتوری برق

گفت‌وگو با نصرت‌الله کاظمی
مدیرعامل شرکت نیروگاهی سیکل ترکیبی کرمانیان

دولتی نیست، اما به هر حال پاره‌ای انحصارها لازم می‌دارد که نهادی، روابط بین خریدار عمدتاً دولتی را با فروشنده عمدتاً غیر دولتی به صورت غیرجانبدارانه تنظیم کند.

لذا روشن شدن اهمیت ایجاد این نهاد مستقل و آگاه برای مسئولین و دولتمردان صنعت برق رسالت ویژه‌ای است که با توجه به تجدید ساختار این صنعت بر عهده ما است.

اما اینکه این نهاد در قالب یک مرکز مستقل و خارج از وزارت نیرو فعالیت داشته باشد و یا به عنوان بخشی از این وزارتخانه یا شرکت‌های تابعه آن عمل کند، مسأله‌ای مورد مناقشه بین بخش خصوصی و برخی مسئولین دولتی بخش برق در ایران بوده است.

به اعتقاد بنده تجربه چندین ساله فعالیت رگولاتور برق در قالب هیات تنظیم بازار برق نشان داده است که همچنان حلقه مفقوده‌ای به نام «استقلال» در آرا و تصمیمات این هیات به چشم می‌خورد که ایجاد تغییرات در آن را الزامی می‌کند. اما برای این کار نیاز است که وضعیت موجود را شناسایی کنیم و لذا گذر کوتاهی به این پدیده از منظر خود خواهیم داشت و سپس نکاتی را ارائه خواهیم داد.

در ابتدا باید پذیرفت که در غالب کشورها نهادهای مستقل، تشکرها و یا سازمان‌های مردم‌نهاد با وجود آنکه به دولت‌ها وابسته نیستند، کمتر از سازمان‌های دولتی نسبت به منابع ملی و توسعه صحیح آن حساسیت و همیت ندارند. در نتیجه به تجربه ثابت شده است که اگر به درستی نهادی تصمیم‌گیرنده آگاه و مستقل از دولت و ذی‌نفعان اصلی شکل بگیرد عموماً مورد اعتماد خواهد بود و رأی چنین نهادی اعتباری همه‌جانبه دارد، مشروط

از آنجا که حضرتعالی موضوع رگولاتوری را اساسی‌ترین دغدغه روز بخش تولید برق می‌دانید، لطفاً ضمن روشن‌تر کردن ابعاد این موضوع بفرمایید که برای تحقق صحیح «تنظیم‌گری بخش برق» چه پیش‌نیازهایی باید فراهم شود؟

در چند سال اخیر موضوع رگولاتوری برق از بُعد بررسی ضرورت و نقشی که این نهاد می‌تواند در صنعت برق ایفا کند به اندازه کافی مورد توجه بوده است. به طوری که نه تنها بخش غیر دولتی که مدعی است در شکل‌گیری نهادی مستقل و جدید برای این منظور نقش برجسته‌ای دارد، بلکه مسئولان دولتی نیز از مقام عالی وزارت نیرو تا بقیه ارکان و افراد فعال در آن، همگی به اهمیت تنظیم‌گری عادلانه در بخش برق با توجه به ویژگی‌های آن اذعان دارند.

در این زمینه که اساساً چرا برای بخشی از صنایع یا فعالیت‌های اجتماعی تشکیل نهادی تنظیم‌گر ضرورت دارد، باید گفت این امر در وهله اول به دلیل ماهیت پویای آن فعالیت اقتصادی یا اجتماعی است. صنعت برق در مجموعه بخش‌های تولید، توزیع و انتقال، از سویی به دلیل الزامی که برای پایداری شبکه و متوقف نشدن برق‌رسانی به مشترکین وجود دارد، با مسائلی غیر قابل پیش‌بینی مواجه است. لذا وجود نهادی متخصص برای وحدت بخشیدن به تصمیم‌گیری صحیح، سریع و در چارچوب قوانین در چنین برهه‌هایی با در نظر گرفتن تأثیرات آن برای تمامی ذی‌نفعان، ضروری است.

علاوه بر این، وجود چنین نهادی برای بازاری که یک سوی ذی‌نفع در آن به هر دلیل دولت است، ضرورتی دوچندان می‌یابد و البته این به معنی رویکرد تقابلی بین بخش خصوصی و



مسأله رگولاتوری برق در ایران ناشی از دولتی یا غیر دولتی بودن بدنه صنعت برق و نهاد رگولاتوری آن نیست. بلکه موضوع اصلی، ضرورت داشتن نگاهی همه‌جانبه به تبعات امر، هنگام اتخاذ تصمیمات کلان در صنعت برق است که متأسفانه تاکنون کمتر شاهد آن بوده‌ایم

صنعت برق و نهاد رگولاتوری آن نیست. بلکه موضوع اصلی داشتن نگاهی همه‌جانبه به تبعات امر، هنگام اتخاذ تصمیمات کلان در صنعت برق است که متأسفانه تاکنون کمتر شاهد آن بوده‌ایم. به نظرم در دوره‌های پیشین هیات تنظیم بازار برق، برخی اعضای آن بدون توجه به رسالت تصمیماتشان و اقداماتی که باید برای تحقق آن انجام شود در جایگاه تنظیم‌گر بخش برق قرار گرفته بودند. در واقع به نظر می‌آید که در سال‌های اخیر کار کارشناسی، یعنی شناسایی ابعاد و پارامترهای مختلف یک موضوع و طی مراحل تصمیم‌سازی به منظور تصمیم‌گیری همه جانبه در برخی نهادهای دولتی تا حدود زیادی ضعیف و از توجه به آن کاسته شده است. حال آنکه اساساً هدف از تشکیل نهاد رگولاتوری آن است که افرادی متخصص با دیدگاه‌های مختلف و نقطه اشتراک حفظ منافع ملی، نظرات کارشناسی خود را مطرح کنند و در نهایت با جمع‌بندی، جامع و مانع‌ترین تصمیمات را اتخاذ

بر اینکه نقش خود را به درستی ایفا کند. حقیقت آن است که آنچه به عنوان تنظیم‌گر بخش برق طی پنج سال فعالیت آن شاهد بوده‌ایم، آن هم با ترکیب اعضایی که به لحاظ حقوقی عموماً در سمت‌های دولتی بخش برق فعالیت داشته‌اند، نتوانسته جایگاه مستقل خود را حفظ کند. لذا عملکرد ناعادلانه این هیات، خساراتی را متوجه بخش غیر دولتی کرده، به طوری که یکی از دغدغه‌های اصلی این بخش تشکیل نهاد واقعی رگولاتوری برق است.

با این وصف به نظر می‌آید مساله تشکیل نهادی تنظیم‌گر برای بخش برق پیرو تجدید ساختار صنعت برق در سال‌های اخیر و با واگذاری بخش‌هایی از آن به بخش خصوصی پدید آمده است.

به نوعی بله، چند دهه قبل، از آنجا که صنعت برق در هر سه بخش تولید، توزیع و انتقال به صورت دولتی اداره می‌شد، نیازی به نهادی به عنوان رگولاتوری وجود نداشته است. درست است که رشد صنعت برق و تمام صنایع در ۱۰ سال اخیر چشم‌گیر بوده اما نباید این گونه تصور کرد که وقتی مشارکت بخش خصوصی وجود نداشته و همه این بخش‌ها توسط دولت اداره می‌شده، میزان مشکلات کمتر بوده است، از آنجا که همه بخش‌ها توسط یک تصمیم‌گیرنده انجام می‌شده، مشکلات (خرید و فروش) برق خود را نشان نداده است.

برای روشن‌تر کردن این موضوع توجه به آیین‌نامه تکمیلی تعرفه‌های برق که همه ساله توسط وزارت نیرو و توانیر تدوین و توسط وزیر نیرو ابلاغ می‌شود مثال خوبی است. در تمام بندهای این آیین‌نامه تکالیف و مقرراتی است که باید توسط مشترکان و متقاضیان صنعت برق رعایت شود. اگر یک‌سویه به این مساله نگاه کنیم به نظر می‌آید که در مورد تعهدات وزارت نیرو سخنی به میان نیامده است، در حالی که به نظر بنده این آیین‌نامه به درستی تدوین شده، چرا که در همان صفحه اول ابلاغیه آمده: «وزارت نیرو موظف است برق ارزان دائم و مستمر در اختیار مصرف‌کنندگان قرار دهد». این جمله به معنای تمام شرايطی است که یک مشترک برق باید از آن برخوردار باشد و به عقیده من، همین یک جمله برای تعیین تمام وظایف و تعهدات وزارت نیرو کافی است.

بنابراین تاکید دارم که مساله رگولاتوری برق در ایران ناشی از دولتی یا غیر دولتی بودن بدنه



با توجه به رسالت وزارت نیرو برای تامین برق به نظر می‌رسد که باید سازوکاری لحاظ شود که این وزارتخانه شناخت و در نتیجه انگیزه کافی را برای همراهی در تشکیل هر چه سریعتر این نهاد پیدا کند

کنند که وظیفه تجمیع این نظرات نیز عموماً بر عهده رییس این نهاد است تا با نگاه کلان‌نگر خود و نقطه نظرات مطرح شده در راستای منافع ملی تصمیم‌گیری شود.

با توجه به رسالت وزارت نیرو برای تامین برق به نظر می‌رسد که باید سازوکاری لحاظ شود که این وزارتخانه شناخت و در نتیجه انگیزه کافی را برای همراهی در تشکیل هر چه سریعتر این نهاد پیدا کند. تشکیل این نهاد در حالی تبدیل به یک معضل بین بخش دولتی و غیر دولتی صنعت برق شده است که در صورت تحقق آن می‌توان بسیاری از چالش‌های موجود در این صنعت را برطرف کرد. از سوی دیگر تا زمان طی شدن روند تشکیل این نهاد نیز می‌توان هوشمندانه در قالب تشکیل جلسات مشترک کارشناسی و مدیریتی برای برخی تصمیم‌سازی‌های ضروری به مدیران ارشد صنعت برق اقدام کرد.

لطفاً نمونه یا نمونه‌هایی از این تصمیمات نادرست را که از نظر شما توسط دوره‌های قبلی هیات تنظیم بازار برق اتخاذ شده و تبعاتی منفی برای بخش خصوصی و حتی کل صنعت برق در پی داشته است، بیان کنید.

یکی از مهمترین تصمیماتی که این نهاد اتخاذ کرده و موجب شده که اعتبار خودش را در بین بخش خصوصی از دست بدهد، عدم اجرای افزایش بهای خرید برق از بخش غیر دولتی بوده است. در واقع هیات تنظیم بازار برق به واسطه صدور بندی از مصوبه ۲۶۳ مانع اجرای این قانون شد. ابعاد این موضوع چنان گسترش یافت که تا امروز نیز با وجود تمام تلاشی که برای

اصلاح این مصوبه و لغو آن از طریق آرای مراجع قانونی صورت گرفته، تعیین تکلیف جدید در این خصوص انجام نشده است. همچنین مدت‌ها نیمه تعطیل ماندن فعالیت این نهاد، و مسکوت ماندن تصمیم‌گیری در خصوص بازنگری تصمیم گرفته شده، بخش غیر دولتی را با مشکلات جدی مواجه کرده است.

متأسفانه نمونه‌هایی از این قسم تصمیمات در سال‌های اخیر به کرات از سوی هیات تنظیم بازار برق دیده شده است.

به مساله استقلال نظر اعضای نهاد تنظیم‌گر در بخشی چون برق اشاره کردید، آیا صرفاً این امر که اعضای این نهاد همزمان سمت‌هایی را نیز در نهادهای دولتی و حتی خصوصی برعهده داشته باشند نشان‌دهنده عملکرد نامناسب آن‌ها در نهاد تنظیم‌گر است؟

علاوه بر استقلال رأی باید توجه کرد که افرادی که در نهاد رگولاتور حضور پیدا می‌کنند باید بخش زیادی از ساعت کاری خود را به تصمیماتی اختصاص دهند که قرار است در این نهاد اتخاذ شود، تا کاملاً بر آن مساله مسلط باشند. در غیر این صورت با مجموعه‌ای از اعضا مواجه خواهیم بود که حتی با وجود دارار بودن تخصص، کارایی لازم را نخواهند داشت و عملاً تنها شنونده منفعل نظرات یک یا چند عضو معدود خواهند بود. لذا متاثر از آنان و به بیانی تحت تاثیر تصمیمات دیکته شده از سوی سازمان‌ها و مراجع ذی‌نفع تصمیم‌گیری خواهند کرد. تا جایی که این افراد شاید حتی حضور ذهن کافی در مورد مصوبات قبلی این نهاد نیز نداشته باشند و به همین روال تصمیمی گرفته می‌شود، بدون اینکه دقت کافی در مورد آن لحاظ شده باشد.

برخی بر این باورند که «برای رگولاتوری بخش برق نیازی نیست یک نهاد مستقل و جدید ایجاد شود، زیرا با توجه به ترکیب اعضای که در اساس‌نامه ارائه شده توسط شورای رقابت برای نهاد تنظیم‌گر بخش برق ذکر شده است، مجموع تخصص و اطلاعات این افراد در مورد مسائل کارشناسی این بخش کمتر از هیات تنظیم بازار برق است که در حال حاضر نیز ساختار آن وجود دارد. شما تا چه میزان با این نظر موافق هستید؟ آیا می‌توان تنها به اصلاحاتی در این هیات، برای ایجاد روندی منصفانه‌تر در تنظیم‌گری بخش برق اکتفا کرد؟ اجازه دهید که سوال شما را به سه بخش تقسیم



صورت به غلط منافع این دو گروه در تقابل با یکدیگر تعریف می‌شود.

در واقع مسئولین وزارت نیرو به عنوان نهاد دولتی متولی بخش برق باید با آغوش باز تشکیل چنین نهاد مستقلی را بپذیرند نه اینکه گمان کنند با تشکیل یک نهاد رگولاتوری مستقل، بنا است عرصه را بر حوزه اختیارات و مسئولیت‌های قانونی این وزارتخانه تنگ کند. عملاً با تشکیل چنین نهادی نوعی تقسیم کار مد نظر است.

علاوه بر این برخی دیگر از دست‌اندرکاران صنعت برق مدعی هستند که نسبت به تمام مسائل این صنعت اشراف کافی دارند و لذا بر این باورند که وجود چنین نهادی خارج از حلقه وزارت نیرو ضرورتی ندارد. در صورتی که افراد متخصص و مسئول خوب می‌دانند که با وجود بخش غیر دولتی در انجام فعالیت مشترک، نهادهای رگولاتوری نه تنها برای جلوگیری از فروپاشی بخش غیر دولتی بلکه به منظور کنترل و جلوگیری از زیاده خواهی احتمالی آن‌ها نیز کارآمد است. اما حقیقت آن است که تشخیص منافع ملی از منافع شخصی عملاً در چنین جایگاهی کار بسیار

کنم: در بخش نخست برای پاسخ به این سوال ابتدا باید دید چرا به چنین نهادی به عنوان یک نهاد مستقل احتیاج داریم.

به هر حال زمانی که در یک حوزه اقتصادی و صنعتی ساختارهای غیر دولتی شکل می‌گیرد یا به عبارت بهتر ذی‌نفعان غیر دولتی به وجود می‌آیند، ممکن است از برخی از تصمیمات و قوانین به منافع دست یابد و یا از منافع محروم شوند. من مستقل از اینکه این موضوع تا چه میزان صحیح یا غلط است، بر این باورم که به هر جهت از دید یک ناظر بیرونی ممکن است انتفاع هر یک از فعالان این حوزه اعم از دولتی یا غیر دولتی از این منافع، به واسطه ارتباطاتی خاص و یا اجحاف در حق سایرین حاصل شده باشد.

طبیعتاً راهکاری ساده برای پاسخ به این بدگمانی آن است که با توجه به امکان ورود مراجع بازرسی و قضایی به این موضوعات هم اکنون هم نهادی مستقل برای حل و فصل مسائل وجود دارد و می‌توان برای رسیدگی به این مسائل به این نهاد مراجعه کرد. اما واقعیت این است که رجوع به نهادهای صرفاً قضایی، ضمن آنکه ممکن است پیامدهای ناخوشایندی برای طرفین داشته باشد، در حل و فصل مسائل تخصصی و صنفی نیز به دلیل پیچیدگی، همیشه راهگشا نیست.

لذا برای قضاوت عادلانه در مورد موارد چالش‌برانگیز صنفی، نیاز است که نهادی با اعضای آشنا به این مسائل در آن صنعت و صنف تشکیل شود تا به واسطه تبادل تجربیات و با استفاده از دانش و شناختی که دارند، در مورد شرایط و مواردی که به طور خاص و دفعتاً پیش می‌آید اظهار نظر کنند و درصد بالایی از مشکلات نیز در همین نهاد «بخشی» و «مستقل» حل شود. نیاز به چنین نهادی خصوصاً در صنعتی چون برق، به واسطه ماهیت پویای آن و غیر قابل توقف بودن چرخه تولید، انتقال و توزیع آن به جهت منافع ملی و تبعات اجتماعی آن، دو چندان احساس می‌شود.

منظور از این استقلال هم صدور آرای است که رعایت حال همه ذی‌نفعان به نسبت خدمت‌رسانی و اقدامات مثبت آنان در این صنعت صورت گیرد. به طور کلی قضاوت در مورد حق و تکلیف عموم بازیگران صنعت برق اعم از دولتی و غیر دولتی تنها در چنین نهادی امکان‌پذیر است که هیچ‌گونه وابستگی عملی به هیچ یک از طرفین نداشته باشد. در غیر این

دشواری است و پایبندی به رعایت بی‌طرفی در این خصوص امری دشوارتر.

براین اساس وجود نهاد مستقلی برای رگولاتوری که حتی‌الامکان اعضای آن به لحاظ شخصیت حقیقی و حقوقی مستقل از نهادهای ذینفع آن باشند، اهمیت ویژه‌ای دارد چراکه تنها چنین نهادی است که می‌تواند به صورت مستقل مسائل و تصمیم‌سازی‌های مربوط به آن صنعت را از منظر کارشناسی و مهمتر از آن غیر بخشی،



یعنی به طور جامع با در نظر گرفتن تصمیمات در سایر بخش‌ها، ارگان‌ها و نهادها ارائه کند و مورد ارزیابی قرار دهد.

حضرتعالی محتوای اساسنامه‌ای را که سال گذشته با همکاری نمایندگان از بخش خصوصی و مجموعه وزارت نیرو و شرکت‌های تابعه آن توسط شورای رقابت تدوین شده است چه طور ارزیابی می‌کنید؟ مشخصاً نظر خود را در مورد بخشی از این اساسنامه که به طور خاص به ترکیب اعضای این نهاد اشاره دارد بفرمایید. همان‌طور که مطلع هستید ماده ۳ این اساسنامه که به نوعی نشانگر اصلی استقلال این نهاد است، تاکید می‌کند که نه تنها اعضای این نهاد بلکه بستگان نسبی و سببی آن‌ها نیز نباید در «موسسه‌های بخش برق» حضور و یا مسئولیتی داشته باشند. در واقع موضوع وابسته نبودن کارکنان نهادهای کلیدی به ذی‌نفعان بحث جدیدی نیست؛ قانون منع مداخله کارمندان دولت در معاملات دولتی و کشوری که در سال ۱۳۳۷ مصوب شده است از قوانین پیشگام در این زمینه است و لحاظ کردن آن به فراخور، در اساسنامه هر نهاد مستقلی (برای کلیه اعضا) الزامی است. اما متأسفانه چنان که در برخی جلسات بررسی اساسنامه نهاد تنظیم‌گر بخش برق شاهد آن بودیم، اصرار

از طرفین ذی‌نفع وجود دارد. به بیان دیگر گاهی از اصرار بر استقلال نهاد تنظیم‌گر بخش برق چنین تعبیر می‌شود که چنین نهادی بلقوه مستعد حضور افرادی سودجو است در حالی که این دیدگاه صحیحی نیست و به نوعی ترویج نگاه بدبینانه و توهین‌آمیز به اعضای چنین نهادی است. در حالی که واجد شرایط بودن این افراد به لحاظ تخصصی و پیشینه فعالیت مستقل و قانون‌مدار آنان می‌تواند برای انتخاب آنان کفایت کند. ضمن آنکه حق مراقبت و نظارت بر این نهاد از سوی نهادهای نظارتی و همچنین بازیگران عرصه بازار نیز محفوظ است.

البته در بحث از نظارت، منظور وجود ارگانی مافوق رگولاتوری نیست که استقلال آن را تحت‌الشعاع قرار دهد. زیرا در صورتی که نهاد نظارتی به تصمیم نادرستی از نهاد رگولاتوری برخورد کند به این معنا است که نهاد مذکور (رگولاتوری) رسالت و وظایف خود را انجام نداده است و اجرای سریع و قاطع پیش‌بینی‌های قانونی در این موارد، موجب رشد نهاد رگولاتوری است. چراکه نهاد تنظیم‌گر بخش برق باید خود مستقل باشد و نیاز به هیچ ارگان بالاسری ندارد. اما به هر حال ممکن است تصمیماتی توسط این نهاد اتخاذ شود که در آینده نادرستی آن مشخص شود. در چنین مواردی باید امکان اصلاح این آرا و تصمیمات از طریق نهادهای ناظر فراهم آید.

به عنوان سوال پایانی، لطفاً بفرمایید که از نظر شما چه انتظارات مشخصی از نهاد رگولاتوری وجود دارد و چه مسائلی باید در راس وظایف و اقدامات این نهاد قرار گیرد؟

در واقع نهاد رگولاتوری به جز مسائل فنی به بحث بازار و تجارت برق نیز توجه دارد چراکه این موضوع به طور مستقیم با درآمد و هزینه‌های صنعت برق ارتباط دارد و عملاً عمده حساسیت‌هایی که برای تشکیل این نهاد وجود دارد به این موضوع مربوط می‌شود. بنابراین با فرض تشکیل هر چه سریعتر نهاد مستقل رگولاتوری در بخش برق، به نظر می‌آید تصمیم‌گیری در خصوص مواردی از قبیل تعیین تکلیف نرخ برق با طبقه بندی انواع نیروگاه به لحاظ نوع سرمایه‌گذاری و شرایط فنی و تکنولوژی آن‌ها، سهم بخش دولتی در صادرات برق، وضعیت بازپرداخت نیروگاه‌هایی که از تسهیلات صندوق توسعه ملی استفاده کرده‌اند، شرایط جدید قراردادهای دوجانبه و حق ترانزیت، بورس برق و ... از اولویت برخوردارند.



بر جزئیات این موضوع دور شدن از هدف اصلی چنین رویکردی است و حلقه را برای انتخاب افراد متخصص و متعهد در جامعه نه چندان بزرگ متخصصین صنعت برق تنگ‌تر می‌کند. در واقع هدف، صدور مصوباتی عادلانه توسط اعضای چنین نهادی است که جز با پایبندی اخلاقی و تخصصی این افراد حاصل نمی‌شود، وگرنه بالاخره امکان ارتباطاتی غیر مستقیم با هر یک

امید به پایان بازی نابرابر

در زمین «دولتی» بازار برق

بررسی انتقادی عملکرد و ساختار دوره‌های قبلی هیات تنظیم بازار برق به بهانه تشکیل دور جدید این هیات

یادداشت‌ها و گفت‌وگوهای آزاد



سیدصادق
نیکوسپهر،

مدیرعامل شرکت
تجارت انرژی فردا

سرمایه‌گذاران و تازه‌واردها به صنعت، نقش هیات تنظیم بازار برق در آینده این صنعت به عنوان یک صنعت مستقل بسیار پررنگ و حیاتی است.

رگولاتور و وظایف آن

همان‌گونه که اشاره شد، هیات تنظیم بازار برق ایران، با هدف هدایت و نظارت بر بازار برق ایران با شرح وظایفی که به صورت خلاصه به شرح زیر آمده است، تشکیل شد:

- نظارت مستمر بر اجرای آیین‌نامه «تعیین شرایط و روش خرید و فروش برق در شبکه کشور» موضوع ابلاغیه شماره ۳۲۲۵۱/۲۰/۱۰۰ مورخ ۸۴/۵/۲۵ توسط وزیر نیرو
- تدوین و ابلاغ رویه‌های اجرایی بازار
- مدیریت پروانه‌های مرتبط با بازار
- صدور تاییدیه‌های لازم در زمینه قراردادهای مرتبط با بازار
- تدوین شاخص‌های کارآمدی بازار و نظارت بر عملکرد مدیر بازار
- تدوین پیشنهادهای جدید به منظور گسترش دامنه بازار

با توجه به ذات انحصاری موجود در عمده فعالیت‌های اقتصادی در صنعت برق و با توجه به نقش مهم هیات تنظیم بازار برق در هدایت و نظارت بر بازار و بازیگران آن، می‌توان انتظار داشت عملکرد هیات تنظیم به عنوان یک نهاد مستقل عملاً در راستای نیل به اهداف زیر تعریف شود:

با تغییر نگرشی که در دهه هفتاد خورشیدی در تفکر سیاستگذاران صنعت آب و برق در ایران رخ داد، اداره صنعت برق ایران با دیدگاه دولتی و با استفاده از ذات انحصاری آن دستخوش تغییر شد و عملاً عباراتی از قبیل تنظیم‌گری و رقابت جایگاه خود را در ادبیات مدیریت کلان صنعت پیدا کرد. در این فضای فکری جدید، اهداف کلانی از جنس دستیابی به بهره‌وری اقتصادی از طریق ابزار جدیدی مثل بازار و با استفاده از مدیریت بخش خصوصی از مسیر جدیدی دنبال شد که البته تجارب دیگر کشورها در این زمینه نشانگر افق‌های روشن در زمینه نیل به این اهداف بود. در ابتدای دهه هشتاد خورشیدی، ضمن پیاده‌سازی سیاست‌های مقررات‌زدایی و با تجدید ساختار صنعت برق (مجزا کردن نسبی بخش‌های تولید، انتقال و توزیع)، بازار برق ایران در سال ۱۳۸۲ راه‌اندازی شد. هیات تنظیم بازار برق ایران نیز به عنوان یکی از اصلی‌ترین ارکان و به منظور هدایت و نظارت بر بازار برق، بر اساس آیین‌نامه «تعیین شرایط و روش خرید و فروش برق در شبکه برق کشور» و با ابلاغ وزیر وقت نیرو با هفت عضو آغاز به کار کرد.

هیات تنظیم بازار برق، با دریافت اختیارات وزارت نیرو در زمینه وضع مقررات، عملاً اصلی‌ترین عامل در هدایت و اصلاح رفتار بازیگران بازار است. در نگاه کلان‌تر، با عنایت به کارکردهای ذاتی بازار از جمله کشف قیمت واقعی و یا ارسال سیگنال به

- تسهیل رقابت و منع انحصار
- بهبود فرآیندهای موجود بر اساس اصول اقتصاد انرژی
- حفظ بی‌طرفی و حمایت از کلیه بازیگران بازار در مقابل مداخلات مخرب و غیر رقابتی

هیات تنظیم بازار برق و شرایط جاری صنعت برق

به منظور بررسی هیات تنظیم بازار برق ایران و نقش آن در شرایط حاکم بر اقتصاد برق در حال حاضر، ابتدا نگاهی اجمالی به وضعیت کنونی هیات تنظیم داشته و به بررسی برخی نمونه‌های تصمیم‌گیری‌های اخیر هیات تنظیم و نتایج و آثار این تصمیمات می‌پردازیم.

عملا پس از گذشت نزدیک به ۸ ماه وقفه، هیات تنظیم بازار برق فعالیت خود را از شهریورماه ۱۳۹۸ از سر گرفته است. این در حالی است که آخرین جلسه این هیات در تاریخ ۹۷/۱۰/۲۶ برگزار شده بود.

با معرفی اعضای جدید هیات تنظیم، به نوعی امیدها برای عملکرد سازنده‌تر این نهاد در تعامل با بخش خصوصی و توسعه رقابت در بازار، همزمان با کاهش دخالت بخش دولتی، افزایش یافته است. دلیل این مدعا نگاهی به ترکیب کنونی اعضا و مقایسه آن با ترکیب قبلی هیات است.

عملا در ترکیب معرفی شده، فقط ۳ تن از اعضا دارای سمت سازمانی در وزارت نیرو هستند. این در حالی است که در ترکیب اعضای قبلی این هیات شاهد حضور ۵ تن از مدیران رده بالای دولتی در وزارت نیرو و سازمان‌های تابعه بودیم.

نگاهی اجمالی به اعضای قبلی هیات تنظیم، تا حد قابل قبولی جهت‌گیری‌های اخیر هیات تنظیم در صدور رویه‌ها و اخذ تصمیمات را روشن می‌سازد. اعضای قبلی هیات به شرح زیر هستند:

- معاون وزیر نیرو در امور برق و انرژی
 - مدیرعامل شرکت مادر تخصصی توانیر
 - معاون هماهنگی توزیع شرکت توانیر
 - مدیرعامل شرکت مادر تخصصی ساتبا
 - مدیرکل دفتر سرمایه‌گذاری و تنظیم مقررات وزارت نیرو
 - کارشناس با سابقه حضور در سازمان برنامه و بودجه
 - کارشناس امور اقتصادی
- البته تنها عضوی که با سمت حقوقی خود به

عنوان عضو و رییس هیات انتخاب شده است معاون برق و انرژی وزیر نیرو است و دیگر اعضا، همگی به عنوان شخص حقیقی به عضویت هیات تنظیم درآمده‌اند اما یادآوری‌شان حقوقی این اعضا در تحلیل عملکرد تصمیمات اخیر هیات تنظیم کمک شایانی خواهد کرد.

همان‌گونه که مشاهده می‌شود عضویت معاون هماهنگی توزیع توانیر به عنوان متولی اصلی سمت تقاضا در بازار برق ایران در حالی بوده است که عملا هیچ عضوی که به صورت مستقیم چه از بخش دولتی و چه از بخش خصوصی متولی یا مرتبط با سمت عرضه برق باشد در هیات حضور نداشته است. ضمنا حضور نداشتن حتی یک عضو از بخش خصوصی در هیات تنظیم در حالی است که کل سمت تقاضا و کمتر از نیمی از سمت عرضه در بازار برق در انحصار کامل دولت است و تولیدکنندگان بخش خصوص با عرضه بیش از ۶۰ درصد انرژی ارائه‌شده در بازار هیچ تاثیری در روند تصمیمات هیات تنظیم بازار برق نداشته‌اند. در عین حال، بر اساس بند ۵ صورتجلسه شماره ۵۱ هیات تنظیم بازار برق در تاریخ ۸۴/۹/۲۳ دفتر فنی و هماهنگی تولید وقت شرکت توانیر به عنوان کارشناس مورد وثوق هیات معرفی شده است که با تغییرات ساختاری در شرکت‌های زیرمجموعه وزارت نیرو، این مسئولیت به شرکت مادر تخصصی برق حرارتی منتقل شده است.

مروری بر کارنامه هیات تنظیم بازار برق در دوره‌های اخیر

پس از بررسی ترکیب هیات تنظیم بازار برق در دوره گذشته، اکنون برخی از تصمیمات آن ترکیب و نتایج آن را مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهیم:

- هیات تنظیم بازار برق و راندمان نیروگاه‌های حرارتی
- با وجود اینکه قیمت سوخت نیروگاهی از اختیارات هیات تنظیم بازار برق نبوده و بر اساس مصوبات هیات وزیران تغییر می‌یابد، اما اعمال نرخ سوخت داخل بازار برق و تعیین سقف بازار بر اساس نرخ داخلی سوخت جزء اختیارات هیات تنظیم است. هیات تنظیم بازار برق در بند ۳ مصوبه شماره ۳۰۶ خود، تاثیر تغییر قیمت سوخت در سال ۱۳۹۶ بر بازار برق را جبران کرده و سقف بازار را بر اساس نرخ سوخت ۶۰۷ ریال برای هر متر مکعب گاز تعیین کرده است. این در شرایطی است که مابه‌التفاوت نرخ سوخت ۶۰۷

حضور نداشتن حتی یک عضو از بخش خصوصی در هیات تنظیم در حالی است که کل سمت تقاضا و کمتر از نیمی از سمت عرضه در بازار برق در انحصار کامل دولت است

**رعایت اصول نظام
اقتصادی پیچیده‌ای
که در حال حاضر بر
صنعت برق ایران
حاکم است نباید
فدای دستاوردهای
زودگذر و کوتاه‌مدت
مدیران کنونی شوند**

قیمت خرید برق از بازار پی برد. در حالی که افزایش همزمان نرخ ارز و تورم در کشور تاثیر مهمی بر هزینه‌های تولید انرژی چه در بخش ارزی و چه در بخش ریالی داشته است، رقم مورد تایید این کارشناس از ابتدای سال ۱۳۹۶ تا ابتدای سال ۱۳۹۸ برای میانگین شبکه عملا هیچ تغییری نداشته و ۲۳۰۵۳۹ ریال برای هر کیلووات‌ساعت انرژی بوده است. حال باید توجه باشیم که بر اساس مصوبه شماره ۲۹۱ هیات تنظیم بازار برق پرداخت بهای انرژی به نیروگاهی که به دستور مرکز کنترل و بیش از پیشنهاد بازار به تولید انرژی می‌پردازد، به صورت ضربی از AVC نیروگاه صورت می‌گیرد. در چنین شرایطی اصلاح نشدن نرخ AVC برای هر نیروگاهی می‌تواند در برخی اوقات به تولید انرژی با بهایی کمتر از بهای تمام‌شده آن بیانجامد.

● هیات تنظیم بازار و قیمت تبدیل انرژی نیروگاه‌های حرارتی

یکی از اصلی‌ترین مناقشات تولیدکنندگان برق در بازار با هیات تنظیم بازار برق، در مورد سقف قیمت برق در بازار و همچنین نرخ پایه آمادگی در بازار است. همان‌گونه که اشاره شد، هیات تنظیم بازار برق، به عنوان نهاد اصلی سیاست‌گذار، مسئولیت تدوین و ابلاغ رویه‌های اجرایی بازار را داشته و نقش آن هدایت و نظارت بر بازار است. در چنین شرایطی نگاهی به عملکرد این نهاد در زمینه تعیین نرخ بهای پایه آمادگی و همچنین نرخ سقف بازار خواهیم انداخت.

ماده ۶ دستورالعمل بند و ماده ۱۳۳ قانون برنامه پنجم توسعه به صورت مستقیم و شفاف تکلیف نرخ بهای آمادگی واحدهای نیروگاه را در بازار برق ایران مشخص کرده است و این در حالی است که عملا هیات تنظیم بازار برق در مصوبات خود با نسبت به این موضوع سکوت کرده و یا با اعلام نرخ ۱۸۵ ریال برای هر کیلووات‌ساعت عملا بر اساس فرمول تعدیل در دستورالعمل مذکور عمل نکرده است.

از دیگر روی، در حالی که از سال ۱۳۹۳ تا کنون میانگین افزایش نرخ ارز در بازار در حدود ۱۷ درصد سالانه و نرخ تورم نیز به صورت میانگین ۲۸ درصد در هر سال بوده است، اگر تاثیر هر کدام از این عناوین در قیمت تمام‌شده تولید برق را به ترتیب ۴۰ درصد و ۶۰ درصد به صورت میانگین برای تولیدکنندگان برق در کشور در نظر بگیریم (سهم هزینه‌های ارزی در تعمیر و نگهداری

ریالی تا سوخت مصوب ۵۰ ریالی از طرف نیروگاه به شرکت مدیریت شبکه بازگشت داده می‌شود. حال با توجه به وجود چنین سازوکار مفیدی، عملکرد هیات تنظیم بازار برق در تعیین نرخ سوخت و توجه نداشتن به قیمت‌های جهانی آن در مقایسه با فناوری‌های بهبود یافته در تولید برق، باعث شده است تا افزایش هزینه‌های تولیدکنندگان در استفاده از این فناوری‌ها توجیه نداشته و صرفا بار مالی اضافی بر دوش سرمایه‌گذار اعمال شود. یکی از نمونه‌های اصلی این عنوان، نیروگاه رودشور است که توربین‌های گازی کلاس F آن، با هزینه‌های بالاتر نسبت به تولید برق از واحدهای کلاس E موجود در کشور و با راندمانی در حدود ۵ درصد بیشتر، به تولید برق تولید می‌پردازد. با در نظر گرفتن قیمت آزاد گاز، تولید چنین واحدهای نیروگاهی با راندمان بالاتر توجیه دارد. اما با توجه به قوانین جاری بازار برق ایران، عملا استفاده از این فناوری هیچ‌گونه صرفه اقتصادی ندارد.

در چنین شرایطی، عملا کافی نبودن رشد راندمان تولید برق نیروگاه‌های حرارتی در بازار قابل درک است، زیرا سیاست چنین نهاد مهمی در قبال ارزش و اهمیت میزان سوخت مصرفی برای تولید هر کیلووات‌ساعت برق عملا نشانگر درجه اهمیت این موضوع، نزد سیاست‌گذاران کلان صنعت برق است. به عبارت دیگر، رویه‌های کنونی در بازار برق ایران به گونه‌ای است که نه تنها برای نیروگاه‌های با راندمان بالاتر انگیزه حضور در رقابت را فراهم نمی‌کند بلکه عملا هزینه‌های بالاتر تعمیر و نگهداری از این واحدها، مالکان آن‌ها را در تنگنای بیشتری قرار می‌دهد.

● کارشناس مورد وثوق هیات و هزینه‌های متغیر تولید همان‌گونه که اشاره شد، شرکت مادر تخصصی برق حرارتی، به عنوان کارشناس مورد وثوق هیات در امور فنی معرفی شده است. انتخاب یکی از بزرگترین بازیگران بازار که خود عملا نیمی از ظرفیت عرضه در بازار را در اختیار دارد در حالی صورت پذیرفته است که سمت تقاضا در بازار برق کاملا دولتی بوده و عملا این موضوع می‌تواند در عملکرد این شرکت چه در هنگام حضور در بازار و چه در هنگام ایفای نقش کارشناسی هیات تاثیرگذار باشد.

با نگاه به عملکرد این شرکت در زمینه تعیین هزینه متغیر تولید (AVC) واحدها در بازار برق، می‌توان به میزان اهمیت این بخش در تعیین

بلکه با در نظر نگرفتن عوامل بیرونی از جمله نرخ تورم و یا نرخ ارزهای خارجی، عملاً تولیدکنندگان برق را در معرض ریسک‌های سرمایه‌گذاری قرار داده‌اند و ارائه گزارش‌های جذاب به نهادهای بالادستی در زمینه کاهش قیمت برق خریداری شده در بازار نیز دستاورد بزرگ این نهاد در این قمار خطرناک بر سر آینده سرمایه‌گذاری در بخش تولید برق بوده است.

کلام آخر

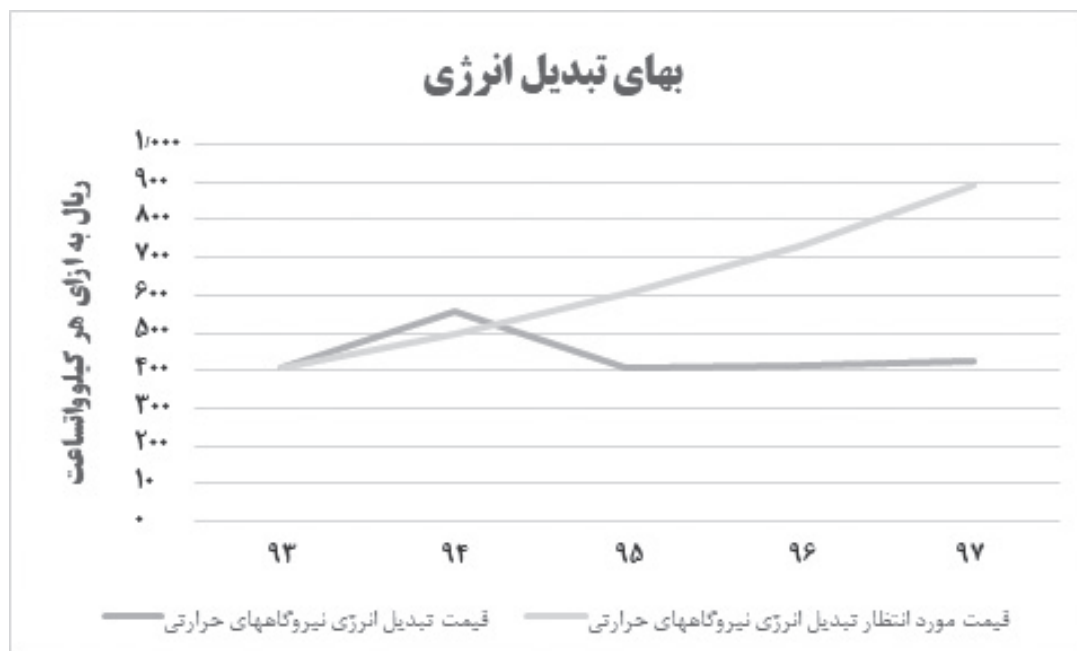
آنچه اکنون از آن به عنوان صنعت برق در ایران نام برده می‌شود، میراثی است که از حدود ۱۱۰ سال پیش نسل به نسل به دست متخصصان با کفایت این کشور و با استفاده از تجربیات و دانش دیگر کشورها توسعه یافته است تا به عنوان یکی از اصلی‌ترین بخش‌های خدمات عمومی به مردم ارائه شود. خدمتی که در شرایط کنونی آن‌چنان حیاتی به نظر می‌رسد که تصور زندگی بدون آن بسیار سخت و از نشانه‌های جوامع «پسارستخیزی» است.

میزان اهمیت مدیریت صحیح در این صنعت زمانی بیشتر به چشم می‌آید که نگاهی به ابعاد آن بیاندازیم. تولید بیش از ۳۰۰ میلیارد کیلووات‌ساعت برق در سال و ظرفیت نصب‌شده بیش از ۷۰ هزار مگاوات در کشور نشان از وسعت و گستردگی بخش تولید دارد. در چنین ابعادی، اتخاذ برخی تصمیمات و یا به زبان دیگر اتخاذ نشدن برخی تصمیمات دیگر، می‌تواند

واحدهای گازی به مراتب بیش از واحدهای بخار می‌باشد اما ارقام ذکر شده به صورت میانگین برای کل واحدهای شبکه در نظر گرفته شده است)، می‌توان نتیجه گرفت از سال ۱۳۹۳ تا ابتدای سال ۱۳۹۸ هزینه‌های بهره‌برداری و نگهداری از تجهیزات تولید برق به صورت میانگین در هر سال ۲۸ درصد افزایش را تجربه کرد است. در چنین شرایطی در بازاری که به واسطه مشخصه‌های ذاتی آن به صورت تنظیم‌شده اجرا می‌شود، انتظار می‌رود تاثیر چنین افزایش هزینه‌ای در رفتار نهاد تنظیم‌گر مشاهده و تلاش شود تا با اصلاح متغیرها و تغییر قوانین، شرایط حیات اقتصادی فعالان آن به صورت پایدار فراهم شود. در چنین شرایطی متأسفانه مشاهده می‌شود که از سال ۱۳۹۳ تا ابتدای سال ۱۳۹۸ نه تنها هیچ افزایشی در قیمت سقف بازار برق اتفاق نیفتاده است بلکه با اجرای مصوباتی از جمله مصوبه شماره ۲۹۱ هیات تنظیم بازار برق، بهای برق خریداری شده در بازار کاهش قیمت را تجربه کرده است.

بهای تبدیل انرژی در بازار عبارت است: از تقسیم تفاضل کل پرداختی به نیروگاه‌های حرارتی از پرداختی بابت سوخت، به کل انرژی تولیدشده توسط نیروگاه‌های حرارتی در بازار برق. همان‌گونه که مشاهده می‌شود رفتار هیات تنظیم بازار برق نه تنها در راستای تامین امنیت سرمایه‌گذاری تولیدکنندگان در بازار نبوده است

ای کاش زمانی که تابستان ۱۳۹۷ متأسفانه شاهد بروز بیش از ۴۰۰۰ مگاوات خاموشی در برخی ساعات در شبکه برق کشور بودیم، مجموعه وزارت نیرو به جای جلوگیری از انتشار ارقام و آمار تولید برق و مصرف آن در کشور نگاهی بی‌طرفانه به نتیجه برخی از تصمیمات گذشته خود می‌انداختند



یکی از اصلی‌ترین مناقشات

تولیدکنندگان برق در بازار با هیات تنظیم بازار برق، در مورد سقف قیمت برق در بازار و همچنین نرخ پایه آمادگی در بازار است

پی‌نوشت: پیرو مکاتبات مفصل، از طرف شرکت ماهتاب‌گستر و در چارچوب یک جلسه‌ی کارشناسی که به منظور بررسی موضوع مربوط به این شرکت پیش از جلسه هیات تنظیم بازار برق برگزار شد حضور داشتم. آنچه از این جلسه کمتر از نیم‌ساعت نصیب شد، بسیار فراتر از مصاحبت با عزیزانی بود که نسبت به یک‌یک ایشان ارادت شخصی دارم و در سابقه حضورم در صنعت برق از عمده ایشان درس‌ها آموختم. امید دارم برداشت شخصی من از ادامه روند استحاله هیات تنظیم بازار برق از نهادهای پاسخگو و مستقل به سمت نهادهای شبه‌دولتی با نگاهی از بالا به پایین اشتباه باشد. ادعان دارم که رفتار همکاران عزیز در دبیرخانه هیات تنظیم همانند همیشه در کمال احترام و بدون هیچ‌گونه عیب و نقصی بود. لیکن رویکرد تعاملی برگزاری این جلسه به گونه‌ای بود که سرمایه‌گذاران فعال و شناخته شده‌ای که سال‌ها است در بخش خصوصی مشغول خدمت‌رسانی به صنعت برق هستند، فقط در حدود نیم‌ساعت به منظور توضیح در مورد موضوعی که بیش از یکسال است گریبانگیرشان است وقت توضیح دارند و جالب اینکه در هنگام بررسی کارشناسی موضوع باید جلسه را ترک کنند؛ گویی موضوعی خصوصی یا امنیتی مطرح شده است. این نوع برخورد در شرایطی انجام می‌شود که عموماً به یاد داریم در سال‌های اول تشکیل هیات تنظیم بازار برق مساله شفافیت همواره از اولویت‌های اعضا و کارشناسان دبیرخانه هیات بوده است به نحوی که با تامین تجهیزات مورد نیاز، برخی از جلسات از طریق لینک اینترنتی پخش مستقیم داشت و حتی شرایط به نحوی فراهم بود که کلیه فعالین صنعت برق می‌توانستند در محل هیات حضور داشته و به صورت زنده پخش جلسه و مصوبات آن را پی‌گیری کنند. حال کار به جایی رسیده است که سرمایه‌گذار برای توضیح موضوعی که مستقیماً به وی مرتبط است صرفاً برای ادای توضیحات حاضر شده و حتی در جریان مباحث کارشناسی و صحت و سقم آن قرار نمی‌گیرد. دوست دارم این اتفاق را به پای تعطیلی چندماهه هیات و شلوغی بیش از اندازه دستور جلسات اولیه آن بگذارم و امید داشته باشم این روند متوقف می‌شود و جای خود را به افزایش شفافیت در تصمیمات و مباحث کارشناسی می‌دهد که البته با نگاهی به سابقه دست‌اندرکاران کنونی، جای خوش‌بینی وجود دارد.

توسعه پایدار این ساختار بزرگ و تاثیرگذار را به مخاطره بیاندازد. ای کاش زمانی که در تابستان ۱۳۹۷ متاسفانه شاهد بروز بیش از ۴۰۰۰ مگاوات خاموشی در برخی ساعات در شبکه برق کشور بودیم، مجموعه وزارت نیرو به جای جلوگیری از انتشار ارقام و آمار تولید برق و مصرف آن در کشور نگاهی بی‌طرفانه به نتیجه برخی از تصمیمات گذشته خود می‌انداختند و در فکر جلوگیری از بروز مجدد آن بودند. آمار و ارقامی که خوراک کارشناسی مناسبی برای فعالان بازار برق کشور برای افزایش کیفیت آن بود اما متاسفانه به گناه افزایش شفافیت در بازار از تیرماه ۱۳۹۷ دیگر منتشر نشدند.

مشکلات فزاینده در تامین نقدینگی و بودجه از یک طرف همزمان با افزایش هزینه‌های مدیریتی و بهره‌برداری از صنعت که ناشی از ناپایداری در شرایط سیاسی و اقتصادی کشور است به نحوی عیان بر دوش مدیران کارآمد صنعت برق سنگینی می‌کند. پر واضح است که عبور از چنین مقطع حساسی با چالش‌ها و ناهمواری‌های زیادی همراه خواهد بود. اشاره به این نکات به این معنی است که تولیدکنندگان بخش خصوصی قدرت درک شرایط بحرانی که مدیران تصمیم‌گیر در صنعت برق در آن قرار گرفته‌اند را دارند و با تمام توان تلاش خواهند نمود آنان را در عبور از شرایط کنونی صنعت بزرگ برق ایران یاری نمایند. اما در عین حال به خاطر داشته باشیم رعایت اصول راهبری چنین نظام اقتصادی پیچیده‌ای که در حال حاضر بر صنعت برق ایران حاکم است نباید فدای دستاوردهای زودگذر و کوتاه‌مدت مدیران کنونی شوند. قطعاً اعضای کنونی هیات تنظیم بازار برق به مراتب بیش از نگارنده این سطور با مشکلات حال و آینده صنعت آشنایی دارند و به طور قطع می‌دانند بازاری که عملکردهای ذاتی خود را از دست بدهد عملاً باری خواهد بود بر دوش وزارت نیرو به نحوی که نبودش بهتر از بودنش خواهد بود. امید است تدبیر اعضای هیات تنظیم در هدایت بازار به سمت کارآمدتر شدن همراه با رقابت سالم با وجود اینکه احتمالاً زحمت وزارت نیرو را برای کوتاه مدت در زمینه تامین بودجه افزایش خواهد داد؛ اما از بروز مشکلات مهم‌تر در آینده نه چندان دور در تامین امنیت عرضه برق با کیفیت، ایمن و اقتصادی جلوگیری کند.

پشت درهای بسته تصمیم نگیریم

رمزارزها برای صنعت برق فرصت است

مواهب آن برای کشور در میان اعضای هیات محترم دولت و مجلس بازخوردهای مثبتی داشته و به نظر می‌رسد به زودی با پشتوانه قانونی محکم‌تری این صنعت به کار خود ادامه دهد. (این یادداشت پیش از مصوبه ۱۳ مرداد هیات وزیران در مورد صنعت رمزارزها نوشته شده است.)

مسئولان محترم وزارت نیرو که با انگیزه گذر از اوج مصرف فصل گرما دست به این کار زدند نیت خود را با طرح تعرفه‌ای جدید و افزایش شدید آن در قالب تعرفه صادراتی مطرح کردند. با آنکه مفهومی به نام «تعرفه صادراتی» در تعرفه‌های مصوب وجود ندارد، این امر اشاره‌ای به تعدادی قرارداد مبادله برق با کشورهای همجوار است که هر کدام نرخ‌های متفاوتی داشته و تنها برای تسویه حساب دوره‌ای از آنان استفاده می‌شود که در مواقع اوج مصرف از شبکه یکدیگر استفاده می‌کنند و حجم اندکی از مصرف داخلی هر طرف را شامل می‌شود، نه مبنای محاسبه نرخ برق داخلی آنان که با ملاحظات فراوان دیگری همراه است. نمونه‌ای کاملاً مشابه نرخ هر دقیقه تلفن همراه داخل در مقایسه با رومینگ بین‌الملل است که برای مثال با کشور آلمان ۵۰ تا ۸۵ برابر نرخ مکالمه داخلی است. اپراتورهای تلفن همراه در کشور سوئیس به واسطه همجواری با کشورهای ثروتمند اطراف خود و سیل گردشگران و تجار، درآمدهای نجومی از رومینگ بین‌المللی دارند.

اصولاً تعیین نرخ و تعرفه‌گذاری برای استفاده از زیرساخت‌های کشور مانند راه‌آهن، انرژی و مخابرات که تماماً از محل درآمدهای عمومی یا منابع داخلی شرکت‌های دولتی تامین شده است، تنها در چارچوب مباحث کلان و دوره‌های بلندمدت برنامه‌ریزی اقتصادی قابل تعریف است. تعرفه خدمات و محصولات دولتی عموماً بدون توجه به کاربری آنها و تنها از منظر تاثیر بر اقتصاد ملی یا نقش آنها در قیمت تمام‌شده سایر کالاها و خدمات استراتژیک تعیین می‌شود، نه سود و منفعت کوتاه‌مدت صنایع خرد. بر فرض نیت دولت به این امر و به هر دلیل، حمایت از یک بخش یا یک محصول در قالب جایزه و یا کمک

از اوایل خردادماه سال جاری عواملی از شرکت توانیر به برخی از مزارع تولید بیت‌کوین که به ماینینگ یا کان‌کاوی مشهور شده‌اند مراجعه و نسبت به قطع اشتراک برق آنان اقدام و اعلام کردند که «این فعالیت غیرقانونی است و نرخ تعرفه آن نیز باید تجاری محاسبه شود.» چند روز بعد در تاریخ ۱۳۹۸/۳/۲۶ مدیرعامل محترم شرکت توانیر بخشنامه‌ای صادر کرد.

از اوایل خردادماه سال جاری عواملی از شرکت توانیر به برخی از مزارع تولید بیت‌کوین که به ماینینگ یا کان‌کاوی مشهور شده‌اند مراجعه و نسبت به قطع اشتراک برق آنان اقدام و اعلام کردند که «این فعالیت غیرقانونی است و نرخ تعرفه آن نیز باید تجاری محاسبه شود.» چند روز بعد در تاریخ ۱۳۹۸/۳/۲۶ مدیرعامل محترم شرکت توانیر بخشنامه‌ای با مضمون ذیل صادر کرد: «به دلیل گسترش فعالیت‌های کان‌کاوی و عدم تامین موارد ذیل مزارع مذکور موقتاً تعطیل می‌شوند:

الف- عدم وجود مجوز فعالیت برای این صنعت
ب- عدم وجود تعرفه خاص»

هم‌زمان با صدور این بخشنامه مسئولان محترم وزارت نیرو با بهره‌راه انداختن سازوکار رسانه‌ای این صنعت را با عناوین قاچاق برق یارانه‌ای مورد خطاب قرار داده و تنها متکی بر برداشت‌های داخلی خود و به‌رغم عدم همراهی و تایید سایر دستگاه‌های اجرایی اصلی، خود را به مخالف سرسخت این صنعت تبدیل کرده و کسب‌وکار قانونی و بسیار مفید به حال کشور در این مقطع سخت تحریم‌های ناجوانمردانه را به سمت نابودی سوق می‌دهند. خوشبختانه روشننگری فعالان این صنعت و طرح و بحث

تعرفه (سنت)	درصد سود عوامل اجرایی
۰.۸۳	۱۹.۰
۱	۱۸.۳
۲	۱۲.۲
۳	۶.۱
۴	۰.۰
۵	-۸۲



مسعود داوری نژاد
مشاور فناوری
اطلاعات و ارتباطات

تولید برق) منطقی به نظر نمی‌رسد و تنها چشم داشتن دولت به کیسه مردم استنباط می‌شود. البته با کم‌رنگ شدن اهمیت توسعه اقتصادی و غلبه مدیران و اقتصاد دولتی و در غیاب سازمانی با مسوولیت توسعه چنین اموری طبیعی است. مواردی که در بالا به‌عنوان اصول مطرح شد در واقع مبنای عمل سال‌های کشور بوده که دلایل

مستقیم صورت می‌گیرد، نه گران کردن همان خدمات دولتی برای سایر بخش‌ها. یکی از اصول و مبنای تفکیک یا تمایز تعرفه‌ای در یک بخش بر اساس قیمت تمام‌شده آن خدمات است. برای مثال در تعرفه حمل‌ونقل جاده‌ای یا ریلی باید تعرفه حمل‌ونقل یخچالی با عادی تفاوت

جدول شماره ۱

فروض محاسبات مربوط به درآمد کان‌کاو بیت کوین		
برق قابل تأمین (کل مصرف صنعت کان‌کاو کشور)	۵۶۳	مگاوات
تعداد دستگاه‌های قابل بهره‌برداری	۳۷۵,۰۰۰	دستگاه
متوسط توان یک دستگاه	۱۲.۵	تراشه
متوسط مصرف یک دستگاه	۱.۵	کیلووات ساعت
متوسط تعرفه صنعتی ۴-الف برای یک کیلووات ساعت برق	۱,۰۳۲	ریال
متوسط جایزه استخراج برای یک تراشه در روز	۰.۳۳	دلار
برابری یک دلار با ریال	۱۲۵,۰۰۰	ریال

داشته باشد؛ ولی تعیین تعرفه از جنبه پرسود بودن بار برای صاحب آن مشکلات عدیده بعدی را ایجاد می‌کند که دور از روال‌های توسعه‌ای است. اصولاً نباید تفکیکی بین حمل‌موز و خیار و هندوانه با گچ و خاک و آهن به‌غیراز وزن محموله وجود داشته باشد. یک‌بار سال‌ها قبل در دعوی با شرکت مخابرات ایران که تعرفه‌های متفاوتی برای نصب تلفن، دستگاه نامبر و مودم به روی خطوط تلفن ثابت قائل شده بودند، چنین تعرفه‌گذاری‌هایی مردود شناخته شده و حذف شدند؛ ولی اکنون وزارت نیرو به دنبال احیای آن است. تعرفه‌های مصوب برق تاکنون در پنج فصل با عناوین ۱. خانگی، ۲. عمومی، ۳. تولید (آب و کشاورزی)، ۴. صنعت و معدن و ۵. سایر طبقه‌بندی و احصا شده‌اند و تنها تفکیکی که در فصل ۴ (صنعت و معدن) مشاهده می‌شود قدرت بالای ۳۰ کیلووات و پایین آن است، نه نوع صنعت. در فصل ۴ تمایز یا تفکیکی از نظر پرمصرف بودن یا کم‌مصرف بودن صنعت یا معدن (بالای ۳۰ کیلووات) دیده نمی‌شود، به این ترتیب تفاوتی در تعیین تعرفه برای صنایع آلومینیوم و ریخته‌گری که بسیار پرمصرف هستند با پتروشیمی که درآمد ارزی فوق‌العاده‌ای دارد و پرمصرف هم است (و ارزش حاصله را هم به راحتی به بانک مرکزی نمی‌دهد) یا صنایع الکترونیک و نظایر آن دیده نمی‌شود. چرا در مورد صنعت کان‌کاو تمام این اصول و رویه‌ها زیر پا گذاشته می‌شود؟ تنها اعلام پرمصرف بودن این صنعت (۷٪ درصد کل

جدول شماره ۲

برآورد مصرف برق و هزینه آن برای مزرعه‌های کشور (۵۶۳ مگاوات) با تعرفه صنعتی				
ساعت	روز	ماه	سال	
۱.۵	۳۶	۱۰۹۴	۱۳۱۴۰	مصرف برق یک دستگاه (کیلووات)
۵۶۳	۱۳,۵۰۰	۴۱۰,۴۰۰	۴,۹۲۷,۵۰۰	مصرف برق کل مزرعه (مگاوات)
۴,۶۴۴	۱۱۱,۴۵۶	۳,۳۸۸,۲۶۲	۴۰,۶۵۹,۱۴۹	هزینه برق کل مزرعه‌ها (دلار)

مهمی در یک اقتصاد توسعه‌ای برای آن متصورند که برخی در ذیل آورده شده است:

۱. تفکیک بخش‌ها و صنایع از جنبه بهره‌برداری و متمتع شدن از زیرساخت‌های دولتی و انفال مانند تعرفه‌ها و وام‌های ترجیحی ممکن است در کوتاه‌مدت تأثیرات مثبتی بر یک صنعت داشته باشد؛ ولی در بلندمدت به دلیل ایجاد رانت برای آنان به صنایعی ضعیف و شکننده تبدیل می‌شوند.

۲. این نوع تعرفه‌گذاری برای یک صنعت که تنها بازده سرمایه‌گذاری و سود آن برای دولت چشمگیر شده، اساساً مزیت‌های داخلی برای جلب سرمایه‌گذاری داخلی یا مستقیم خارجی و یا فرصت‌های اشتغال جدید را به باد می‌دهد.

۳. صحیح نیست دولت با دخالت در عوامل تولید یا بازار یک صنعت مانند اعمال تعرفه‌های خاص برای واردات مواد اولیه یا خدمات دولتی آن یا مالیات ویژه یک صنف را بر صنف دیگری ترجیح دهد. هر نوع تبعیض در این موارد منجر به رانت‌خواری و مفساد بعد خواهد شد. برای مثال اگر تعرفه برق کان‌کاو چند برابر تعرفه

جدول شماره ۳

برآورد میزان سرمایه‌گذاری برای ایجاد مزرعه‌های کان‌کاو (۵۶۲ مگاوات) به دلار	
تجهیزات کان‌کاو	۳۳۷,۵۰۰,۰۰۰
حمل‌ونقل	۱۳,۱۲۵,۰۰۰
هزینه‌های زیرساخت (وام)	۳۹,۳۷۵,۰۰۰
حقوق و عوارض گمرکی و مالیات (۱۹٪)	۶۰,۷۵۰,۰۰۰
جمع دلار	۴۵۰,۷۵۰,۰۰۰

جدول شماره ۴

هزینه‌های برق بر اساس تعرفه مصوب و پنج تعرفه فرض شده به دلار				
تعرفه یک کیلووات (سنت)	یک روز (دلار)	یک ماه (دلار)	یک سال	
			(دلار)	نسبت به کل
۰.۸	۱۱۱,۴۵۶	۳,۳۸۸,۲۶۲	۴۰,۶۵۹,۱۴۹	۷.۲%
۱	۱۲۶,۰۰۰	۳,۸۳۰,۴۰۰	۴۵,۹۶۴,۸۰۰	۸.۱%
۲	۲۵۲,۰۰۰	۷,۶۶۰,۸۰۰	۹۱,۹۲۹,۶۰۰	۱۶.۳%
۳	۳۷۸,۰۰۰	۱۱,۴۹۱,۲۰۰	۱۳۷,۸۹۴,۴۰۰	۲۴.۴%
۴	۵۰۴,۰۰۰	۱۵,۳۲۱,۶۰۰	۱۸۳,۸۵۹,۲۰۰	۳۲.۶%
۵	۶۳۰,۰۰۰	۱۹,۱۵۲,۰۰۰	۲۲۹,۸۲۴,۰۰۰	۴۰.۷%

است که درآمد اشخاص و موسسات به جهت پرداخت سهم‌شان در هزینه‌های اداره کشور و رشد و توسعه آن جرح و تعدیل می‌شود و باز کردن شاخه‌های دیگر با همین انگیزه‌ها تعادل‌های مهم اداره کشور را برهم می‌زند و معلوم نیست به عدالت و اهداف و منافع ملی منجر شود. در نظام مالیاتی کشور نیز مالیات اشخاص حقوقی ۲۵ درصد سود بدون تفکیک نوع صنعت یا فعالیت تعیین شده است.

در جداول یک تا ۶ ضمیمه، سعی شده تصویری از میزان سرمایه‌گذاری، هزینه و بازگشت سرمایه و سود در صنعت کان‌کاوی ارائه شود، با این هدف که افزایش هزینه برق چه تاثیری بر بازگشت سرمایه و سود در این صنعت خواهد داشت. همچنین در جدول شماره هفت تفکیک و طبقه‌بندی از بازبگرا صنعت کان‌کاوی با این انگیزه ارائه شده که افزایش تعرفه تاثیرات متفاوتی برای هر گروه داشته که برخی را خیلی سریع از کسب‌وکار خارج می‌کند. اگر مشارکت‌های ساخت‌وساز در بخش مسکن را الگویی برای تعیین سهم سرمایه‌گذار در صنعت کان‌کاوی فرض کنیم که صاحب ملک با عوامل سازنده در عرف بازار حول و حوش تقسیم ۶۰ درصدی منافع عقد قرار کرده‌اند، در جدول شماره پنج سهم ۵۰ درصدی برای سرمایه‌گذار در نظر گرفته شده که با نوسانات شدید بیت‌کوین از ریسک بالایی برخوردار است. با این فرض سهم عوامل اجرایی (میهمان‌داری) مندرج در جدول ذیل با فرض تعرفه دو سنت به ۱۲/۲ درصد و با فرض سه سنت تنها به ۶/۱ درصد از کل استخراج می‌رسد و بیشتر از آن به کلی ضررده می‌شود.

همچنین قابل توجه است که با افزایش هزینه برق از وضعیت فعلی به دو سنت، مالیات قابل وصول دولت (سنتون ۱۰) از مبلغ ۲۱/۶ میلیون دلار به ۸/۸ میلیون دلار و در صورت افزایش به سه سنت صفر خواهد شد. در حال حاضر سرمایه‌گذاری در استخراج بیت‌کوین ظرف مدت ۱۳ ماه مستهلک می‌شود که با وجود ریسک بالا، اشتیاق فراوانی در سرمایه‌گذاران دیده می‌شود. با افزایش تعرفه به سه سنت این زمان به ۲۰ ماه افزایش خواهد یافت که انگیزه و اشتیاق سرمایه‌گذاران را به صورت جدی کاهش خواهد داد و سرمایه‌گذاری در گرجستان مورد توجه قرار خواهد گرفت. افزایش تعرفه برق تاثیرات متفاوتی بر گروه‌های فعال در صنعت کان‌کاوی خواهد داشت. اولین گروه که تنها فعالیت میهمان‌داری را بر عهده دارند با افزایش تعرفه به سه سنت این حرفه را ظرف چند ماه ترک خواهند کرد؛

مگر آنکه با سرمایه‌گذاران و صاحبان دستگاه‌ها به‌رغم قراردادهای منعقد شده و در حال اجرا با آنان به توافق دیگری برسند که نهایتاً کاهش سود آنان متوجه سرمایه‌گذار خواهد شد. این بخش عموماً جوانانی هستند که با سرمایه اندک وارد

صنعتی برق شود در مدت کوتاهی بهره‌برداران به صورت پنهان و زیرزمینی و پراکنده به مصرف برق با تعرفه ارزان کشیده می‌شوند که مکانیزم‌های نظارتی به واسطه پراکندگی قادر به تشخیص آن نبوده و خود عاملی برای فساد همان عوامل نظارتی و کاهش درآمدشان و سوق دادن جامعه به سمت قانون‌گریزی نیز خواهد شد. نمونه بارز این امر دو نرخی شدن دلار در اقتصاد کشور است که موجب مفاسد متعددی از جمله رانت‌خواری سازمان‌یافته و آلوده‌شدن مسوولان مربوطه است.

۴. در یک اقتصاد سالم نظام مالیاتی تنها جایی

جدول شماره ۵

برآورد درآمد کان‌کاوی کل مزرعه‌های کشور (۵۶۲ مگاوات) و تقسیم سود آن بر اساس ۵۰٪ سهم سرمایه‌گذار				
عوامل	مبلغ (دلار) و سهم از کل		مانده	
	۲	۳	۴	۵
۱ کل استخراج بیت‌کوین	۵۶۴,۶۰۹,۳۷۵	۱۰۰		
۲ سرمایه‌گذار	۲۸۲,۳۰۴,۶۸۸	۵۰.۰	۲۸۲,۳۰۴,۶۸۸	۵۰.۰
۳ راهبري	۲۵,۴۰۷,۴۲۲	۴.۵	۲۵۶,۸۹۷,۲۶۶	۴۵.۵
۴ اجاره محل و تسهیلات	۱۹,۷۶۱,۳۲۸	۳.۵	۲۳۷,۱۳۵,۹۳۸	۴۲.۰
۵ وام یک ساله ۳٪	۵۱,۹۷۵,۰۰۰	۹.۲	۱۸۵,۱۶۰,۹۳۸	۳۲.۸

سهم (درصد) سود از کل	سود خالص (دلار)	مالیات (۲۵٪) (دلار)	سود ناخالص (دلار)	تعرفه یک کیلووات (سنت)		سهم برق و مالیات (دلار)
				۷	۸	
۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶
۱۹.۲	۱۰۸,۳۷۶,۳۴۲	۳۶,۱۲۵,۴۴۷	۱۴۴,۵۰۱,۷۸۹	۷.۲	۴۰,۶۵۹,۱۴۹	۰.۸۳
۱۸.۵	۱۰۴,۳۹۷,۱۰۳	۳۴,۷۹۹,۰۳۴	۱۳۹,۱۹۶,۱۳۸	۸.۱	۴۵,۹۶۴,۸۰۰	۱
۱۲.۴	۶۹,۹۲۳,۵۰۳	۲۳,۳۰۷,۸۳۴	۹۳,۲۳۱,۳۳۸	۱۶.۳	۹۱,۹۲۹,۶۰۰	۲
۶.۳	۳۵,۴۴۹,۹۰۳	۱۱,۸۱۶,۶۳۴	۴۷,۲۶۶,۵۳۸	۲۴.۴	۱۳۷,۸۹۴,۴۰۰	۳
۰.۲	۱,۳۰۱,۷۳۸	۰	۱,۳۰۱,۷۳۸	۳۲.۶	۱۸۳,۸۵۹,۲۰۰	۴
-۷.۹	-۴۴,۶۶۳,۰۶۳	۰	-۴۴,۶۶۳,۰۶۳	۴۰.۷	۲۲۹,۸۲۴,۰۰۰	۵

جدول شماره ۶

سهم سرمایه‌گذار از کل استخراج با فرض تعرفه‌های متفاوت			۶۰%	۱
سهم از کل	سود خالص (میلیون دلار)	تعرفه (دلار)		
۱۱.۵	۶۴.۸	۰.۰۰۸		
۱۰.۸	۶۰.۹	۰.۰۱۰		
۴.۷	۲۶.۴	۰.۰۲۰		
-۱.۴	-۸.۱	۰.۰۳۰		
-۱۰.۰	-۵۶.۷	۰.۰۴۰		
-۱۸.۲	-۱۰۲.۷	۰.۰۵۰		

سهم سرمایه‌گذار از کل استخراج با فرض تعرفه‌های متفاوت			۵۰%	۲
سهم از کل	سود خالص (میلیون دلار)	تعرفه (دلار)		
۱۹.۰	۱۰۷.۲	۰.۰۰۸		
۱۸.۳	۱۰۳.۲	۰.۰۱		
۱۲.۲	۶۸.۷	۰.۰۲		
۶.۱	۳۴.۳	۰.۰۳		
۰.۰	-۰.۳	۰.۰۴		
-۸.۲	-۴۶.۲	۰.۰۵		

سهم سرمایه‌گذار از کل استخراج با فرض تعرفه‌های متفاوت			۴۰%	۳
سهم از کل	سود خالص (میلیون دلار)	تعرفه (دلار)		
۲۶.۵	۱۴۹.۵	۰.۰۰۸		
۲۵.۸	۱۴۵.۶	۰.۰۱۰		
۱۹.۷	۱۱۱.۱	۰.۰۲۰		
۱۳.۶	۷۶.۶	۰.۰۳۰		
۷.۵	۴۲.۱	۰.۰۴۰		

سود معضلات حقوقی برای آنان ایجاد می‌کند. مطمئناً این گروه در دور بعدی فعالیت خود، اگر از قراردادهای موجود سالم خارج شوند، قراردادهای متفاوتی را برای تامین سرمایه منعقد خواهند کرد. گروه سوم موسسات و شرکت‌هایی متعلق به بخش‌های عمومی و نهادها مانند بانک‌ها هستند که غالباً در تامین سرمایه برای خرید تجهیزات و برپاسازی زیرساخت‌ها مشکلی نداشته و تامین ارز برای برخی از نیازمندی‌هایشان اولویت داشته و نه نرخ بازده سرمایه که به هر صورت چشمگیر بوده است. این گروه برخلاف دو گروه اول با افزایش‌های تعرفه برق دچار بحران و تعطیلی کسب‌وکار نخواهند شد و از آستانه تحمل بالاتری برخوردار هستند. اکنون که مباحث مربوط به سامان‌دهی صنعت کان‌کاوی و تعیین تعرفه برق آن مورد توجه عموم قرار گرفته و اظهارنظرهای متفاوتی از سوی مسوولان در جایگاه‌های متفاوت مطرح می‌شود، بهتر است به برخی از اصولی که در این مقررات‌گذاری جدید باید مورد توجه قرار گیرد که به‌اختصار در ذیل فهرست شده است اشاره شود. هرگونه مقررات‌گذاری برای صنعت کان‌کاوی باید دربرگیرنده اصول زیر باشد:

۱. حفظ مزیت نسبی کشور در جلب سرمایه‌گذاری در مقایسه با کشورهای رقیب مانند گرجستان.
 ۲. پرهیز از صدور مجوز و جایگزینی آن با ثبت‌نام اختیاری از طریق تکمیل پرسش‌نامه و ارسال مدارک درخواستی که در صورت تطبیق شرایط و درستی مدارک، نام متقاضی در فهرست شرکت‌های صاحب‌صلاحیت قرار می‌گیرد.
 ۳. به حداقل رساندن اخذ مدارک در حد مدارک هویتی و ضروریات مربوط به صنعت و از طریق یک پنجره واحد.
 ۴. تنظیم مقررات و شرایط و محدودیت‌های یکسان برای کلیه متقاضیان بدون ایجاد رانت و امتیازهای گروهی و منطقه‌ای و تامین یکسان زیرساخت‌ها برای آنان.
 ۵. پرهیز از وضع مقرراتی که بخشی از آحاد جامعه را به سمت خلاف‌کاری و مجرمیت سوق می‌دهد. صدور مجوز نباید هیچ شخص حقیقی، شرکت و موسسه‌ای را از مواهب و مزایای کان‌کاوی محروم کند.
 ۶. تعمیم هر نوع محدودیت (یا امتیاز) برای صنعت کان‌کاوی به سایر صنایع کشور
 ۷. انتشار عمومی مجوزهای صادره و آمارها توسط مراجع مربوط.
 ۸. پرهیز از اتخاذ تصمیمات عجولانه و در پشت درهای بسته و انتشار عمومی پیش‌نویس مقررات مربوط به کان‌کاوی و رمزارزها و تعیین فرصت لازم برای بحث و نقد توسط فعالان صنعت.
- با توجه به اصول و واقعیات ذکر شده به‌اختصار پیشنهادهایی برای تصمیم‌گیرندگان این صنعت در ذیل آمده است.

شده و با اجاره سالن و انبار و برق، زیرساخت اجرای عملیات را فراهم آورده و هزینه برق و اینترنت را نیز پرداخت می‌کنند که تاکنون در حدود ۷/۵ درصد بوده و با افزایش به سه سنت نزدیک ۲۵ درصد از سهم کل خواهد شد. گروه دوم سرمایه‌گذارانی هستند که اقدام به خرید دستگاه‌ها کرده و علاقه‌ای به عملیات اجرایی نداشته و هزینه آن را به میهمان‌داران پرداخت می‌کنند. این گروه بخشی از منابع خود را با روال‌های شخصی از نزدیکان و دوستان معتمد فراهم کرده و تعهد پرداخت مشخص و تضامین مکفی به آنان داده‌اند که کاهش

جدول شماره ۷

طبقه‌بندی فعالان صنعت کان‌کاوی در کشور			
گروه	فعالیت‌ها	علاقه‌مندان و مدیران	مشتریان
گروه یک میهمان‌داری	۱	فراهم‌سازی زیرساخت شامل تأمین سالن و کانتینر و یا حوضچه، گردش هوا، برق، اینترنت، شبکه، آب، خوابگاه و خدمات نگهداری و حفاظت	مالکان کوچک تا ۵۰ دستگاه مانند دانشجویان مالکان متوسط تا ۲۰۰ دستگاه اشخاص پیشرو و علاقه‌مند به فناوری‌های نوین شرکت‌ها و مؤسسات بزرگ که برای دست‌گرمی و آشنایی اولیه وارد صنعت کان‌کاوی می‌شوند
	۲	پرداخت هزینه‌های جاری مزرعه شامل برق، اینترنت، بازرسی فنی، نگهداری و نگهداری و تعمیرات مربوط به زیرساخت‌ها	
	۳	نصب و نگهداری نرم‌افزارها، شبکه و دیوار آتش	
	۴	آزمایش دستگاه‌ها و تجهیزات کان‌کاوی در بدو تحویل	
	۵	راه‌اندازی اولیه دستگاه‌های کان‌کاوی	
	۶	مانیتورینگ درجه حرارت و رطوبت سالن‌ها و تجهیزات و مصرف برق	
	۷	نگهداری پیشگیرانه	
	۸	ارائه گزارش عملکرد به صاحبان دستگاه‌های کان‌کاوی	

گروه دو سرمایه‌گذاری	۱	تأمین دستگاه‌های کان‌کاوی	اشخاصی که مبادرت به میهمان‌داری می‌نمایند
	۲	بیمه، حمل و ترخیص و تحویل در محل مزرعه	
	۳	تأمین دستگاه‌ها و تجهیزات معیوب	

گروه سه سرمایه‌گذاری و راهبری	۱	تأمین دستگاه‌ها، زیرساخت‌ها، راهبری و نگهداری (از صفر تا صد سرمایه‌گذاری و عملیات اجرایی)	شرکت‌ها و مؤسسات بخش عمومی که جلب نرخ بازده داخلی فوق‌العاده این صنعت شده‌اند و اساساً تأمین سرمایه برای آنان مشکلی نیست.
----------------------------------	---	---	---

اشخاصی با چند دستگاه در منازل یا کارگاه‌های کوچک مشغول به کان‌کاوی هستند که به واسطه محدودیت انشعاب برق خانگی و هزینه بالای آن جریان مهمی به حساب نمی‌آیند. با افزایش راندمان (ژول تراشه) دستگاه‌های جدید و افزایش نامعقول تعرفه برق برای کان‌کاوی نسبت به تعرفه خانگی، این بخش می‌تواند به جریان عمده‌ای تبدیل شود.

پیشنهادها

الف- دولت محترم از تعیین تعرفه برای صنعت کان‌کاوی و تبعیض تعرفه‌ای در بخش صنعت و معدن دست بردارد. هرگونه تفاوت نرخ برق در صنعت موجب زیرزمینی شدن و ایجاد بازارهای خاکستری و سیاه برای دارندگان برق ارزان است و باعث سوق‌دادن بخشی از جامعه به قانون‌گریزی می‌شود.

ب- با توجه به نامتناسب بودن تعرفه‌های برق با قیمت تمام‌شده آن، تعرفه‌های بخش صنعت و معدن حتی‌المقدور باید اصلاح شود.

ج- وزارت نیرو تنها از ۵۰ درصد ظرفیتی که برای تولید انرژی سرمایه‌گذاری شده استفاده می‌کند. اندکی بهبود در این راندمان در حد ۳ درصد می‌تواند موجب ایجاد ظرفیتی معادل چهار برابر ظرفیت کان‌کاوی فعلی شود. اصلاح است وزارت نیرو به جای تعطیل کردن صنایع پرمصرف، تمرکز خود را بر بالابردن بهره‌وری مصروف دارد که با به‌کارگیری مشاوران حرفه‌ای داخلی و خارجی ممکن است.

د- صنعت کان‌کاوی همانند سایر صنایع با درآمد ارزی باید رمزارز یا ارز حاصله از فعالیت خود را در چارچوب مقررات بانک مرکزی و از طریق بازار ثانویه تبدیل و عرضه کند. بانک مرکزی با توجه به پیچیدگی ارزش‌های مجازی و ماهیت غیرمتمرکز آنها به تنهایی قادر به طراحی راهکارهای مناسب نیست و نیازمند مشاوره حرفه‌ای است.

گزارشی گزارشی گزارشی

گزارش عملکرد کمیسیون‌های تخصصی سندیکا اقدام و عمل اتاق‌های فکر سندیکا

شش ماه نخست سال ۱۳۹۸ نیز با ساعت‌ها کار کارشناسی اعضای این کمیسیون‌ها که همگی از متخصصین منتخب شرکت‌های عضو سندیکا در حوزه تخصصی کمیسیون مربوطه هستند، اقدامات خوبی انجام شد که در ادامه فهرستی از آن‌ها خواهید خواند:

کمیسیون‌های تخصصی سندیکای شرکت‌های تولیدکننده برق هر یک عهده دار بررسی کارشناسانه موضوعاتی هستند که شرکت‌های عضو سندیکا با آن روبرو می‌شوند. این بخش از سندیکا از ابتدای تشکیل و آغاز به فعالیت، به خوبی در جایگاه اتاق‌های فکر سندیکا ایفای نقش کرده است. در





تولید نیروی برق حرارتی پیرامون شرکت‌هایی که با وجود معرفی به صندوق توسعه ملی و قرار گرفتن در اولویت دریافت تسهیلات، برای گشایش اعتبار و دریافت وام مورد نظر اقدام نکرده‌اند

– ارائه گزارش به شرکت مادر تخصصی برق حرارتی در مورد میزان مطالبات شرکت‌های عضو سندیکا، بدهی این شرکت‌ها و وضعیت تسهیلات ارزی دریافتی از صندوق توسعه ملی

– بررسی موضوع قیمت بازار برق و تصمیم‌گیری در مورد آن

– بررسی نامه دریافتی از وزارت نیرو با موضوع «گزارش آسیب‌شناسی سرمایه‌گذاری با تاکید بر تسهیل فرآیند سرمایه‌گذاری و رفع موانع آن به ویژه در زمینه مقررات زاید و غیرضروری، جذب سرمایه ایرانیان مقیم خارج از کشور و همچنین واگذاری بنگاه‌های اقتصادی به بخش غیردولتی»

– بررسی دستورالعمل بند ت ماده ۴۸ مصوبه شورای اقتصاد در تاریخ ۱۳۹۷/۱۲/۲۸

● کمیسیون آموزش و پژوهش:

– تعیین عناوین و سرفصل‌های دوره‌های آموزشی

● کمیسیون مالی و اقتصادی:

– تشکیل جلسه با مدیرکل دفتر تامین منابع مالی شرکت توانیر برای بررسی موضوع چگونگی تهاثر مطالبات و بدهی‌های نیروگاه‌ها

– دعوت از مدیرکل دفتر تامین منابع مالی شرکت توانیر برای بررسی چگونگی حل مشکلات شرکت‌های عضو که از صندوق توسعه ملی وام ارزی دریافت کرده‌اند.

– برگزاری نشست با موضوع «بررسی مشکلات مربوط به بازپرداخت تسهیلات ارزی دریافتی از صندوق توسعه ملی تولیدکنندگان برق» با حضور تعدادی از اعضای سندیکای شرکت‌های تولیدکننده برق، رییس و اعضای انجمن تولیدکنندگان ترکیبی نیرو، حرارت و برودت ایران (CHP) و نمایندگان انجمن انرژی‌های تجدیدپذیر ایران در اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران

– تهیه و ارسال نامه با موضوع «مشکلات سرمایه‌گذاران در صنعت برق» به دفتر رهبر معظم انقلاب اسلامی، معاون اول رییس‌جمهور، وزیر نیرو و رییس امور انرژی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی

– ارائه گزارش به وزارت نیرو و شرکت مادر تخصصی



هم‌فکری در خصوص پیش‌گیری از کاهش نرخ در سال جاری و تدوین گزارش در این زمینه
 بررسی آمار مربوط به اختلاف بین آرایش فنی و اقتصادی با تولید و همچنین اختلاف بین آرایش فنی و اقتصادی به اضافه OC با تولید در سال ۹۷ (بررسی موضوع رفع اختلاف بین بازار و مرکز)
 مشخص کردن رویه اعلام دوره محدودیت سوخت و تخصیص سوخت به واحدهای نیروگاهی
 نحوه اجرایی کردن دستورالعمل بند ت ماده ۴۸ قانون برنامه ششم توسعه (پیش‌نیازها، الزامات، انتظارات مالکین نیروگاه‌های خصوصی و ...)
 تشکیل کارگروه بررسی نرم‌افزار جدید SCUC و برگزاری جلسات آن (متشکل از اعضای کمیسیون بازار برق و مدیران و کارشناسان شرکت مدیریت شبکه برق ایران)

● کمیسیون بیمه و مالیات:

بررسی مشکلات عمده شرکت‌ها در سازمان‌های امور مالیاتی و تامین اجتماعی و تصمیم‌گیری در این مورد
 دعوت از نمایندگان بیمه نوین به منظور معرفی و بیان شرایط همکاری این شرکت با اعضای سندیکا
 تشکیل جلسه با مدیر امور بیمه اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران در مورد درخواست معرفی نماینده سندیکا برای حضور در هیات‌های حل اختلاف تامین اجتماعی و بیان عمده مشکلات شرکت‌های عضو در امور بیمه‌ای
 تدوین نامه‌ای با محتوای بیان مشکلات عمده شرکت‌های عضو سندیکا در امور بیمه‌ای و پیشنهادات مربوطه برای ارسال به اتاق تهران به منظور تشکیل جلسه با مدیران ارشد ستادی سازمان تامین اجتماعی
 بررسی بخشنامه ارسالی از مدیرکل دفتر فنی و اعتراضات مودیان مورخ ۱۳۹۸/۰۲/۰۷ در مورد مالیات بر ارزش افزوده و تصمیم‌گیری در مورد آن
 تشکیل جلسه با معاون محترم مالیات‌های مستقیم سازمان امور مالیاتی در خصوص اعمال جریمه‌های ماهانه در فاصله بین ارسال درخواست مودی برای تهاجر (مالیات ابرازی، برگه تشخیص یا برگه قطعی مالیات) تا زمان صدور مصوبه هیات وزیران
 بررسی نامه دریافتی از سازمان امور مالیاتی در مورد بخشودگی جرایم مالیاتی

ماهانه و اساتید مجرب برای هر دوره
 انجام نیازسنجی آموزشی از شرکت‌های عضو
 برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری برای برگزاری سمینارهای آموزشی فصلی
 بررسی درخواست شرکت‌ها در مورد برگزاری دوره‌های آموزشی
 برگزاری سمینار کایزن- ۵S در شهر مشهد.
 برگزاری دوره‌های آموزشی ماهانه
 برگزاری کارگاه پرسش و پاسخ در مورد مسائل مالی و بازار برق با حضور مدیران مالی و بازار برق شرکت‌های عضو و مدیران و کارشناسان شرکت مدیریت شبکه برق ایران
 همکاری با JCCME (مرکز همکاری‌های ژاپن و خاورمیانه) برای برگزاری دوره آموزشی پیشرفته تعمیرات و نگهداری نیروگاه‌ها در کشور ژاپن در آبان ماه ۱۳۹۸

● کمیسیون بازار برق و بورس انرژی:

بررسی اطلاعیه شماره ۱۴۰۳ معاونت بازار برق شرکت مدیریت شبکه با موضوع مشارکت داوطلبانه واحدهای تولیدی که تاکنون معاف از کنترل اولیه فرکانس بوده‌اند



بررسی مصوبه تعیین مقررات (نرخ و ضوابط مرتبط) ترانزیت انرژی الکتریکی در شبکه برق کشور
 بررسی ضوابط تعیین سقف نرخ انرژی و نرخ پایه آمادگی بازار عمده‌فروشی برق و تهیه پیش‌نویس مصوبه آن

خصوص لزوم تایید شرکت بهره‌بردار نیروگاه به صورت سالانه توسط شرکت مادر تخصصی تولید نیروی برق حرارتی به عنوان پیش شرط تمدید پروانه بهره‌برداری هر نیروگاه، تبعات ناشی از تمدید و عدم تمدید پروانه برای اعضای سندیکا و تدوین نامه‌ای در این زمینه خطاب به معاونت برق و انرژی وزارت نیرو

– بررسی احکام صادره در دیوان عدالت اداری در خصوص غیرقانونی بودن اعمال جریمه پروانه بهره‌برداری و اعمال نشدن تعدیل سنواتی بر نرخ آمادگی بازار برق

– بررسی آیین‌نامه اجرایی تبصره ۱۴ قانون بودجه سال ۱۳۹۸ در هیأت وزیران در مورد تعیین نرخ ۱۰۰۰ ریال به ازای هر کیلووات ساعت برق خریداری شده با پرداخت‌های مرتب ماهیانه فقط به نیروگاه اتمی بوشهر (این امر تاییدی بر لزوم افزایش نرخ خرید برق در وزارت نیرو است.)

– طرح مجدد موضوعات اصلاحی مرتبط با قراردادهای بازار برق پس از استقرار هیات تنظیم بازار برق

● کمیسیون مهندسی و سیستم‌ها:

دعوت از مدیر دفتر تجاری‌سازی و اکتساب فناوری پژوهشگاه نیرو در زمینه بررسی زمینه‌های همکاری سندیکا با این دفتر

– بررسی درخواست شرکت تابان انرژی برق شیراز در مورد موضوع بهره‌برداری و نگهداری از نیروگاه‌ها، انجام تعمیرات دوره‌ای واحدهای تولید برق و امکان تامین قطعات یدکی در بخش‌های مکانیک، الکتریک و ابزار دقی

– تعیین سرفصل‌ها و زیرگروه‌های مربوط به موضوع «تحلیل کلان عملکرد و روند تولید برق کشور از دیدگاه مهندسی، بررسی شاخص‌های اصلی آن و مقایسه با سایر کشورها»

– بررسی درخواست گروه مهندسی هیدروتست

– بررسی طرح «راکتور رطوبتی هیبریدی چند منظوره»

● کمیسیون مقررات و قراردادهای

– بررسی دستورالعمل جدید مدیریت شبکه در



گزارش دومین نشست هم‌اندیشی با اعضای سندیکا در سال ۹۸

کسب تکلیف در مورد

یک اقدام جمعی

اعلام نظر کنند. بر این اساس محمدعلی وحدتی رییس هیات‌مدیره سندیکا در ابتدا به گسترش دامنه تهاثرها و شامل شدن بدهی‌های بانکی اشاره کرد که سال گذشته با پی‌گیری سندیکا و کمک و همراهی دیگر نهادهای ذی‌ربط صورت گرفته بود. وی با بیان این مطلب خاطر نشان کرد: با این حال بخشی از بدهی‌ها که مربوط به تسهیلات ارزی اخذ شده از صندوق توسعه ملی بود با توجه به تغییر در پایه پولی، چه در بودجه سال گذشته و چه در قانون بودجه سال جاری مشمول تهاثرهای سه‌جانبه نشد. این در حالی بود که در چهار ماهه نخست سال جاری با وجود جهش چند برابری قیمت تمام اقلام ضروری و نرخ ارز، متوسط نرخ فروش برق در بازار نه تنها از این شاخص در سال ۹۷ پایین‌تر بود، بلکه حتی ۳۰ درصد کمتر از این نرخ در مدت مشابه سال ۹۴ بوده است.

رییس هیات‌مدیره سندیکا در این رابطه با توضیح این مطلب که از ابتدای سال، سندیکا تمام همت خود را معطوف به پی‌گیری اصلاح نرخ خرید برق از نیروگاه‌ها کرده است، به عملکرد تبعیض‌آمیز وزارت نیرو در مورد تدوین آیین‌نامه‌های اجرایی برای ماده‌های مختلف دستورالعمل بند «ت» ماده ۴۸ قانون ششم توسعه اشاره داشت. به گفته وحدتی آیین‌نامه ترانزیت برق در حالی طی نخستین ماه‌های سال ابلاغ شد که هنوز تکلیف ماده ۶ دستورالعمل مذکور مشخص نشده است. گفتنی است این ماده از دستورالعمل خرید تضمینی برق، وزارت نیرو را مکلف می‌کند در فاصله کمتر از ۲ ماه از ابلاغ این دستورالعمل ضوابط تعیین نرخ پایه آمادگی و سقف نرخ انرژی در بازار برق را مشخص کند.

دومین نشست هم‌اندیشی با اعضای سندیکا در سال ۱۳۹۸ روز شنبه پنجم مرداد ماه در سالن رودکی پژوهشگاه نیرو برگزار شد. این نشست هم‌اندیشی فرصت مغتنم دیگری برای در میان‌نهادن بی‌واسطه دغدغه‌های اعضای سندیکا با هیات‌مدیره این تشکل بخش خصوصی بود تا با چند ساعت بحث و تبادل نظر، دستیابی به موضوعی مشترک به نمایندگی از شرکت‌های عضو امکان‌پذیر شود.



در این نشست اعضای هیات‌مدیره سندیکا ضمن ارائه گزارش‌هایی از جلساتی با مسئولین دولتی و اقدامات انجام‌شده توسط سندیکا، از دیگر حاضرین نشست درخواست کردند که برای تعیین موضع سندیکا در خصوص نرخ خرید برق از نیروگاه‌ها، در برهه حساس بیک مصرف برق،

اختصاصی برای هر یک از این موارد شد.

وی انواع این قراردادهای را چنین برشمرد: دسته نخست، قراردادهای خرید تضمینی مربوط به قانون برنامه توسعه پنجم هستند که براساس بند «و» ماده ۱۳۳ این قانون منعقد شده‌اند. از شرکت‌هایی که دارای چنین قراردادهایی هستند تقاضا داریم که به صورت مکتوب اعلام کنند که آیا ابعاد مختلف مالی برای اداره نیروگاه از نظر تهیه تجهیزات و انجام تعمیرات اساسی برای برق‌رسانی به شبکه با تمام قوا در تابستان آینده به درستی تامین می‌شود؟

مطهری ادامه داد: دسته دوم نیروگاه‌هایی هستند که دوره قراردادهای خرید تضمینی خود را سپری کرده‌اند، نسبتاً بخش خوبی از سرمایه‌گذاری انجام‌شده در ساخت نیروگاه بازگشت شده است و پس از یک دوره ۵ ساله بنا است برق تولید خود را به بازار برق بفروشند. اما پیش‌بینی‌هایی که از افزایش نرخ بازار برق داشته‌اند، به واسطه وضع مقرراتی ناقص قانون توسط شرکت مدیریت شبکه برق ایران و هیات تنظیم بازار برق، محقق نشده است که البته این امر در دیوان عدالت

وحدتی در ادامه افزود: موضوع مشکلات شرکت‌ها برای بازپرداخت وام‌های ارزی در جلسه‌ای با معاون اقتصادی رییس جمهور مطرح و تاکید شد یکی از راه‌های اصلی این معضل مطابق راهکارهای ارائه‌شده در نامه‌ای با امضای مشترک وزیر نیرو و رییس هیات عامل صندوق توسعه ملی، اصلاح نرخ خرید برق از نیروگاه‌ها است. اما مسئولین امر در این جلسه در پاسخ اشاره داشتند که تنها به دنبال «پانسمن» موقت این مساله هستند. حال آنکه وضعیت اقتصاد برق چنان دچار مشکل است که نمی‌توان با این دیدگاه با آن مواجه شد.

وی در ادامه ایجاد چنین رویکردی را در دولت تا حدود زیادی به علت قصور وزارت نیرو در تبیین شرایط و مشکلات صنعت برق قلمداد کرد و با توجه به قانون step-in، دست تولیدکنندگان برق را در اعلام اعتراض به شرایط موجود تا حدود زیادی بسته دانست.

از دیگر موضوعات مطروحه در این نشست هم‌اندیشی با اعضای سندیکا، ابلاغ آیین‌نامه تبصره ۱۴ بودجه سال ۹۸ بود که در بندی از آن به وزارت نیرو تکلیف شده است که برق نیروگاه اتمی را به طور متوسط در طول سال ۱۰۰ تومان به ازای هر کیلووات‌ساعت خریداری و به طور ماهیانه تسویه حساب کند.

رییس هیات‌مدیره سندیکا با بیان این موضوع پیشینه پافشاری دولت را بر قائل شدن شرایطی خاص برای نیروگاه اتمی بوشهر تشریح کرد و گفت: هر چند این امر موجب کاهش بیش از پیش نقدینگی در وزارت نیرو می‌شود و مشکلاتی را برای نیروگاه‌های حرارتی در پی خواهد داشت، اما از این نظر که قیمت منصفانه‌تری را برای برق نسبت به نرخ‌های موجود در بازار ارائه می‌دهد، می‌تواند برای اصلاح این نرخ محل اشتراک و استناد باشد.

وحدتی بنا به مجموعه این شرایط، اظهار داشت: جمعی از دوستان پیشنهاد کردند با توجه به آنکه دولت در حال حاضر برنامه مشخصی برای حل اساسی این مشکل ندارد و ما نیز به این واسطه در تنگنای دشواری گرفتار شده‌ایم، تا زمان به نتیجه رسیدن راهکارها، دولت خود اداره نیروگاه‌ها را برعهده بگیرد تا مردم نیز آسیب نبینند. زیرا در صورت تداوم رویه سال‌های گذشته در مورد پرداخت مطالبات، احتمال اینکه نیروگاه‌ها نتوانند تعمیرات اساسی‌شان را به موقع انجام دهند، ضعیف است.

وی خاطر نشان کرد که این نشست هم‌اندیشی بیش از هر چیز برای آگاهی از نظرات نمایندگان شرکت‌های عضو در این رابطه تشکیل شده است. سیداحمد مطهری نایب‌رییس هیات‌مدیره سندیکا نیز در این رابطه به انواع مختلف قراردادهای نیروگاهی اشاره کرد و خواستار چاره‌اندیشی



اداری نیز توسط شرکت‌هایی در حال پی‌گیری است و در صدد اعمال آن هستند. سوال ما از این دسته نیروگاه‌داران آن است که آیا با توجه به اتمام دوره قرارداد تضمینی‌شان و با توجه به اقتصاد برق موجود قادر به ادامه فعالیت هستند؟

نایب‌رییس هیات‌مدیره سندیکا در دسته سوم قراردادهای از نیروگاه‌هایی یاد کرد که برق تولید آن‌ها باید در بازار برق یا بورس انرژی معامله شود و در عین حال با بدهی‌هایی مواجه هستند. در مورد این نیروگاه‌ها هر چند در دوره اوج مصرف، برق تولیدی آن‌ها به طور کامل در بازار برق به فروش می‌رسد، اما با اتمام این دوره عملاً تنها تا ۵۰ الی ۶۰ درصد ظرفیت تولید این نیروگاه‌ها در فصول غیر گرم سال خریداری و به شبکه تحویل

داده می‌شود. از مدیران این دسته از نیروگاه‌ها نیز می‌پرسیم که آیا می‌توانند در فصل سرما اورهال مور نیاز نیروگاه متبوعشان را انجام دهند و آن را برای تابستان آینده آماده کنند یا خیر؟ وی با تاکید بر آنکه سندیکا به دنبال اقدامی در راستای منافع ملی است گفت: به هیچ وجه بنای مقابله با وزارت نیرو را نداریم، بلکه صرفاً خواستار آن هستیم که نهاد متولی امر، فکری برای تولید برق در نیروگاه‌های این بخش بکند چرا که این بخش از تولید، عملاً زیربنای زیربنای کشور است. نایب‌رییس هیات‌مدیره سندیکا همچنین به گزارشی تحقیقی از مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی اشاره کرد و گفت: به استناد نموداری در این گزارش، روند سرمایه‌گذاری در بخش تولید برق متأسفانه از ۱۰ سال پیش به این سو با نوساناتی رو به کاهش بوده است، در حالی که قسمت مربوط به سرمایه‌گذاری مرتبط با بخش‌های توزیع و انتقال برق که مستقیماً در دست وزارت نیرو است، روندی صعودی را نشان می‌دهد. وی تصریح کرد: با اتکا بر این آمار و ارقام، به نظر می‌رسد وزارت نیرو بخش تولید را ظاهراً دیگر موضوع خود نمی‌داند، در حالی که قانوناً مسئولیت این بخش نیز برعهده وزارت نیرو است.

نظرات نمایندگان شرکت‌های عضو
بر اساس این مقدمات ادامه این نشست به ارائه نظرات اعضا اختصاص یافت که خلاصه‌ای از آن را در ادامه خواهید خواند:

سید محمدرضا غفاری، مدیرعامل شرکت تولید نیروی برق کارون مینا: با توجه به مناسبات متفاوتی که در انواع مختلف قراردادهای نیروگاه‌ها وجود دارد، امکان اقدامی واحد وجود نخواهد داشت. لذا در ابتدا باید طبقه‌بندی دقیقی در این رابطه صورت گیرد و برای هر یک از انواع قراردادهای و مناسباتی که نیروگاه‌ها با دولت دارند اقدامات متناسب شناسایی و انجام شود.

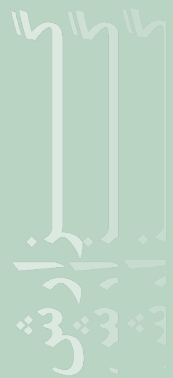
محمدرضا وزوائی، عضو هیات‌مدیره شرکت تولید نیروی برق دماوند: عملاً در اقتصاد برق کشور بر خلاف دیگر فعالیت‌های اقتصادی رویه دولتی غالب است. لذا صرفاً فروش نیروگاه‌ها به بخش خصوصی بدون اعمال حمایت‌های لازم به معنای اجرای قانون خصوصی سازی نیست.

شرکت تولید نیروی برق دماوند از سال گذشته در خصوص ثابت ماندن نرخ پایه آمادگی و سقف نرخ انرژی در بازار برق که بنا به مصوبه‌ای از هیات تنظیم بازار صورت گرفت، به دیوان عدالت اداری شکایت برده است. البته در این خصوص طرف بحث ما شخص وزیر محترم نیرو نیست و با این اقدام رویه اشتباهی را که در این زمینه توسط وزارت نیرو در پیش گرفته شده به چالش کشیده‌ایم. لذا حق قانونی خود می‌دانیم که به عنوان مدافع سهام بخش خصوصی پی‌گیر این مساله باشیم.

علیرضا صدرآبادی، مدیرعامل شرکت تدبیرسازان سرآمد: به نظر می‌آید بندی از آیین‌نامه تبصره ۱۴ قانون بودجه ۱۳۹۸ که قیمت ۱۰۰ تومان را برای برق تولیدی نیروگاه اتمی بوشهر تعیین کرده است، با مندرجات این تبصره از قانون مغایرت دارد. چرا که در بخش برق از جدول مندرج در این تبصره از قانون، هزینه خرید برق از عموم نیروگاه‌ها مد نظر بوده و نمی‌تواند یک نیروگاه را استثناء کرده در اولویت پرداخت قرار دهند. اگر این امر در هیات تطبیق قوانین مجلس با مصوبات دولت مطرح و پی‌گیری شود، می‌تواند مورد ایراد قرار گیرد و مصوبه دولت بازگردانده شود. البته معمولاً تنها بین ۱۵ تا یک ماه برای این اعتراض فرصت وجود دارد.

غلامرضا اتابکی، مدیرعامل شرکت شمس تابان: در این مقطع تنها باید بر اصلاح نرخ آمادگی انرژی متمرکز شد و برای این منظور بسیجی همگانی بین شرکت‌های عضو سندیکا و واحدهای مختلف این شکل صورت گیرد تا علاوه بر دعوای





تامین برق کشور با وزارت نیرو است، لذا ما تولیدکنندگان غیر دولتی برق، عملاً با پافشاری خود بر بحث به‌روزرسانی نرخ خرید برق از نیروگاه‌ها به کمک دولت آمده‌ایم.

مجید دبیریان، مدیرعامل گهر انرژی سیرجان:

نیروگاه‌های غیر دولتی با درآمدی ریالی باید پاسخگوی بدهی‌های فراینده ارزی خود باشند که عملاً غیر ممکن است.

برای مثال در مورد نیروگاه گوهران باید مبلغی در حدود ۵۵ میلیون یورو سالانه بابت بازپرداخت فاینانس دریافتی هزینه شود، در حالی که درآمد این نیروگاه به هیچ وجه پاسخگوی این هزینه و دیگر مبالغ نیست. لذا بنده به نمایندگی از هلدینگ تابان هور برای انجام اقداماتی جمعی جهت حل این معضل اعلام آمادگی می‌کنم.

جهانگیر پورهمدانی، مدیر امور مالی و پشتیبانی

تولید نیروی برق خوزستان غدیر: در مورد بحث اجرای آرای دیوان عدالت اداری در صورت به نظر بنده در صورت پافشاری و ایستادگی نتایج مثبتی حاصل خواهد شد و نمونه‌هایی از این امر را قبلاً نیز شاهد بوده‌ایم.

غلامرضا منانی نماینده شرکت پرشیان فولاد:

توجه به صحبت‌هایی که پیش از این داشته‌ایم پیشنهاد می‌شود سندیکا به نمایندگی از طرف تمامی شرکت‌ها، پی‌گیری آرای دیوان عدالت اداری را در مورد نرخ خرید برق از نیروگاه‌ها نمایندگی کند.

حقوقی، از نظر رسانه‌ای و مکاتبات هم اقدامات لازم انجام شود. لذا بحث بازگرداندن نیروگاه‌ها به دولت در برهه کنونی چندان مناسب نیست و موضوع را از مسیر اصلی‌اش منحرف خواهد کرد. ضمن آنکه چنین بحث‌هایی از نظر حقوقی هم به احتمال قوی شدنی نیست.

در واقع با محاسبه‌ای ساده می‌توان متوجه شد که فقط با ۳۰ تومان افزایش نرخ، سالانه ۱۰ هزار میلیارد تومان بار مالی بر وزارت نیرو تحمیل خواهد شد. طبیعی است وزارتخانه‌ای با این میزان بالای بدهی که در حال حاضر هم قادر به پرداخت آن نیست، از این انباشت مضاعف بدهی می‌هراسد. لذا باید در این مقطع حتی با چشم‌پوشی از عطف‌به‌ماسبق شدن مساله افزایش نرخ، اصلاح هر چه زودتر آن را برای معاملات بعدی قویا خواستار شویم.

علی‌اصغر مجیدی، مدیرعامل شرکت مولد نیروی

خرم‌آباد: قرارداد نیروگاه خرم‌آباد مربوط به برنامه چهارم توسعه است، در نتیجه مشکلات آن از قراردادهای نیروگاهی مربوط به برنامه پنجم توسعه هم حادث‌تر است. به طوری که طبق محاسباتی که انجام شده، IRR این نیروگاه حدود ۴ درصد است. در پی آن هستیم که اگر بتوانیم مشمول برنامه پنجم شویم یا مدت زمان قرارداد را به ۱۰ سال تمدید کنیم، تا شاید از این طریق حداقل IRR نیروگاه به ۹ یا ۱۰ درصد افزایش یابد. سیدحسین عبدالخالق‌زاده: هر چند در قانون اجرای سیاست‌های اصل ۴۴، از واگذاری نیروگاه‌ها به بخش خصوصی سخن به میان آمده، اما در عین حال صراحتاً قید شده است که مسئولیت



سمیناری برای ارتقاء فرهنگ سازمانی

گزارش سمینار کایزن و 5S در مشهد

گزارشی از سمینار
«نظام آراستگی محیط کار»
در مشهد توسط
سندیکا و
گفت‌وگوهایی در
حاشیه آن



سمینار قریب به ۲۰۰ شرکت‌کننده از شرکت‌های عضو سندیکا، شرکت برق منطقه‌ای خراسان، شرکت توزیع نیروی برق خراسان رضوی، خانه هم‌افزایی انرژی و آب، دیگر سازمان‌های حوزه آب استان خراسان (آب منطقه‌ای، آب‌فار و آب‌فای استان) و چندین شرکت و سازمان شاخص دیگر از این استان، حضور داشتند.

سندیکای شرکت‌های تولیدکننده برق با همکاری «مرکز همکاری‌های ژاپن و خاورمیانه» (JCCME)، سمینار «نظام آراستگی محیط کار» (5S) را در مشهد مقدس برگزار کرد. این سمینار صبح روز سه‌شنبه اول مرداد ماه سال جاری در سالن آمفی‌تئاتر هتل پردیسان این شهر به صورت رایگان برگزار شد. در این



اجرای آن‌ها متمرکز شدند. پرفسور فوجیتا در خصوص پیشگامان پیاده‌سازی این روش‌ها گفت: اولین شرکتی که کایزن را به عنوان یک روش مدیریتی اجرا کرد، احتمالاً کمپانی تویوتا بوده است که این امر را درست بعد از جنگ جهانی دوم آغاز کرد.

وی با بیان این مطلب تصریح کرد: البته امروزه شرکت‌های ژاپنی بر روش‌های پیشرفته‌ای چون TQM (مدیریت کیفیت جامع)، JIT (تولید به موقع) و TQC (کنترل کیفیت فراگیر) تمرکز دارند. از سوی دیگر «نوآوری» دغدغه اصلی این شرکت‌ها است که در مقابل «تغییرات کوچک» که در کایزن دنبال می‌شود تغییری بزرگ به حساب می‌آید.

پرفسور فوجیتا در ادامه اظهار داشت: هر چند مفهوم کایزن از قدمت بیشتری برخوردار است اما در عمل 5S پیش‌نیازی برای کایزن محسوب می‌شود و شامل تکنیک‌هایی بسیار بنیادی برای رفع زواید محیط کار است که خود گامی مهم برای شناسایی مساله است.

در ابتدای این سمینار، پرویز غیاث‌الدین دبیر سندیکا مختصراً به معرفی سندیکای شرکت‌های تولیدکننده برق و فعالیت‌های آن، معرفی مرکز همکاری‌های ژاپن و خاورمیانه و زمینه‌های مشترک همکاری این دو نهاد پرداخت و پرفسور فوجیتا (FUJITA)، مدرس این سمینار را به عنوان یکی از مطرح‌ترین استادان بین‌المللی این حوزه به شرکت‌کنندگان معرفی کرد. طی این سمینار در دو بخش، مطالبی با موضوعات «کایزن» (KAIZEN) و «5S» توسط پرفسور فوجیتا ارائه شد.

شناسایی و حل مساله به روش ژاپنی

پرفسور فوجیتا در گفتگویی که در حاشیه این سمینار با روابط عمومی سندیکا داشت، ابتدا به طور مختصر به توضیح این دو مفهوم و ارتباط و تفاوت آن‌ها با یکدیگر پرداخت و گفت: بسیاری از شرکت‌ها به بهبود کار علاقمندند. بهبود یا ارتقای کار به معنی بهتر انجام دادن آن است. یکی از تکنیک‌ها برای این منظور کایزن است که در واقع ایجاد تغییراتی کوچک و مستمر به منظور حل مساله و انجام بهتر کار محسوب می‌شود. بسیاری از ایرانیان در مواجهه با موضوعات مختلف می‌گویند «مشکلی نیست»، در حالی که این عبارت به معنی فقدان کایزن است. برای شروع کایزن باید متوجه شویم که نیازمند شناسایی مساله هستیم و برای تشخیص آن اقدام کنیم.

وی در ادامه افزود: کاربردهای فراوانی برای کایزن در شرکت‌های فعال در صنایع تولیدی، خدماتی و مالی و حتی ایستگاه‌های پلیس یا بیمارستان‌ها وجود دارد و این مراکز می‌توانند از به کارگیری کایزن و 5S منتفع شوند.

پرفسور فوجیتا با بیان آنکه بهره‌گیری از کایزن و 5S امروزه در کشورهای جنوب شرق آسیا مانند پاکستان، هند و سریلانکا گسترش یافته است، خاطر نشان کرد: من بارها به سریلانکا سفر کرده‌ام تا دآوری نهایی خود را در مورد اجرایی شدن 5S در صنایع این کشور انجام دهم. بر اساس این دآوری شرکتی که بهترین اقدامات را برای اجرای 5S داشته باشد مدال طلا دریافت می‌کند. مدال‌های نقره و برنز نیز به ترتیب به شرکت‌هایی که در این ارزیابی رده‌های دوم و سوم را کسب کنند، تعلق خواهد گرفت.

به گفته این استاد مطرح ژاپنی، کایزن و همچنین 5S روش‌های کهنی در کشور ژاپن هستند. اما به عنوان تکنیک‌هایی برای کسب و کار، در دهه ۱۹۷۰ میلادی بسیاری از شرکت‌ها بر



بسیاری از ایرانیان در مواجهه با موضوعات مختلف می‌گویند «مشکلی نیست»، در حالی که این عبارت به معنی فقدان کایزن است. برای شروع کایزن باید متوجه شویم که نیازمند شناسایی مساله هستیم

وی در این رابطه افزود: اگر موضوعات یا وسایل ضروری با چیزهای غیر ضروری آمیخته باشد، مساله پنهان خواهد ماند و نمی‌توانیم آن را شناسایی کنیم. برای مثال آنچه شما در منزل برای زندگی راحت‌تر انجام می‌دهید اغلب مربوط به 5S است. البته این فعالیت‌ها می‌تواند به شرکت‌ها، دولت، کل جامعه و در سطح جهانی گسترش یابد. بنابراین کایزن امروزه از حوزه خصوصی و خانه‌ها به حوزه عمومی تسری پیدا کرده است.

وی همچنین با اشاره به دوره‌ای که ۵ سال پیش با موضوع کایزن در شرکت توزیع نیروی برق مشهد برگزار شده بود و پی‌گیری‌های دیگر

نظرات شرکت‌کنندگان در سمینار

سمینار «نظام آراستگی محیط کار» در مشهد توسط بسیاری از شرکت‌کنندگان به جهت محتوا، مکان و نحوه برگزاری دارای کیفیت مناسبی ارزیابی شد و مورد قدردانی قرار گرفت. منصور سالاری رییس گروه سیستم‌های مدیریتی شرکت توزیع نیروی برق مشهد، در گفت‌وگویی

هر چند مفهوم کایزن از قدمت بیشتری برخوردار است اما در عمل 5S پیش‌نیازی برای کایزن محسوب می‌شود

بعد از برگزاری سمینار، با تایید استقبال خوب شرکت‌کنندگان از این سمینار و محقق شدن عمده اهداف مورد نظر افزود: روش تدریس آقای فوجیتا به خصوص برای افرادی که برای اولین بار در این دوره شرکت داشتند، جذابیت خاصی دارد و می‌توان با برگزاری دوره‌هایی تخصصی‌تر در کنار آن، از تکراری شدن این مباحث جلوگیری کرد و جنبه اجرایی به آن داد.

سالاری با بیان این مطلب ضمن آنکه از برگزاری دوره‌های آموزشی در روز قبل از این سمینار توسط شرکت توزیع نیروی برق مشهد خبر داد، آن را پیش‌نیاز خوبی برای حاضران در سمینار نظام آراستگی محیط کار دانست و افزود: هدف ما از برگزاری این دوره انتقال تجربه‌های موفق شرکت توزیع نیروی برق مشهد به سایر شرکت‌ها بود تا بتوانیم با ترویج این فرایند آموزشی، الگویی برای سایر صنایع استان نیز ارائه دهیم. در این دوره آموزشی موضوع تولید ناب تشریح شد، هدف تولید ناب، کاهش هزینه‌های سازمان و حذف تمام اتلاف‌ها و خطاها در فرایند تولید است.

وی با اشاره به آنکه شرکت‌کنندگان در این سمینار از صنایع مختلفی حضور داشتند، خاطر نشان کرد: به اعتقاد بنده حضور مدیران ارشد در این رویدادها موجب بازدهی بیشتری می‌شود، چرا که فرایند آموزشی با نگاه مدیریتی تبدیل به ساختار اجرایی خواهد شد و در حد آموزش باقی نخواهد ماند. در واقع باید با ایجاد مکانیزم‌های لازم، آموزش‌هایی کسب‌شده را اجرایی و همچنین رصد کرد.

رییس گروه سیستم‌های مدیریتی شرکت توزیع نیروی برق مشهد گفت: تصمیم شرکت توزیع نیروی برق مشهد بر این است که طی هماهنگی با سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان، این نوع آموزش‌ها را برای سایر صنایع نیز در نظر

شرکت‌ها و مراکز صنعتی این شهر برای شرکت در دوره‌هایی با این مضامین، مشهد را یکی از پیشروترین شهرهای ایران در این حوزه دانست. کیانوش ترک‌زبان، معاون دفتر تهران مرکز همکاری‌های ژاپن و خاورمیانه نیز در گفت‌وگو با روابط عمومی سندیکا به برنامه بازدید از شرکت توزیع نیروی برق مشهد و سازمان‌های زیرمجموعه در فردای آن روز (چهارشنبه دوم مرداد ماه) اشاره داشت و گفت: این بازدید به منظور بررسی نتیجه ۵ سال تلاش این مجموعه در زمینه اجرای تکنیک‌های پیاده‌سازی کایزن در محیط کسب‌وکار صورت می‌گیرد.

وی در خصوص سازوکار رصد کردن این اقدامات از شاخص‌هایی خبر داد که توسط پروفسور فوجیتا مستقیماً مورد مشاهده و ارزیابی قرار می‌گیرد و در قالب یک چک لیست امتیازدهی می‌شود. گفتنی است عبارت 5S از حرف ابتدای ۵ کلمه ژاپنی شامل Seiri (ساماندهی)، Seiton (نظم و ترتیب)، Seiso (پاکیزگی)، Seiketsu (استانداردسازی) و Shitsuke (انضباط) گرفته شده است.

این سیستم اولین بار بعد از جنگ جهانی دوم در ژاپن شکل گرفت، اما ژاپنی‌ها ایده اولیه آن را با الگوبرداری از برخی صنایع آمریکایی و اروپایی و پس از توسعه و نظام‌مند کردن آن ارائه دادند.



این سیستم امروزه به صورت نهادینه در ژاپن مورد استفاده قرار می‌گیرد و نتایج بسیار خوبی را برای واحدهای صنعتی و خدماتی به ارمغان آورده است. همچنین بسیاری از کشورها این نظام را به اجرا درآورده‌اند؛ به‌ویژه کشور سنگاپور نظام آراستگی را به عنوان یک نهضت ملی شروع کرده است.

باشد. البته بعد از آموزش، داشتن عزم و اراده جدی برای اجرای استراتژی‌ها ضروری است چرا که تا استراتژی به مرحله اجرا در نیاید، کار انجام شده راندمانی نخواهد داشت.

کارشناس ارشد بهره‌برداری و مدیر آموزش نیروگاه فردوسی با بیان آنکه آموزش کایزن صرفاً مربوط به صنایع بزرگ نیست گفت: به گفته پروفیسور فوجیتا کاربردهای کایزن از یک نگاه کوچک و حتی یک کشاورز تا شرکتی با ده‌ها یا صدها نفر پرسنل را در برمی‌گیرد. در سمیناری هم که در مشهد برگزار شد، اگرچه اکثریت شرکت‌کنندگان از صنعت برق بودند اما از سایر صنایع هم نمایندگانی حضور داشتند و از تجربه‌های ارائه‌شده استفاده کردند.

سمیه سلیمانی رییس گروه توسعه مدیریت شرکت آب منطقه‌ای خراسان با اشاره به جذابیت سمینار «نظام آراستگی محیط کار»، از تداوم چنین برنامه‌های استقبال کرد و افزود: به نظر می‌آید اگر این قبیل آموزش‌ها در سطح مدیران ارشد سازمان‌ها نیز برگزار شود،

بگیریم تا بتوانیم با پیاده‌سازی تولید ناب در شرکت‌ها، تحولی در صنعت استان ایجاد کنیم.

حسین اسفندیاری کارشناس ارشد بهره‌برداری و مدیر آموزش نیروگاه فردوسی از دیگر شرکت‌کنندگان در سمینار نظام آراستگی محیط کار بود که آن را مفید و دارای جنبه‌های کاربردی ارزیابی کرد و افزود: در نگاه اول شاید به لحاظ اختلاف فرهنگی و سازمانی شرکت‌های ایرانی با ژاپنی، این گونه برداشت شود که این نوع سمینارها در حد آموزش صرف باقی می‌ماند و قابلیت اجرایی پیدا نمی‌کند، اما ارائه تجربیات عملی شرکت توزیع نیروی برق مشهد در این سمینار نشان داد که این مجموعه در اجرایی‌کردن کایزن موفق بوده و نتیجه قابل مشاهده‌ای داشته است.

وی در خصوص اهمیت چنین آموزش‌هایی خاطر

حضور مدیران ارشد در این رویدادها موجب بازدهی بیشتری می‌شود، چرا که فرایند آموزشی با نگاه مدیریتی تبدیل به ساختار اجرایی خواهد شد و در حد آموزش باقی نخواهد ماند

نشان کرد: فرهنگ سازمانی به‌عنوان مجموعه‌ای از باورها و ارزش‌های مشترک، بر رفتار و اندیشه اعضای سازمان اثر می‌گذارد و می‌تواند نقطه شروعی برای پویایی و یا مانعی در راه پیشرفت سازمان به شمار آید.

اسفندیاری با ارائه این تعریف، پایه‌گذاری فرهنگ سازمانی مناسب را اولین رکن اجرای هر استراتژی دانست و گفت: اجرایی‌نشدن استراتژی‌ها به معنی آن است که فرهنگ سازمانی آن مجموعه توان اجرایی ندارد. دلیل شکست بسیاری از استراتژی‌های کلان این است که بدنه اجرایی و لایه‌های میانی سازمان مشارکت داده نمی‌شوند، لذا در پیشبرد اهداف سازمان، هر شخصی در هر جایگاهی باید برای تسهیل کار، فرهنگ سازمانی را رعایت کند.

وی از شرکت توزیع نیروی برق مشهد به عنوان نمونه موفق اجرایی‌کردن فرهنگ سازمانی منظم یاد کرد که طی فرایندی چند ساله، با آموزش تک تک افراد، مسائل و مشکلات خود را احصاء و در مسیر حل آن‌ها قدم برداشته است. اسفندیاری با بیان این مطلب افزود: به اعتقاد من آموزش‌هایی در زمینه کایزن و 5S می‌تواند نوعی بسترسازی برای ایجاد فرهنگ سازمانی



تاثیرگذاری بیشتری خواهد داشت.

وی که از پیشنهاددهندگان اصلی برگزاری این سمینار در مشهد و با حضور کارشناسان شرکت آب منطقه‌ای خراسان بوده است، گفت: ما از طریق خانه هم‌افزایی آب و برق با این قبیل دوره‌ها و موضوعات آشنا شدیم و برگزاری آن را در شرکت آب منطقه‌ای اطلاع‌رسانی کردیم که خوشبختانه با رضایت بالای آنان همراه بود. چرا که غالباً همکاران ما در همایش‌هایی از این دست که در آن راهکارهای بهبود شرایط کسب‌وکار ارائه می‌شود، کمتر حضور داشته‌اند و این سمینار می‌تواند شروع خوبی برای آنان باشد.

گزارش میدانی از نیروگاه شریعتی

نیروگاهی با قابلیت حضور در عرصه صادرات برق

را همراهی کردند و به سوالاتمان پاسخ دادند. وی درباره مشخصات و ویژگی‌های این نیروگاه گفت: اولین واحدهای این نیروگاه از مدل GE FRAME-۵ و شامل ۶ واحد است که ۴ واحد آن در سال ۶۳ و دو واحد دیگر در سال ۶۵ به بهره‌برداری رسیده‌اند. در اصل آغاز احداث نیروگاه در سال ۶۲ صورت گرفته است و در سال ۷۳ دو واحد گازی GE FRAME-۹ و در سال ۸۱ یک واحد بخار به ظرفیت ۱۰۴ مگاوات در نیروگاه احداث شد که با دو واحد گازی F۹ یک بلوک سیکل ترکیبی را تشکیل می‌دهد. بنابراین قدرت بلوک سیکل ترکیبی حدوداً ۳۵۰ مگاوات در شرایط ایزو است و پست نیروگاه ۱۳۲ کیلوولتی است که در آن زمان مستقلاً به شبکه خراسان وصل شد. مدیرعامل نیروگاه در خصوص نیروهای انسانی نیروگاه تأکید می‌کند که در این مجموعه از دو گروه نیروی انسانی استفاده می‌شود. یک گروه شامل ۱۰۴ نفر هستند که با شرکت مدیریت تولید برق شریعتی قرارداد دارند و در بخش‌های بهره‌برداری واحدها، بهره‌برداری شیمی، تعمیرات مکانیک، الکتریک، ابزار دقیق، مالی، اداری و پشتیبانی مشغول به فعالیت هستند. گروه دوم شامل حدود ۵۵ نفر کارگر فنی و پرسنل امور خدماتی هستند که از طریق شرکت‌های پیمانکار در نیروگاه کار می‌کنند. وی در ادامه به این موضوع اشاره می‌کند که ترکیبی بودن نیروگاه راندمان بالایی ایجاد کرده است و برای فهم بهتر مساله را این گونه بازگو می‌کند: به عنوان مثال واحدهای F۵ با راندمان ۲۱ درصدی، برای تولید ۲۰ مگاوات برق، حدود ۹ هزار مترمکعب گاز و واحدهای F۹ با راندمانی ۳۰ درصدی برای ۱۰۰ مگاوات برق حدود ۳۳ هزار متر مکعب گاز مصرف می‌کنند. حال

برق را از دنیای امروز بگیریم همه چیز تمام است، در دنیای صنعتی و مدرن امروز همه زندگی‌مان با برق گره خورده است و بدون آن عملاً هیچ فعالیتی امکان‌پذیر نیست. برای آشنایی با فرایند تولید برق و نیروگاه‌هایی که



مسئولیت تولید انرژی را بر عهده گرفته‌اند به بازدید از نیروگاه سیکل ترکیبی شریعتی، یکی از نیروگاه‌های بخش خصوصی در استان خراسان رضوی رفته‌ایم. این نیروگاه که قریب به ۴ دهه پیش در کیلومتر ۱۰ جاده سرخس تاسیس شده بود، در حال حاضر با توسعه شهر، در کیلومتر یک این جاده قرار دارد.

در جریان بازدید از نیروگاه شریعتی که ساعاتی پس از برگزاری سمینار «نظام آراستگی محیط کار» در مشهد صورت می‌گرفت، مدیرعامل نیروگاه و چند نفر از مهندسان و کارکنان آن ما



است. به گفته مدیرعامل نیروگاه شریعتی، نوع دیگر ارائه آموزش به کارکنان این نیروگاه، تبادل اطلاعات با دیگر نیروگاه‌ها است. وی در این خصوص خاطر نشان کرد: خصوصاً در زمان‌هایی که به لحاظ فنی مشکلی به وجود می‌آید با چند نیروگاه مشابه تبادل نظر صورت می‌گیرد و یا گاهی از کارشناسان خبره نیروگاه‌های دیگر به عنوان مدرس دعوت می‌کنیم. گاهی هم از سازنده دعوت کرده‌ایم تا برای مثال در یک هفته آموزش‌های لازم را به نیروها ارائه دهد. بنابراین آموزش‌ها در این نیروگاه عمدتاً در حین کار است. چرا که در مقطعی حدود ۱۵ سال پیش که آموزش‌ها به شیوه‌ای کلاسیک ارائه می‌شد، عملاً تاثیرگذاری چندانی در روند کار وجود نداشته است؛ در حالی که هدف اصلی از آموزش‌های حرفه‌ای آن است که فرد در محیط کار با جزئیات تخصصی آن آشنا شود و صرف دانستن مباحث تئوری موثر نیست. مدیرعامل این نیروگاه که خود به اتفاق دیگر مدیران و کارشناسان نیروگاهی در سمینار «نظام

وقتی در قالب بلوک ترکیبی از آن بهره‌برداری شود، راندمان به ۴۷ درصد خواهد رسید و برای تولید ۳۰۰ مگاوات برق در بلوک، فقط ۶۶ هزار مترمکعب گاز مصرف می‌شود، پس نیروگاه‌های ترکیبی با صرفه‌جویی در مصرف گاز، راندمان بالایی دارند.

وی در ادامه به سوالی با این مضمون که آیا نیروگاه شریعتی تاکنون از مزایایی که در ماده ۱۲ قانون حمایت از تولید رقابت‌پذیر برای نیروگاه‌های سیکل ترکیبی در نظر گرفته شده، بهره‌مند شده است یا خیر؛ پاسخ منفی داد و افزود: هر چند قوانینی برای پرداخت مابه‌التفاوت حاصل از صرفه‌جویی سوخت وجود دارد، اما در عمل چنین امکانی فراهم نشده است. درحالی که این امر نیاز به سرمایه‌گذاری بالایی دارد و با نرخ فعلی برق حتی در صورت سرمایه‌گذاری، امکان برگشت سرمایه وجود ندارد.

در ادامه این بازدید مدیرعامل نیروگاه به واگذاری آن به بخش خصوصی در سال ۹۱ اشاره داشت که با ورود به بازار و عرضه و فروش برق در شرایطی رقابتی همراه بود.

وی در ادامه صحبت‌های خود درباره مشکلات نیروگاه گفت: حدود ۱۲ سال است برق منطقه‌ای خراسان به شبکه سراسری متصل شده است. نیروگاه شریعتی در شرق مشهد است و کل شهرهای شرق منطقه و خراسان رضوی را با تلفات انتقال کمتر تغذیه می‌کند. در مورد قراردادهای دوجانبه اقداماتی انجام شده اما به دلایلی با مشکلاتی مواجه شده‌ایم.

مدیرعامل نیروگاه درباره سیاست نیروگاه برای آموزش نیروهای انسانی گفت: معمولاً در زمان ساخت نیروگاه‌ها آموزش‌های لازم به افراد داده می‌شود، در مورد این نیروگاه در سال ۸۲ تعدادی از افراد برای کسب آموزش‌های لازم درباره اداره نیروگاه‌های سیکل ترکیبی به روسیه و اروپا اعزام شدند. نحوه آموزش در مورد نیروهای جدید هم بستگی به موقعیت و جذب نیرو دارد. چنانچه نیروهای جدید جذب شوند نیروگاه دوره‌های آموزشی برای آنها در نظر می‌گیرد، به عنوان مثال در سال ۹۲ نیروهایی را برای واحدهای ۴۵ جذب کردیم که تعدادی از مهندسان با سابقه برای آنها دوره‌های آموزشی برگزار کردند. نوع دیگری از آموزش‌ها نیز در حین کار به وجود می‌آید، به طوری که اگر اتفاقی در سیستم رخ دهد طی جلسه‌ای مشکل را بررسی می‌کنند و آن موضوع تبدیل به یک دستورالعمل می‌شود. نوعی دیگر از آموزش‌ها (JOB TRAINING)



آراستگی محیط کار» حضور داشت، در خصوص آموزش‌های عمومی و تخصصی که سندیکای شرکت‌های تولیدکننده برق برای شرکت‌های عضو و دیگر علاقمندان ترتیب داده است خاطر نشان کرد که کارشناسان این نیروگاه از این دوره‌ها بهره برده‌اند و افزود: البته در مورد کنترل فرکانس در واحدهای بخار نیروگاه‌های سیکل ترکیبی، مخالفت‌هایی وجود دارد. در حال حاضر در واحدهای ۴۹ کنترل فرکانس صورت می‌گیرد اما با توجه به لخت‌تر بودن واحدهای بخار،

به رغم اصرار برای کنترل فرکانس این واحدها، باید در ابتدا یک محاسبه اقتصادی و مهندسی دقیق صورت گیرد. چرا که برای رساندن پاسخ فرکانس از نیم ثانیه به دو دهم ثانیه، باید دید برای این ۳ دهم ثانیه چه مقدار باید هزینه شود؛ استهلاک سیستم چه قدر خواهد بود و آیا مقرون به صرفه است یا خیر. لذا به دلیل اینکه پاسخ‌دهی سریع سیستم را نوسانی‌تر می‌کند و استهلاک آن را بالا می‌برد، با این امر مخالف هستیم مگر اینکه بهای خرید برق از این نیروگاه‌ها را ۱۰ درصد افزایش دهند که باز هم باید محاسبه کنیم و ببینیم برایمان به صرفه است یا خیر. البته این موضوع هنوز در حال بررسی است.

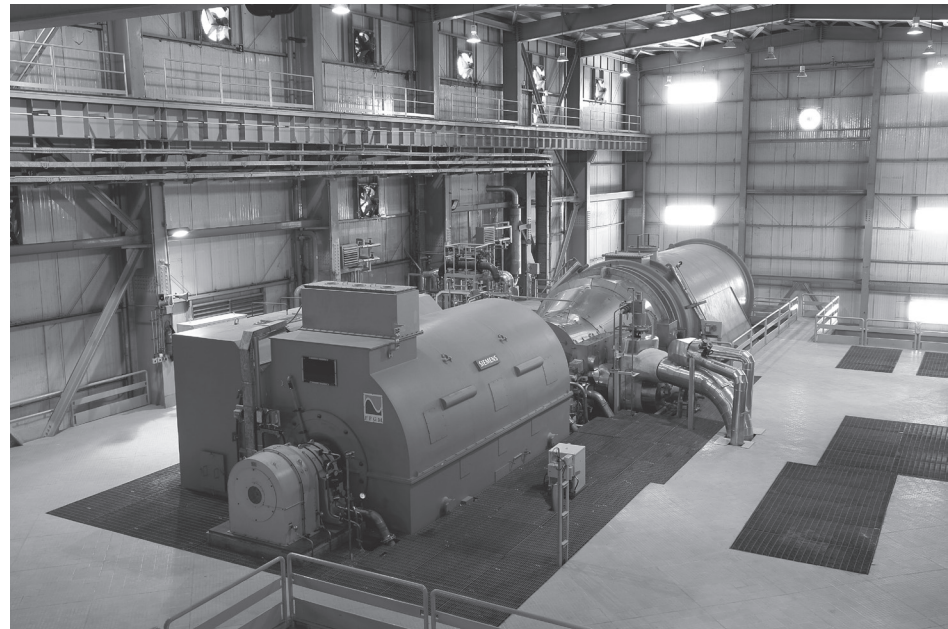
در این گفت‌وگو با مدیرعامل نیروگاه شریعتی راهکارهایی برای حل مشکلات و وصول مطالبات بیان شد که یکی از آنها صادرات برق است. اما صادراتی که در انحصار دولت است و بخش خصوصی فعلا بهره‌ای هم از آن نمی‌برد، عملا هنوز تاثیرگذاری لازم را برای نیروگاه‌های غیر دولتی ندارد. با این حال با توجه به موقعیت

نکرده‌اند و کار با مشکل مواجه شده است. وی در ادامه در خصوص میزان سرمایه‌گذاری ریالی و ارزی در نیروگاه شریعتی اظهار کرد: سرمایه‌گذاری اولیه نیروگاه در آن زمان در سه فاز مختلف بوده است؛ ۶ واحد اولیه این نیروگاه با تجهیزاتی احداث شده است که همه از ژاپن وارد شده بود، دو واحد F۹ در اصل آمریکایی است اما کل تجهیزات به صورت پکیج از اروپا آمده است؛ قسمت بخار آن تقریبا ترکیبی از چند شرکت سازنده بوده است، لوله‌های بویلر نیروگاه وارداتی هستند اما در ایران نصب شده‌اند. توریین بعضی از نیروگاه‌ها از شرکت زیمنس تهیه شده اما ژنراتور آن داخلی است. بیشتر نصب توسط ایرانی‌ها بوده است و بعضی از تجهیزات نیز تولید داخل است ولی حدود ۸۰ درصد وارداتی است.

مدیرعامل نیروگاه درباره دریافت تسهیلات ارزی برای نیروگاه هم توضیح داد که در ابتدای کار بودجه برای فعالیت فراهم بوده است و سازمان برنامه و بودجه مشکلی برای تامین آن نداشته است. سال ۹۱ نیروگاه به بخش خصوصی واگذار شده و از آن زمان تعمیرات نیروگاه طبق برنامه و دستورات عمل انجام شده است.

وی در این رابطه افزود: خوشبختانه بعد از اینکه مپنا و نیروگاه‌های مشابه از پتانسیل لازم برخوردار شدند که اغلب تجهیزات نیروگاهی را تولید می‌کنند، غالبا تعمیرات نیروگاه شریعتی هم به موقع و با تجهیزات ساخت داخل انجام می‌شود. خصوصا قطعات سنگینی که مپنا می‌سازد از کیفیت خوبی نیز برخوردار است. اما همچنان بعضی از قطعات ابزار دقیق ساخت داخل نشده و مجبوریم از خارج بخریم که با توجه به تحریم‌ها خرید آنها سخت و زمانبر است. از سوی دیگر امکان گشایش اعتبار اسنادی (LC) هم وجود ندارد و ارز با نرخ آزاد حساب می‌کنند، لذا مجبوریم از شرکت‌های بازرگانی با قیمت بالاتر بخریم.

مدیرعامل نیروگاه در ادامه درباره آخرین اورهال نیروگاه و نقدینگی لازم برای تعمیرات نیروگاه‌ها گفت: واحد F۵ در سال ۹۶ و ۹۷ دو اورهال داشته است که در زمستان انجام شد، همین طور واحد بخار تعمیرات نیمه اساسی نیاز دارند که آن هم در زمستان ۹۸ انجام می‌شود. تعمیرات دو واحد F۵ و F۹ که در سال ۹۶ و ۹۷ انجام شد، هزینه نسبتا کمی داشت و با تمام سختی‌ها بالاخره انجام شد. در سال ۹۵ که تعمیرات نیمه اساسی انجام شد هزینه‌ها چندان بالا نبود. سال ۹۸ اگر بودجه‌ای نرسد تعمیرات انجام نخواهد شد و اگر انجام نشود مالک باید ریسک را بپذیرد،



جغرافیایی نیروگاه شریعتی، پرسیدیم که این نیروگاه چه پتانسیل‌هایی برای صادرات برق به شرق کشور از جمله افغانستان دارد و در این زمینه چه اقداماتی انجام شده است؟ وی در پاسخ به این پرسش با اشاره به آنکه این موضوع در شرح وظایف مالک و بهره‌بردار گنجانده شده است تصریح کرد: تا آنجایی که من اطلاع دارم این امر باید در قالب قرارداد دو جانبه صورت گیرد، در حالی که شرکت توانیر و مدیریت شبکه مجوز آن را تا کنون صادر



امکان مصرف گاز و گازوییل وجود دارد اما با توجه به محدودیت گاز، از گازوییل استفاده می‌کنیم.

آخرین موضوعی که در این دیدار با مدیرعامل نیروگاه شریعتی مطرح شد، مساله ناهمخوانی هزینه تمام‌شده تولید برق و نرخ خرید آن از نیروگاه‌ها بود که خود با توجه به شرایط موجود صنعت برق می‌تواند مانع بزرگی بر سر راه ورود سرمایه جدید به این صنعت شود.

مدیرعامل نیروگاه شریعتی در این خصوص تصریح کرد: هر چند در سال‌های گذشته قراردادهای تضمینی خرید برق و سوخت رایگان باعث ترغیب و ادامه کار در صنعت برق برای برخی سرمایه‌گذاران شد، اما عملاً به رغم شرایطی که در سال‌های اخیر با نازل ماندن قیمت برق و در مقابل جهش‌های ارزی برای نیروگاه‌ها به وجود آمده، با توجه به هزینه هزاران میلیاردی که برای ساخت نیروگاه‌ها صرف شده است، نیروگاه‌ها مجبورند تحت هر شرایطی فعالیت خود را ادامه دهند مگر اینکه بخواهند کل کار را به دولت واگذار کنند. نیروگاه شریعتی نیز از این مشکل مستثنی نبوده و مجبور به ادامه کار در چنین شرایطی است.

چرا که احتمال صدمه دیدن نیروگاه در صورت عدم تعمیر قطعات، ۸۵ درصد است.

وی با بیان این مطلب مشکل عمده نیروگاه‌ها را کمبود نقدینگی دانست و افزود: اگر نقدینگی تامین شود همه تعمیرات به موقع صورت می‌گیرد و پروژه‌ها بهینه‌سازی خواهد شد، چرا که با این کار عمر واحد طولانی‌تر و احتمال خروج اضطراری واحدها کمتر می‌شود.

مدیرعامل نیروگاه شریعتی با تاکید بر آنکه مشکلی از نظر نیرو انسانی و توان فنی و اجرایی وجود ندارد، اذعان داشت: در واقع اگر مسایل اقتصادی و پاره‌ای ناهمخوانی‌ها وجود نداشته باشد، حتی اگر قطعه‌ای آمریکایی هم برای تعمیرات مورد نیاز باشد، همچنان قابل تامین است. کما اینکه هم‌اکنون نیز شاهدیم شرکتی قطعه‌ای را ظرف یک ماه از آمریکا آورده اما بیش از ۷ ماه در گمرک ایران مانده است. در واقع ۹۵ درصد مشکل ما کمبود نقدینگی است و حدود ۳ درصد برای دیر آمدن قطعه است و دو درصد مسائل مدیریتی و بازرگانی است که قابل حل است.

وی در پاسخ به سوالی درباره سوخت مصرفی نیروگاه شریعتی خاطر نشان کرد: در این نیروگاه



